



در روز ۲۶ شهریور، به دعوت انجمن ملی حمایت از حقوق کودک به مناسبت شب هفت «آرین گلشنی» کوکری بر اثر شلنگ‌های پدر و نامادری کشته شد، گروهی از نویسندگان، خبرنگاران و هنرمندان گرد آمدند. زنان شرکت‌کننده در این مراسم فریاد می‌زدند: «قانون اصلاح باید کرد» اشاره آنان به ماده مربوط به عق نکوداری کودکان در قانون مدنی جمهوری اسلامی بود که مطابق آن هفتاد و یک سالگی و کودکان دختر پس از هفت سالگی به پدر واگذار می‌شود.

## دبیر کل اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویی:

# قانون اساسی باید در جهت محدود کردن اختیارات ولی فقیه تغییر کند

● حشمت‌الله طبرزدی دبیر کل اتحادیه انجمن‌های اسلامی خواستار آن شد که ولی فقیه با رای مستقیم مردم انتخاب و زمان مسئولیت و حدود اختیاراتش محدود شود

● جمعیت مؤتلفه اسلامی: در برابر تضعیف کنندگان ولی فقیه قاطعانه خواهیم ایستاد

مستقیم انتخاب کنند. طبرزدی گفت با ولایت مطلقه فقیه مخالف است زیرا در قانون اساسی، در اصل صد و دهم، وظایف و اختیارات رهبر در یازده ماده تعریف شده است و بنابراین این مقام نمی‌تواند اختیارات مطلقه داشته باشد. طبرزدی در این مصاحبه همچنین تلاش‌های رفسنجانی برای تقویت موقعیت مجمع تشخیص مصلحت را به عنوان ایجاد دولت در دولت مورد انتقاد قرار داد.

ادامه در صفحه ۲

ولایت مطلقه فقیه را رد کرد. او که در برابر دو تا سه هزار دانشجوی سخن می‌گفت خواستار آن شد که ولی فقیه نیز با رای مستقیم مردم انتخاب شود، دوره مسئولیتش محدود باشد و اختیاراتش نیز محدود گردد. طبرزدی در مصاحبه‌هایی که بعد از این سخنرانی انجام داد، به سخنانش صراحت بیشتری بخشید و خواستار تغییر قانون اساسی شد. او گفت قانون اساسی باید تغییر کند تا مردم بتوانند رهبر را نیز مانند رئیس‌جمهور با رای

چندین هزار تن دانشجویان در اجتماع‌هایی که در برابر دانشگاه تهران برپا شد خواهان آن شدند که مقام ولایت فقیه به انتخاب مستقیم مردم گذاشته شود و اختیارات و دوره حکومت او محدود گردد.

در تظاهرات دانشجویان که در روز آخر مهر ماه و به دعوت اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویی برگزار شد، حشمت‌الله طبرزدی دبیر کل این اتحادیه در سخنانی که تاکنون در محافل رژیم بسی سابقه بوده است،

## موفقیت بزرگ پناهندگان ایرانی در هلند

### در دفاع از حقوق پناهندگی

سازمان پناهندگی و سیاسی ایرانی، از مدت‌ها پیش بین وزارت خارجه هلند و سفارت ایران در هلند پیرامون مسایل پناهندگی و دیگر موضوعات حول آن گفتگوهای صورت می‌گرفت که وقتی مورد اعتراض افکار عمومی و پناهندگان ایرانی قرار گرفت، در جواب عکس‌العمل نماینده وزارت امور خارجه این بود که «ما حق خود می‌دانیم با سفارتخانه ایران در هلند پیرامون مسایل دیپلماتیک به گفتگو بنشینیم» ولی واقعیت امر چیزهای دیگری هم از جمله چگونگی همکاری در زمینه بازپس‌فرستادن ایرانیان به کشورشان از سوی مقامات امور خارجه و وزارت دادگستری هلند هم بوده است.

ادامه در صفحه ۲

گزارش صحیح از «مونیتورینگ»، نظارت سفارتخانه هلند در رابطه با عدم مطلع شدن از وضع امنیتی بازپس‌فرستاده‌شده‌ها معذرت خواهی کردند. لازم به توضیح است که در نشست ۱۲۰ اکتبر کمیسیون مذکور چهارده سازمان و ارگان برای ارائه توضیح پیرامون وضع حقوق بشر در ایران، سیاست اخراج پناهندگان ایرانی و گزارش وزارت امور خارجه هلند از اوضاع که سیاست مذکور بر این پایه تنظیم می‌شود، دعوت شده بودند چهارده سازمان عبارت بودند: از پنج سازمان هلندی - بین‌المللی پناهندگان مانند عفو بین‌الملل، سازمان هلندی پناهندگان و سه نماینده دولتی از کشورهای آلمان، سوئد، هلند و شش

ایرانیان پناهنده در کشور هلند طی سه سال واندی مبارزه گسترده علیه چهره ضد مردمی رژیم جمهوری اسلامی و در دفاع از پناهندگی و نیز اعتراض علیه اخراجشان توسط دولت هلند به ایران، موفق شدند موضوع سیاست نقض حقوق پناهندگی دولت ائتلافی جهت بررسی و اتخاذ تصمیم جدید به نمایندگان مجلس هلند واگذار شود.

در تاریخ ۹۷/۱۰/۳۰ دوتن از قائم‌مقامان وزارت دادگستری و وزارت امور خارجه هلند آشکارا در نشست کمیونی مجلس که در رابطه با نتیجه کار نشست اصلی کمیسیون مسائل ایرانیان پناهنده که در تاریخ ۹۷/۱۰/۲۰ صورت گرفته بود، از اعضای کمیسیون به خاطر عدم ارائه

## چین به آمریکا تضمین داد

### به جمهوری اسلامی تکنولوژی هسته‌ای ن فروشد

در صفحه ۳

## از اختلاس‌ها و دزدی‌های بی حساب

### در صفحه ۳

## ستون‌های «خیمه روحانیت»

### به لرزه افتاده است

رفسنجانی می‌گوید: «مسئله ولایت فقیه بسیار مهم است و ما این نقطه اصلی را نباید فراموش کنیم. درست مشاهده می‌کنید الان که خیلی رندانه، دشمنان خارجی ما همین ستون خیمه روحانیت و انقلاب و شیرازه کتاب انقلاب را که ولایت فقیه است، هدف قرار داده است». آری ستون‌های «خیمه روحانیت» برای دومین بار بعد از انتخابات ریاست جمهوری و «نه» بیست‌میلیون نفر به کاندیدای «نظام» و «ولی فقیه»، نه توسط «دشمنان خارجی» و یا نیروهای اپوزیسیون، بلکه توسط «خودیه‌ها» زیر ضرب رفته است.

اولین بار حدود یک ماه قبل در مصاحبه یهزاد نبوی با روزنامه سلام، در سخنان و مصاحبه‌های دکتر سروش و در مقاله محسن سازگارا در روزنامه ایران بطور آشکار و نهان اختیارات و موجودیت ولی فقیه زیر سؤال برده شد. در سرمقاله روزنامه ایران که وابسته به خبرگزاری جمهوری اسلامی است، مسئله انتخابات ولی فقیه با رای مستقیم مردم مطرح شد. بلافاصله بعد از این مطلب توپخانه ولی فقیه و اعوان و انصار او برای دفع این حملات به شلیک متقابل پرداخت. ولی فقیه این افراد را نادان خواند، روزنامه‌های کیهان و رسالت، چندین روز سرمقاله‌های خود را به این موضوع اختصاص دادند و در دفاع از ولی فقیه و توطئه‌های دشمنان علیه وی قلمفرسائی کردند. رفسنجانی نیز پا به میدان گذاشت و دفاع جانانه‌ای از ولی فقیه کرد که سابقه نداشت.

اما این توپ و تشرها چندان نپایید. در فاصله یک ماه، این بار نه در روزنامه‌ها، بلکه در صحن دانشگاه، جایی که رژیم اسلامی در طی ۱۸ سال به تصفیه بی‌سابقه‌ای برای حذف غیر خودی‌ها دست زد، آنهم توسط دانشجویانی که در دامن همین نظام پرورش یافته‌اند و «امتحان» خود را بارها پس داده‌اند ولی فقیه زیر ضرب برده شد. اگر یهزاد نبوی در مصاحبه با سلام با طرح محدودیت اختیارات رئیس‌جمهور به طور غیر مستقیم اختیارات ولی فقیه را زیر سؤال برد، اگر دکتر سروش با طرح این موضوع که اکثریت علمای عظام به «ولایت فقیه» اعتقاد ندارند، می‌خواهد عامیت ولایت فقیه را مورد تردید قرار می‌دهد، اما طبرزدی و یاران او بر اختیارات نامحدود ولی فقیه، مافوق قانون بودن و عدم کنترل وی دست می‌گذارند و غیر انتخابی و تحمیلی بودن ولایت فقیه را مطرح می‌سازند.

چنانچه انتظار می‌رفت این سخنان خشم حامیان ولی فقیه را برانگیخت و روزنامه‌های آنان با فحش، تهمت و بد و بیراهه‌گویی‌ها سخنان بالا پر شد و دسته‌های دانشجویی وابسته به آنها براه افتاد و اعلامیه و اطلاعیه پشت سر هم علیه طبرزدی و یاران او داده شد. حامیان ولی فقیه این بار نیز کوشیدند «خیمه روحانیت» را برافراشته نگه دارند.

## مصاحبه با دکتر اسماعیل خوئی

### «چون گل یاس غمگینی،

### رسته بر ساقه پیداری»

در صفحه ۶

## سیمین بهبهانی در مراسم «وفاق ملی» وزارت ارشاد

### دستجات حزب الله به این مراسم حمله کردند

از آنان به مراسم مزبور حمله کردند. برق چراغ‌های محل مراسم را قطع کردند تا از اجرای برنامه جلوگیری کنند. سیمین بهبهانی در مصاحبه‌ای با رادیو ایرانیان در آمریکا در مورد جزئیات این حادثه سخن گفت.

سیمین بهبهانی، شاعر غزلسرای معروف دعوت داشت. دعوت معاونت وزارت ارشاد از خانم سیمین بهبهانی که به خاطر سرودن عشق و زیبایی و زندگی همواره در جمهوری اسلامی مورد کین و تهاجم بوده است، حزب‌اللهی‌ها را خوش نیامد و گروهی

بنا به دعوت وزارت ارشاد اسلامی به مناسبت سالروز تولد فاطمه دختر پیغمبر اسلام که در جمهوری اسلامی به عنوان روز زن تعیین شده است، مراسمی برگزار شد. در این مراسم که به گزارش خبرگزاری‌ها بر آن نام وفاق ملی گذاشته شده بود، خانم

### در این شماره

گفتگو با باقر مومنی

پیرامون «سیمای امروزین چپ»

صفحه ۹

ملاحظات در باره «تبلیغات»

ابراهیم محجوبی

صفحه ۷

تئوری و پراتیک چپ

و موضع فمینیستی

فریگا هاوگ

صفحه ۸

## هشتادمین سالگرد انقلاب اکبر را

## گرامی داریم

هشتاد سال از انقلاب اکبر ۱۹۱۷، آغاز بزرگترین تلاش جمعی تاریخ بشر برای تحقق عدالت اجتماعی، گذشت. هر چند این تلاش بنا به علل مختلف درونی و بیرونی، در برپایی جامعه سوسیالیستی به مثابه بدیل تاریخی سرمایه‌داری ناکام ماند، اما بسیاری از دستاوردهای آن علیرغم فروپاشی نظامی که برپا کرد، ماندنی است. تحت تأثیر دوران‌ساز انقلاب اکبر بود که سرمایه‌داری در برابر جنبش کارگری به بزرگترین عقب‌نشینی‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی تن داد. سرمایه‌داری امروز، با سرمایه‌داری ۱۹۱۷ تفاوت بسیار دارد. غیر قابل تصور است که این عقب‌نشینی‌ها، بدون انقلاب اکبر نیز تحقق می‌یافت.

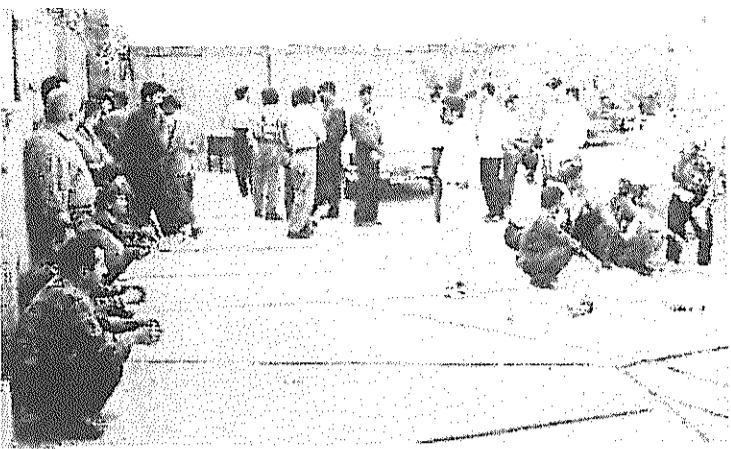
نظام برآمده از انقلاب اکبر بود که جهان و بشریت را از کابوس فاشیسم به مثابه تاریک‌ترین بخش تاریخ معاصر، رهانید. دو پرتو انقلاب اکبر بود که نظام استعماری فرور ریخت و ملل کشورهای تحت ستم توانستند به دستاوردهایی تاریخی در کسب استقلال نایل آیند. این ملت‌ها، در سال‌های اخیر فقدان نیرویی را بتوانند در برابر اجحافات سرمایه‌داری بدان تکیه کنند، به تلخی لمس کرده‌اند.

هشتادمین سالگرد انقلاب اکبر را در شرایطی گرامی می‌داریم که سرمایه‌داری، با پیروزی در جنگ سرد، خود را یکه‌تاز تاریخ می‌پندارد و بر آن است تا بسیاری از آنچه را مردم و زحمتکشان در دهه‌های پس از اکبر به دست آورده‌اند پس بگیرد. گرامی‌داشت اکبر، بدین معناست که در شرایط جدید، پیام اکبر را در پیابیم، و آن این است: سرمایه‌داری، حرف آخر تاریخ نیست.

## در اعتراض به شرایط غیر انسانی کار

## کارگران مترو تهران دست از کار کشیدند

● کارگران مترو: ما حتی از حقوق اولیه خود محروم هستیم



ماه گذشته، کارگران (کارگاه دانشگاه) متروی تهران در اعتراض به شرایط ننامناسب کار و بی‌توجهی مسئولین به خواسته‌ها و مشکلات آنان دست از کار کشیدند و در محوطه این کارگاه تجمع اعتراضی بر پا کردند. یکی از کارگران مترو که ۵ سال سابقه کار در این کارگاه را دارد به خبرنگاران گفت: مدت مدیدی است که

پرسنل کارگاه متروی دانشگاه به مشکلات مالی دست به گریبان هستند که علت عمده این معضلات عدم توجه مسئولین ذریع به مشکلات صنفی و خواسته‌های قانونی کارگران زحمتکش مترو می‌باشد. او تأکید کرد که سالیان متمادی است کارگران مترو حتی از حقوق اولیه خود محروم هستند به عنوان نمونه تا کنون لباس کار،

هم چنین اضافه کاری‌ها قطع شده است. کارگر دیگری گفت: شرایط کار در تونل‌های مترو سخت و طاقت‌فرسا است و کارفرمایان هیچ‌گاه توجهی به شرایط کار نداشته‌اند. کارگران معترض از مسئولین خواستند که در کارگاه حضور یابند و مشکلات آنان را حل کنند. این خواسته بی‌پاسخ ماند.

## ستون «خیمه‌رو حانیت»

## به لرزه افتاده است

ادامه از صفحه اول

ولی پایه‌های این «خیمه» در انتخابات ریاست جمهوری و در ماه‌های بعد از آن لرزان شده است. بگونه‌ای که بخشی از «خودی‌ها» نیز پایه‌های خیمه را تکان می‌دهند. خشم ولی فقیه و حامیان وی زمانی دوچندان می‌شود که این بار کسانی از تحمیلی بودن ولایت فقیه و انتخاب آزادانه نظام سیاسی توسط مردم سخن می‌گویند که سالها در بر پا کردن «خیمه روحانیت» و حفظ آن کوشیدند.

واقعیت این است که امروز نیروهایی از درون نظام به این حقیقت پی برده‌اند که ولی فقیه، نه انتخاب مردم، بلکه انتخاب روحانیون حکومتی است که بر بالای قانون قرار گرفته، از اختیارات فوق‌العاده‌ای برخوردار بوده و هیچ فرد و یا نهادی حق کنترل و بازخواست وی را ندارد. بعلاوه او بر بالای سر رئیس جمهور که منتخب مردم است قرار گرفته و با راه انداختن مجمع تشخیص مصلحت نظام در صدد آنست که برنامه‌ها و سیاست‌های اصلی نظام را تعیین کرده و رئیس جمهور و کابینه وی را به مجری برنامه‌ها و سیاست‌های «مجمع» تبدیل کند.

این بخش از نیروهای وابسته به نظام اسلامی اکنون به درجاتی دریافته‌اند که ولی فقیه و جناح‌های حامی وی یعنی پیروان فقه سنتی، بازار و حزب‌اللهی‌ها، سد راه هرگونه تحول در جامعه هستند. این جناح‌ها استبداد ولایت فقیه را در تأمین آزادی سیاسی و فرهنگی در جامعه، در تأمین قانونیت و مشارکت مردم در تصمیم‌گیری می‌بینند، به همین خاطر بعد از گذراندن گیج‌سری ناشی از «نه» بیست‌میلیون نفری مردم، به تهاجم وسیع دست زده‌اند تا بتوانند از یکایک سنگرهای خود دفاع کنند.

آنچه مسلم است تهدیدهای حامیان ولی فقیه نخواهند توانست خواست و تمایل میلیون‌ها مردم برای انجام تحولات و مخالفت مردم با نظام سیاسی ولایت فقیه را فرو نشاند و «خیمه روحانیت» را هم چون ۱۹ سال گذشته بر پا نگهدارد. پایه‌های این خیمه بطور جدی به لرزه افتاده است.

## قانون اساسی باید...

ادامه از صفحه اول

روزنامه رسالت سخنان دانشجویان هم‌دار اتحادیه انجمن‌های اسلامی یک هفته بعد اجتماع مشابه دیگری برگزار کردند و سخنرانان این اجتماع نیز در سخنرانی‌های خود تأکید کردند مردم باید حق انتخاب ولی فقیه را داشته باشند و ولی فقیه نباید بر آن‌ها تحمیل شود.

اجتماعات دانشجویان انجمن‌های اسلامی با انعکاس گسترده‌ای در ایران و حتی خارج از کشور مواجه شد و واکنش تند و حملات متقابل طرفداران خصمانه‌ای را به دنبال داشت. روزنامه‌های وابسته به خامنه‌ای و جناح رسالت، انجمن‌های اسلامی را مورد حملات شدید قرار دادند و دانشجویان طرفدار خامنه‌ای تظاهرات و اجتماعات متقابلی در حمایت از ولایت فقیه و خامنه‌ای برپا کردند.

## موفقیت بزرگ پناهندگان ایرانی در هلند در دفاع از حقوق پناهندگی

ادامه از صفحه اول  
دلایل موضوع روز شدن

مسئله پناهجویان ایرانی

به نظر می‌آید موضوع سازمان‌های پناهندگی در هلند می‌باشد. از نظر قریب به اتفاق کارشناسان مسائل پناهندگی ایرانیان و سازمان‌های بین‌المللی رسیدگی به مسائل حقوق بشر در ایران گزارش‌های ارائه شده واقعی نبوده و اطلاعات مندرج در آن هم اشاره به منابع ندارد. در آخرین گزارش وزارت امور خارجه هلند از ایران آمده بود که در سال گذشته هیچ سنگساری در مورد زنان دیده نشده است. در حالیکه در روزنامه‌های خود رژیم در چند مورد به سنگسار و صدور اجرائی حکم آن اشاره شده بود. آمار ارائه‌شده از اعدام‌ها و علت واقعی آن نبود. در حالی‌که در سال گذشته و سال جاری رژیم رسماً چندین مورد علت اعدام‌ها را در رابطه با فعالیت‌های علیه حکومت و براندازی حکومت اعلام کرده بود.

ایرانیان و هلندی‌های طرفدار واقعیت می‌گفتند مگر می‌شود دولت هلند در اجلاس رسمی سازمان ملل ایران را به خاطر نقض حقوق بشر محکوم کند ولی در تهیه گزارشش از وضع موجود ایران چیز دیگری را بیان بنماید؟

این موضوعات جهت افشای غیرواقعی بودنش و اثبات واقعیت‌ها در میان ایرانیان پناهنده و سازمان‌های دفاع از پناهندگی به اعتراضات و حرکت‌های سازمان‌یافته و خودجوش شکل مشخصی را می‌داد.

خودسوزی‌ها، خودکشی و اعتصاب غذاهای فراوان و پی در پی همراه با راه‌پیمایی‌های بزرگ و دیگر اشکال روش‌مبارزه از جمله برگزاری سمپوزیم ایرانیان و کنفرانس‌های مطبوعاتی مختلف و سیل نامه‌های اعتراضی به فراکسیون‌های مجلس تأثیرات خود را گذاشت و مجلس تصمیم گرفت نسبت به آخرین گزارش وزارت امور خارجه و کسب خبر از وضع کسانی که باز پس فرستاده شده‌اند و همچنین پرونده‌های بسته‌شده درخواست‌های پناهندگی مستقیماً از سوی خود جریان‌های دیگر مسائل را پیش‌نبرد. مجلس دیگر نمی‌توانست فقط از طریق دولت مسائل را دنبال بکند؛ زیرا که حصرهای دولت و حصرهای اعتراضی، مجلس را نمی‌توانست به ارزیابی دقیق برساند.

قابل ذکر است که قبل از این اقدام، در ماه ژوئن سال جاری، قائم مقام وزارت دادگستری در یک جلسه عمومی مجلس و در جهت ایجاد

اطمینان از وضعیت برگشت‌داده‌شدگان به ایران مدعی شده بود که این افراد در ایران توسط سفارت هلند تحت نظارت «مونیتورینگ» قرار می‌گیرند، به نحوی که اگر دولت ایران مشکلی برای آنان یا هر یکشان ایجاد کند سفارت می‌تواند مطلع شود. مجلس با این اطمینان و با تأکید بر لزوم بسط این روش مواضع وزارت دادگستری را پذیرفته بود. مجلس بطور مشخص به وزارت امور خارجه و وزارت دادگستری جهت ایجاد «مونیتورینگ» نظارت تکلیف شده بود. ولی از آنجایی که رژیم جمهوری اسلامی مانع از ورود نمایندگان سفارت هلند به فرودگاه برای برقراری تماس با افراد بازپرس‌فرستاده‌شده از هلند شده و وزارت امور خارجه به خاطر عدم گزارش به موقع اشکالات کار همچنان «پرونده بسته‌شده‌ها» را به ایران تحویل می‌دادند و بنا بر اخبار موفق تاکنون چندین نفر از آنان دستگیر شده‌اند و از سرنوشت آنان اطلاعی در دست نیست.

نماینده کنسول موظف بوده با آن‌ها تماس بگیرد و آدرس و شماره تلفن در اختیار آنان بگذارد که در مواقع حساس چنانچه خطری از سوی رژیم متوجه آنان شد با نماینده مذکور تماس گرفته شود.

حرکت‌های اعتراضی وقتی به جرائد و رسانه‌های گروهی راه پیدا می‌کرد به افکار عمومی گزارش داده می‌شد که وضع در ایران امن می‌باشد و تاکنون کسانی را که بازپرس فرستاده‌ایم هیچ ارتباطی با سفارت هلند در ایران نداشته‌اند و این یعنی اینکه پس خطری وجود نداشته است. در واقع مجلس خود رسماً تمایل پیدا کرد که بداند آیا ایران امن می‌باشد یا خیر. در معذرت‌خواهی‌ها فعلاً و موقتاً تصمیم گرفته شده است که تا ارائه توضیح وزارت امور خارجه و وزارت دادگستری به جلسه عمومی مجلس و احتمالاً تنظیم سیاست دیگری برای بازگرداندن ایرانیان، هیچ پناهنده‌ای به ایران بازگردانده نشود. لازم به گفتن است که جلسه عمومی مجلس روز سه‌شنبه ۴ نوامبر تشکیل خواهد شد.

روند مبارزه و کیفیت آن:

با توجه به مسائل ذکر شده در بالا ایرانیان پناهنده از شروع ایجاد محدودیت‌ها و تضییق حقوق اولیه، تنها راه را مقابله با دولت هلند دیدند.

## از اختلاس و دزدی‌های بی حساب

## در نقد یک تصمیم شتاب‌زده

حمایت محافل دولتی آمریکا باز کرده بود، چاره را در این دیده است که در تسلیح دوگانه دیپلماسی و جنگ مسلحانه، کفه دوم را سنگین‌تر کند. این تصمیم بیش از آنکه بر مبنای تحلیل مشخصی از شرایط سیاسی و اجتماعی داخل ایران اتخاذ شده باشد، از نظر رهبری مجاهدین متضمن بقای این سازمان و فعالیت آن است.

ایسن نخستین بار نیست که مجاهدین بدون توجه به عواقب گسترده‌تر یک تصمیم، صرفاً بر اساس آنچه که به عنوان مقتضیات مبارزه خود ارزیابی می‌کنند، دست به ماجراجویی‌های نظامی می‌زنند. نظیر این سناریو در سال‌های ۶۰ و ۶۷ نیز تکرار شده و به فجایعی که می‌دانیم انجامیده است. چنین تصمیم‌هایی همواره مورد استقبال هارترین جناح‌های رژیم استبدادی جمهوری اسلامی قرار گرفته است تا شمشیر را از رو بپندند و چوبه‌های اعدام را به راه اندازند. چنین تصمیمی همواره به رژیم خوتریز جمهوری اسلامی امکان سیاست سرکوبگرانه خود با این دروغ که مقاومت مردمی، یعنی همان فعالیت مسلحانه مخالفان، بگریزد.

ما امیدواریم که این بار تصمیم شتاب‌زده رهبری مجاهدین به تشدید عملیات نظامی، با توجه به وضعیت خطر سیاسی مورد تجدید نظر قرار گیرد. روی آوردن دولت‌هایی که مجاهدین روی حمایت آنها حساب کرده یا می‌کنند (چه غرب باشد چه عراق) به سیاست معامله و بده‌بستان به جمهوری اسلامی، فرصت مناسبی است که مجاهدین، به‌آنچه در استراتژی مبارزه با رژیم هرگز عامل نامطمئن از کار در نخواهد آمد، یعنی اتکا به‌اشکال مردمی مبارزه، روی آورد.

اخباری که هم منابع رژیم جمهوری اسلامی، هم بیانیه‌های سازمان مجاهدین و هم گزارش‌های مستقل آن را تأیید می‌کند، حاکی از تشدید فعالیت مسلحانه مجاهدین در مرزهای ایران و عراق و در داخل کشور است. مجاهدین از بیش از صدها مورد عملیات در ماه‌های اخیر سخن می‌گویند و رژیم از دستگیری شمار زیادی از مجاهدین.

به نظر می‌رسد تصمیم مجاهدین برای تشدید عملیات مسلحانه، بی‌ارتباط با وضعیت کنونی سیاسی در ایران و با نامیدی رهبری مجاهدین از جلب حمایت غرب نباشد. وزارت خارجه آمریکا اخیراً در یک ژست آشکار آشتی‌جویانه در قبال جمهوری اسلامی، سازمان مجاهدین خلق ایران را در زمره گروه‌های «تروریست» قرار داد. دولت انگلیس نیز به تبع آمریکا ارزیابی مشابهی از مجاهدین را ارائه‌ی سیاست خود قرار داد.

در مقابل، رهبری مجاهدین که پیش از این حساب زیادی روی

۱۰۰ میلیون تومانی آزاد شده و در مقام خود باقی می‌ماند.

### پرونده آیت‌الله‌زاده‌ها

«آیت‌الله زاده‌ها» در حکومت اسلامی گناه از قدرتی بیشتر از «آیت‌الله‌ها» برخوردارند. آنها بعنوان دلال و واسطه‌های کارچاق‌کن عمل می‌کنند. پول‌های کلان از مردم می‌گیرند و با نفوذ و قدرتی که در نهادها و ارگان‌های حکومت اسلامی دارند، کار آنها را راه می‌اندازند. انقلاب اسلامی (در هجرت) به سه مورد آنها اشاره کرده است. پرونده پسر واعظ طوسی جز پرونده‌های «ثروتهای بادآورده» است. پرونده پسر آیت‌الله خزعلی (عضو شورای نگهبان) نیز تحت تعقیب است. پرونده پسر آیت‌الله رسولی عضو (شورای تشخیص مصلحت) مدتی است که در دست بررسی است.

عوامل خود می‌گمارند. از جمله حمید فردوس، یکی از گردانندگان شرکت شاهد را مدیر کل تدارکات می‌کنند و با شرکت شاهد، قراردادهای صدها میلیارد ریالی منعقد می‌کنند. همان روش را بکار می‌برند که قبلاً با شرکت شیمیو بکار برده بود. مدیر بازرگانی آن شرکت نیز مدیر تدارکات دخانیات بوده است.

به حساب دخانیات به قیمتی بالاتر از نرخ بازار آزاد، ۱۰ ریال زیر کارمزد به حساب می‌گذارند، در نتیجه ۱ میلیارد و ۹۲ میلیون ریال پول شرکت را حیف و میل می‌کنند. از ۱۰۰ دستگاه خودرو که دخانیات برای مدیران خود سفارش داده بود بخشی را قبلی صنایع با استفاده از رابطه خود با عبدالصمدی (مدیر عامل شرکت) خواهرزاده خود شکوری را معاون بازرگانی و حقوقی شرکت می‌گرداند و دست آن دو را برای چسبیدن باز می‌گذارد. این دو مقامهای شرکت را از

اختلاس در نهادها و ارگانهای جمهوری اسلامی پدید می‌کند. هر از چندگاهی گوشه‌ای از آن به مطبوعات راه می‌یابد و مردم در جریان این فسادها قرار می‌گیرند. اخیراً خبر اختلاس در منتشر می‌شود که ابعاد وسیع آن را نشان می‌دهد.

### فساد در شرکت دخانیات

کیهان هوایی خبر از فسادهای گسترده در سازمان دخانیات داده است. بنوشته این هفته‌نامه شرکت دخانیات یک میلیارد و ۴۰۰ میلیون نخ سیگار در ماه تولید می‌کند و یک میلیارد نخ سیگار قاچاق کشف می‌کند و پسر روی هم ۱/۵ میلیارد تومان درآمد خالص دارد. نعمت‌زاده وزیر قبلی صنایع با استفاده از رابطه خود با عبدالصمدی (مدیر عامل شرکت) خواهرزاده خود شکوری را معاون بازرگانی و حقوقی شرکت می‌گرداند و دست آن دو را برای چسبیدن باز می‌گذارد. این دو مقامهای شرکت را از

### اختلاس در شاهرود

#### و تنکابن

بنوشته روزنامه اخبار یکی از کارکنان واحد حسابداری جهادسازندگی شاهرود به علت اختلاس دستگیر شده است. فرد یاد شده حدود ۶ میلیون ۸۰۰ هزار تومان اختلاس کرده است.

بنوشته همین روزنامه معاون امور مالی دانشگاه آزاد اسلامی شهرستان تنکابن با اختلاس ۳ میلیارد ریال متواری شده است. فرد فراری با

### تأخیر در رسیدگی به پرونده‌های قضایی

به چندسال می‌رسیده است، در بسیاری از موارد موجب آن شده است که شاکیان از اصل شکایت خود صرف‌نظر کنند. بعید به نظر می‌رسد که از آن زمان تاکنون تغییرات ماهوی مردمی در ساختار اداری وزارت‌خانه‌ی دادگستری و دستگاه قضایی کشور روی داده باشد. به این ترتیب با گفتمانی تازه‌ی وزیر دادگستری ادعایی پوچ است و یا وی قصد دارد تربیتی دهد که دادگاه‌های وزارت‌خانه‌ی تحت مسئولیتش به‌جای بررسی عمیق، همدچانه و کافی پرونده‌ها، هم‌چون دادگاه‌های دیگر رژیم، سطحی‌تر و عجولانه احکام خود را صادر نمایند.

شوشتی وزیر دادگستری رژیم اخیراً اعلام کرده است که با تدابیر به عمل آمده تا پایان برنامه‌ی دوم توسعه‌ی اقتصادی زمان رسیدگی به پرونده‌های قضایی از سه ماهه‌ی کنونی به یک ماه کاهش خواهد یافت. وی هم‌چنین اظهار داشت که بیشترین پرونده‌های تشکیلات قضایی را تخلفات مربوط به مواد مخدر و چک تشکیل میدهد.

مسئله‌ی تأخیر در پرونده‌های قضایی از دهه‌های گذشته تاکنون همواره از بزرگ‌ترین مشکلات شاکیان که برای دادخواهی به دستگاه قضایی مراجعه می‌کرده‌اند، بوده است. تأخیر در رسیدگی به پرونده‌ها که گاه

## خاتمی: تمدن غرب دستاوردهای مثبتی نیز برای همه بشریت و از جمله برای زنان داشته است

مقتضیاتی در زمان ما پدید آمده است که ذات و چهره‌ی روزگار ما را با گذشته عوض کرده است. این زمان را باید به درستی شناخت و موقعیت مناسب برای زن را در این زمان شناخت و سعی کرد زمینه برای استقرار این موقعیت فراهم آورد. دوم ترسیم چهره‌ی مطلوب و شخصیت مطلوب یک زن در زمان حاضر به لحاظ واقعیت‌ها و نیز ارزش‌های دینی و فرهنگی و ملی خویش، سوم یافتن راه مطمئن برای رسیدن از وضع موجود به آن وضع مطلوب و زمینه‌سازی برای قطعیت یافتن آن شخصیت مطلوب و فراهم آوردن زمینه برای سیر شتابان به سوی آن هدف بزرگ. ... ما برای این که به سوی آینده برویم در مورد مسائل زنان از میان دو واقعیت باید عبور کنیم: یکی ذهنیت سنتی نسبت به زن، منظور از ذهنیت سنتی آن چه در طول تاریخ و احیاناً به پیش و دید غلط نسبت به جهان و انسان در ذهن ما مردم جهان و از جمله مسلمان شکل گرفته است که بخش قابل توجهی از این ذهنیت غلط است و با کمال تأسف گاهی رنگ دین هم به خود گرفته است. گاهی سنت‌های غلط، جنبه‌ی ارزش‌های ملی هم پیدا کرده است. ما باید از درون این واقعیت عبور کنیم. ذهنیت نادرست نسبت به زنان که در سایه‌ی آن دست زیادی هم به زنان در طول تاریخ شده است، ما باید با این ذهنیت مبارزه کنیم با حفظ اصالت‌ها و ارزش‌ها نه به اسم مبارزه با سنت، با ارزش‌ها و اصالت‌های دینی و عقلانی و انسانی و اخلاقی دریافتیم و آن‌ها را مورد تهاجم قرار بدهیم و نه به نام دین و به نام ارزش‌ها، روی سنت‌های غلط و ذهنیت‌های غلط نسبت به زنان

به مناسبت ۲۶ مهر که جمهوری اسلامی بعنوان روز زن اعلام داشته است سران جمهوری اسلامی به اظهار نظر پیرامون این مسئله پرداختند. همیشه در پوشش تجلیل‌های توخالی از مقام زن به طور ضمنی نابرابری زن و مرد در اسلام را مورد تأکید و تصریح قرار داد. خاتمی، رئیس جمهور در سخنانی که در ورزشگاه امجدیه تهران ایراد کرد، هر چند از برابرقوتی زن و مرد سخنی بر زبان نیاورد و تلاش کرد اساساً به این موضوع نپردازد، گفتارش با خاتمه‌های تفاوت داشت. وی گفت:

تجلیل واقعی از زنان این است که راه‌کارهای مناسب برای بهبود زندگی مناسب شان والای انسان بیابیم و با کمک خود آنان راه‌حل‌ها و راه‌کارها را عملی کنیم. ... ما نسبت به گذشته، نسبت به دید نادرست در باره‌ی زن که متأسفانه در بسیاری از موارد رنگ دین هم می‌گرفت و محرومیت زنان به نام دین توجیه می‌شد، فاصله گرفته‌ایم.

خاتمی گفت میان به رسمیت شناختن حقوق تا استیفای آن حقوق و دست‌یابی به آن حقوق فاصله زیاد است. همیشه وقتی می‌گویم زنان چنین حقی دارند به این معنی نیست که همه‌ی زنان در عمل هم به حق خویش می‌رسند. ... ما در موقعیت حساس و ممتازی به سر می‌بریم و به نظر من در این موقعیت سه کار عمده را باید انجام بدهیم و این سه کار باید با حضور و مشارکت فعال زنان بزرگوار صورت بگیرد، یکی شناخت زمان حاضر. ما باید بدانیم که زمان ما ماهیتاً با زمان گذشته متفاوت است. مسائل و

### چین به آمریکا تضمین داد

### به جمهوری اسلامی تکنولوژی هسته‌ای نفروشد

در پایان دیدار جیانگ زمین رئیس جمهور چین با هسته‌ای آمریکایی‌اش بیل کلینتون اعلام شد چین به جمهوری اسلامی تکنولوژی هسته‌ای نخواهد فروخت. دولت چین در یک قرارداد که مفاد آن محرمانه ماند موظف شد به کشورهای مانند ایران و پاکستان که از سوی آمریکایی‌ها متهم به تجهیز شدن به

سلاح اتمی‌اند و یا احتمال تکمیل تکنولوژی هسته‌ای‌اشان می‌رود، تکنولوژی لازم را ندهد. دولت چین در ازای پذیرش این خواست آمریکا از سوی آن‌ها این امتیاز را گرفت که ممنوعیت دستگاه‌هایی که به تکمیل و برپایی نیروگاه‌های هسته‌ای تولید برق کمک می‌رسانند، رفع شود.

کلینتون توافق دو طرف بر سر موضوع فوق را پیروزی بزرگ دیپلماسی‌اش خواند.

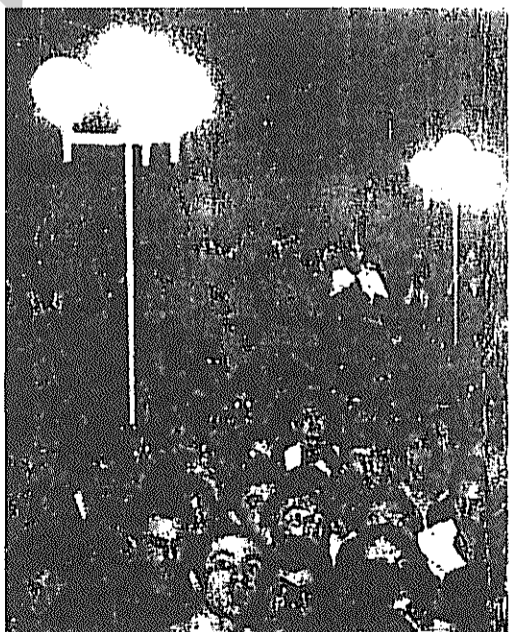
در سال‌های اخیر دولت آمریکا بارها اعلام داشته است که رژیم جمهوری اسلامی به تلاش همه‌جانبه‌ای برای تجهیز شدن به سلاح هسته‌ای دست زده و چین احتمالاً اولین مخاطب جمهوری اسلامی در این زمینه است. مسئولان رژیم جمهوری اسلامی در این مورد سیاست تاروشنی دارند آن‌ها از یک سو اعلام می‌کنند که سیاست تجهیز شدن به بمب اتمی را دنبال نمی‌کنند از سوی دیگر بر «حق» خود پای می‌فشارند.

## سی‌امین سالگرد بنیان‌گذاری کانون نویسندگان ایران (۱۳۴۶)

30 Jahre iranischer Schriftstellerverband, 1967

20 Jahre nach den Lesungen in Goethe-Institut in Teheran, 1977

## بیستمین سالگرد ده شب شاعران و نویسندگان (۱۳۵۶)



- عسکر آه‌نین
- امیرحسین آفراسیابی
- علی امینی نجفی
- کوشیار پارسی
- ناصر پاکدامن
- فریدون تنکابنی
- ایرج جنتی عطایی
- بهرام چوبینه
- نسیم خاکسار
- محمود خوشنام
- اسماعیل خوبی
- فریده زبرد
- جلال سرفراز
- بهمن سقایی
- اسد سیف
- محمدعلی شکیبایی



A. Ahani ■ A. H. Afrasibi ■ A. Amiri ■ B. Azizpour ■ I. Djannati Atai ■ H. Golshiri ■ N. Khaksar ■ E. Khoei ■ M. Khosrounani ■ R. Maghsudi ■ M. A. Mami ■ H. Mansouri ■ A. Maroufi ■ R. Marzban ■ N. Mirzazadeh ■ N. Moazeni ■ B. Momeni ■ A. Nawardamuz ■ B. Nrumand ■ A. Nurizadeh ■ H. Nushazar ■ N. Pakdamani ■ K. Parsi ■ B. Saghaie ■ SAID ■ J. Sarfaraz ■ A. Seif ■ J. Talei ■ B. Tshubineh ■ F. Tonkaboni ■ F. Zebardad ■ M. Shakibi

۷ نوامبر ۱۹۹۷ (۱۶ آبان ۱۳۷۶) کلن: دانشکده علوم تربیتی دانشگاه کلن  
Universität zu Köln: Erziehungswissenschaftliche Fakultät  
ایستگاه اتوبوس: Karl-Schweering-Platz, روی خط اتوبوس شماره 136  
شروع ساعت ۱۸

۸ نوامبر ۱۹۹۷ (۱۷ آبان ۱۳۷۶) ما پترز: سالن شهرداری (Mainz-Rathaus)



کانون نویسندگان ایران (در تبعید)  
Der iranische Schriftstellerverband (im Exil)

## کاهش چشمگیر نسبت اشتغال زنان

بر اساس آمار رسمی منتشر شده توسط ارگان‌های رژیم، میزان اشتغال زنان در کل کشور هم‌چنان بسیار کم می‌باشد. این آمار نشان می‌دهد که جمعیت شاغل کشور از ۸ میلیون و ۷۹۹ هزار نفر قبل از انقلاب به ۱۳ میلیون و ۹۷ هزار نفر در سال ۱۳۷۰ افزایش یافته است. اما تعداد زنان شاغل تنها از رقم یک میلیون و صد و بیست هزار نفر به یک میلیون و دویست هزار نفر رسیده است. یعنی از ۴ میلیون و ۲۸۰ هزار فرصت شغلی تنها ۸۰ هزار آن به زنان رسیده است. زنان که در کل اشتغال کشور سهمی حدود نه درصد را دارند در پدیده‌ی بیکاری سهمی حدود ۲۰ درصد را به خود اختصاص می‌دهند. تغذیه، آموزش و سن ازدواج از شاخص‌های مهم اجتماعی هستند که بر

اشتغال زنان تأثیر می‌گذارد. بنابه اطلاعات آماری دانشگاه علوم اجتماعی دانشگاه تهران (۱۳۷۰) سوءتغذیه در دختر بچه‌ها تقریباً دو برابر پسرهاست. در جامعه‌ی شهری سوءتغذیه‌ی دختران ۱۱ درصد و پسران ۶ درصد و در جامعه‌ی روستایی دخترها ۱۳/۵ درصد و پسرها ۷ درصد می‌باشد. در زمینه‌ی آموزش، هنوز ۳۳ درصد زنان کشور بی‌سواد هستند و ۱۵ درصد دختران جامعه‌ی روستایی در سن ۶ تا ۹ سالگی به مدرسه نمی‌روند. غالب زنان در سنین بسیار پایین ازدواج می‌کنند و با ورود فرزندان انگیزه‌ی پیشرفت و اشتغال از بین می‌رود یا کاهش می‌یابد. در مورد تنوع شغلی، امکان تنوع شغلی برای زنان در بخش‌های دولتی بسیار محدود است، در کل در ۱۰ گروه

شغلی و در روستاها فقط در شش گروه شغلی حق انتخاب برای زنان وجود دارد. در مقابل مردان بیش از ۳۶ گروه شغلی دارند. در گروه آموزش و پرورش و پزشکی زنان تجمع بیشتری دارند. دکتر موسوی یکی از محققان مسائل اجتماعی درباره‌ی علل این تفاوت‌ها می‌گوید: بسیاری از کارفرمایان دولتی و خصوصی فکر می‌کنند که جای زن در خانه است و فقط مردها باید در بازار کار حضور داشته باشند. آمار گرفته شده از مردم عادی ساکن شهر تهران نیز نتایج مشابهی را نشان داده است. بر اساس این آمار ۶۶/۵ درصد مردم معتقدند که مهم‌ترین وظیفه‌ی زن خانه‌داری است و ۳۳٪ مردم مخالف وزیر شدن یک زن هستند. بی‌عدالتی نسبت به زنان در

## خبرهای کوتاه

### منع استعمال دخانیات در اماکن عمومی

هیئت دولت جمهوری اسلامی در یکی از جلسات هفته‌ی پیش خود، با صدور بخشنامه‌ی، استعمال دخانیات در اماکن و محل‌های سقفا دار را ممنوع اعلام کرد. کارخانه‌ها، بیمارستان‌ها، درمانگاه‌ها، مطب‌ها، پایانه‌های مسافری، هتل‌ها و رستوران‌ها از جمله اماکنی هستند که مشمول این قانون می‌شوند.

### تروور یکی از اعضای مجاهدین خلق

سازمان مجاهدین خلق ایران با صدور اطلاعیه‌ی اعلام کرد که اخیراً اتومبیل یکی از اعضای این سازمان به نام چنگیز هادی خانلو ۴۵ ساله از سوی عناصر مسلح رژیم جمهوری اسلامی در نزدیکی شهر بعقوبه (در ۶۰ کیلومتری شمال شرقی بغداد) به گلوله بسته شد. بر اساس این اطلاعیه، مجاهد یاد شده که در نتیجه‌ی سوء قصد به شدت مجروح گردیده بود، پس از انتقال به بیمارستان درگذشت. به ادعای این سازمان، این چهاردهمین حمله‌ی تروریستی جمهوری اسلامی از هنگام آغاز ریاست جمهوری خاتمی می‌باشد.

### آخوندها و اینترنت

یکی از مسئولان مرکز تحقیقات رایانه‌ای علوم اسلامی شهرستان قم چندی پیش اعلام کرد که تا پایان سال آینده هزار مگابایت نرم افزار علوم اسلامی مشتمل بر ۶۰۰ جلد کتاب در شبکه‌ی اینترنت قرار می‌گیرد. به گفته‌ی وی برنامه‌های آرسالی به اینترنت تا ۳ سال آینده به ۳ هزار جلد خواهد رسید. که در مرحله اول این طرح برنامه‌هایی شامل معرفی مرکز، معرفی برنامه‌ها و یک دوره قرآن و صوت قرآن تهیه و برای قرار دادن در شبکه اینترنت به نیویورک ارسال شده‌است و آدرس آن نیز به زودی در شبکه اعلام خواهد شد. وی گفت: حجم برنامه‌هایی که تا سال آینده به اینترنت وارد می‌شود به بیش از هزار مگابایت خواهد رسید.

### شهرهای محروم تر از روستا!!

دکتر علی اکبر سیاری معاون بهداشتی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی جمهوری اسلامی، هفته‌ی گذشته اظهار داشت که مشکلات بهداشتی شهرهای بزرگ همچون تهران هم‌چنان حل نشده باقی مانده و برای رفع آنها به همکاری مردم نیاز است. وی همچنین گفت که تاکنون بر روی مشکلات بهداشتی شهرهای بزرگ، کار کارشناسی صورت نگرفته و در حالی که پوشش خدمات بهداشتی در روستاها فوق‌العاده افزایش یافته است، در شهرهای بزرگ حتی پوشش خدمات اولیه بهداشتی رضایت‌بخش نیست.

### تشکیل شبکه‌ی اطلاع‌رسانی دانشگاه‌ها

احمد معتمدی معاون تکنولوژی وزارت فرهنگ و آموزش عالی رژیم و رئیس سازمان پژوهش‌های علمی و صنعتی ایران هفته‌ی پیش اعلام کرد که به همت سازمان پژوهش‌های علمی و صنعتی ایران و با هدف تقویت ارتباطات علمی داخلی و بین‌المللی، نخستین شبکه‌ی اطلاع‌رسانی اختصاصی دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی کشور، راه‌اندازی می‌شود. براساس طرح تصویری ایجاد شبکه‌ی اطلاع‌رسانی اختصاصی دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی کشور، حداکثر تا پایان سال ۱۷۷، بیش از ۲۰۰ دانشگاه و مرکز تحقیقات مهم در سراسر کشور با سرعت و قابلیت بالا به یکدیگر و به شبکه جهانی وصل خواهند شد و در این شبکه تمامی امکانات و سرویس‌های موجود در شبکه‌ی بین‌المللی اینترنت پیش‌بینی شده است.

### نهاد تازه‌ی برای مبارزه با مواد مخدر

خاتمی رئیس جمهوری اسلامی هفته‌ی گذشته در پنجاه و هفتمین جلسه‌ی ستاد مبارزه با مواد مخدر دستور داد که کمیته‌ی ویژه‌ی مبارزه با مواد مخدر با شرکت دستگاه‌ها و وزارتخانه‌های مسئول در امر تحقیقات و پژوهش‌های علمی تشکیل شود. از سوی دیگر مجمع تشخیص مصلحت رژیم نیز که از زمان فعال شدن دوباره‌ی خود با ترکیب جدید، تصویب قوانینی برای مبارزه با مواد مخدر را در رأس وظایف خود قرار داده است، هفته‌ی گذشته تصویب کرد که نیروهای بسیجی، ضابطان اجرای این قانون خواهند بود. به این ترتیب در آینده حداقل سه نهاد دولتی خود را مسئول چاره‌اندیشی و اقدام در جهت مبارزه با مواد مخدر خواهند دانست.

### ادغام آزمون دانشگاه‌های دولتی و آزاد

دکتر رحیمی رئیس سازمان سنجش اخیراً در مصاحبه‌ی اعلام کرد که ادغام آزمون ورود به دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی کشور اعم از دولتی و غیردولتی ضروری است. وی فشار روانی ناشی از آزمون‌ها و امتحانات متعدد و افزایش اضطراب و نگرانی در داوطلبان و خانواده‌ها و تأثیرات منفی آن بر روند آزمون را از جمله دلایل این امر اعلام کرد.

### تلاش برای تحدید فساد مالی ادارات

رئیس مسئول سازمان بازرسی کل رژیم هفته‌ی گذشته در یک مصاحبه‌ی مطبوعاتی اعلام کرد که دستگاه‌های دولتی غیراقتصادی نباید فعالیت درآمدزا داشته باشند.

وی فساد مالی و اخلال در وضعیت اقتصادی کشور را نتیجه‌ی این فعالیت‌های به اصطلاح درآمدزا دانست. رئیس در اثبات صحت سخنان خود به گزارش‌هایی که به این سازمان رسیده و از فساد گسترده در سطح مدیران دولتی خبر می‌دهد، اشاره کرد.

شایان ذکر است که در سال‌های اخیر اغلب دستگاه‌های دولتی و حتا نهادهای چون وزارت اطلاعات رژیم، با ایجاد شرکت‌های اقماری به فعالیت‌های «اقتصادی» درآمدزا روی آورده‌اند.

## دگرگونی ساختاری جمعیت

سال ۲۷ درصد و بالای ۶۵ سال ۶/۲ درصد جمعیت را تشکیل خواهند داد. این آمار نشان می‌دهد که در طول یک دهه (از سال ۶۵ تا ۷۵) از آنکس جوانی جمعیت کاسته شده است. از عوامل مؤثر در این امر می‌توان به کاهش باروری، بالا رفتن هزینه‌های زیست و آموزش کودکان و بالا رفتن سن ازدواج به دلیل مشکلات اقتصادی نام برد. نرخ اشتغال در ایران نیز در حال حاضر ۳۵/۳ درصد است که این رقم در مورد زنان به رقم ناچیز ۹/۱ درصد می‌رسد. این ارقام نشان دهنده‌ی کنار بودن بخش چشم‌گیری از نیروی کار کشور از عرصه‌ی اشتغال

است. این درحالی است که تا سال ۱۴۰۰ که جمعیت زیر ۱۵ سال کنونی به سنین باروری و اشتغال خواهد رسید و ۱۵ میلیون و ۷۰۰ هزار نفر به نیروی کار کشور اضافه خواهد شد. در حال حاضر ۹/۶ درصد از کل جمعیت کشور دارای تحصیلات دانشگاهی هستند. تعداد قابل توجه این افراد می‌بایست علی‌القاعده تأثیر عمده‌ی در افزایش تولید ناخالص ملی کشور می‌داشت ولی با وجود چهار برابر شدن نیروی علمی و تخصصی جامعه تولید ناخالص ملی حتا به دو برابر هم نرسیده است. افزایش بی‌رویه‌ی جمعیت که پیامد

با انتشار تدریجی نتایج سرشماری سال ۷۵ نکات تازه‌ی در مورد ساختار جمعیت کشور روشن می‌گردد. بررسی این ساختار نشان می‌دهد که در سال ۱۳۷۵، ۳۹/۷ درصد جمعیت کشور زیر ۱۵ سال قرار داشته‌اند و میانه‌ی سنی جمعیت کشور ۱۸/۳ سال بوده است. در آن سال، جمعیت بالقوه‌ی فعال ۵۶ درصد و میزان جمعیت افراد بیش از ۶۵ سال، ۴ درصد کل جمعیت بوده است. براساس بررسی‌های سازمان برنامه و بودجه، ایران در سال ۱۴۰۰ هجری شمسی به ۸۷ تا ۹۲ میلیون نفر جمعیت خواهد داشت و میانه‌ی سنی به ۳۰ سال خواهد رسید. جمعیت زیر ۱۵

## راه آسانی که دشوار شد

حملات نفوذی ایران به سوی دروازه کویت را بر عهده گرفت، ولی پوشش دقیق دایمی بختی برای واکنش وی باقی نگذاشته بود. در دقیقه ۷ بازی، خداداد عزیزی، هافبک نفوذی ایران دروازه کویت را به خطر انداخت. دروازه‌بان کویت موفق به مهار کامل توپ نشد و توپ پیش پای رضا شاهرودی افتاد. ضربه سنگین شاهرودی پس از خوردن به دست‌های دروازه‌بان کویت و تیرک عمودی دروازه مهار شد. در دقیق ۶۹ و ۷۹ بازی کریم باقری دو موقعیت ایده‌آل برای زدن گل داشت.

ایران کماکان سرگروه است. ولی برای ایران تساوی با کویت به معنی از دست دادن بخت مسلم راه‌یابی به جام جهانی شانزدهم بود. و نه تنها این. اینک عربستان بخت پیش‌تری برای حضور در فرانسه دارد. اگر عربستان بتواند در خاک خود چین را برود و در قطر تیم ملی این کشور را به زانو درآورد، به عنوان تیم اول گروه یکم دوره دوم قدمتی آسیا به فرانسه می‌رود. ایران برای آن که هم‌راس از دست دادن رده دوم جدول را نیز بر هراس از دست دادن بخت مسلم رفتن به فرانسه نیزآید، باید هر طور شده فردا، پنج‌شنبه ۱۵ آبان (۶ نوامبر) در آخرین دیدار خود در قطر بر تیم ملی فوتبال این کشور چیره گردد. قطر که در پایان دور رفت بازی‌های گروه با ۱ امتیاز به نظر هیچ کس بختی برای راه‌یابی به فرانسه نداشت، با شکست دادن ۱ بر هیچ کس در خاک کویت و ۳ بر ۲ چین در شهر دالیان چین، اینک ۷ امتیاز دارد و امیدوار است دست کم به عنوان تیم دوم گروه بختی دیگر برای شرکت در مسابقات نهایی جام جهانی داشته باشد. برای این مهم قطر باید در خاک خود به ترتیب ایران و عربستان را شکست دهد. کوتاه سخن همه تیم‌های گروه هنوز امید و بخت واقعی برای شرکت در جام جهانی دارند. جالب این که این تنها کویت است که می‌تواند حداکثر به عنوان تیم دوم بختی برای راه‌یابی به جام جهانی داشته باشد. حتی قطر و چین نیز بخت

نوار پیروزی‌های تیم ملی فوتبال ایران در بازی در برابر عربستان پاره شد و موقعیت مناسبی که پیش از این بازی‌ها در جدول گروه یک خود را نشان می‌داد، از دست رفت. یک هفته پس از شکست یک بر صفر در ریاض استادیوم آزادی بازم شاهد همایش صد هزار تن از هم وطنانمان شد تا با فریاد ایران، ایران راه پیروزی بر کویت فراهم شود اما این بازی نیز پس از ۹۰ دقیقه بدون گل پایان گرفت.

تهران آدینسه ۹ آبان (۳۱ اکتبر) ورزشگاه صد هزار نفری آزادی پذیرای کویت بود. ایران برای حفظ بسی‌رقیب سرگروهی خود نیازمند پیروزی بر کویت بود و کویت برای آن که بختی راستین هر چند کوچک برای سفر به فرانسه داشته باشد، نیازمند امتیاز. کویتی‌ها از ابتدای بازی، فوتبالی تدافعی را پایه ریختند. این تیم زهر باخت به قطر را به جان داشت. هفته پیش از آن قطری‌ها بر خلاف انتظار همه در کویت با یک گل بر تیم ملی این کشور غلبه کردند تا جایی برای امیدواری داشته باشند. آن‌ها از تنها موقعیت خود یک گل ساختند و کویت علیرغم ۹۰ دقیقه حمله یک سویه کاری از پیش نبرد و حتی با از دست دادن یک ضربه پسانتی در برابر قطر زانو زد. مربی کویت تیمش را با این استراتژی به زمین آورده بود که از ایران شکست نخورد. در کنار بازی دفاعی، بازیکنان کویت علی دایی و مهدی مهدوی کیا را که در مسابقات پیشین در ساختن موقعیت‌های گل ایران و نیز به ثمر رساندن آن‌ها نقش برجسته داشتند، با موفقیت مهار کرده بودند. تیم ایران که با اشتها و با پشتوانه یک صد هزار نفر پشتیبان برای پیروزی به میدان آمده بود، آغازی موفق داشت و در دقیقه نخست بازی موفق به ساختن دو کرنر شد. باری خط دفاعی کناری کویت مانع از به ثمر رسیدن گل ایران شد. با مهار مهدی مهدوی کیا، این بار علیرضا منصوریان ابتکار پایه‌ریزی



مجرد دست‌یابی به سرگروهی دارند. پس از نتیجه نامیدکننده ملی پوشان فوتبال ایران در برابر عربستان و کویت، محمد مایلی‌کهن در پی تدارک تیم برای پیروزی قطعی بر قطر است. در این راستا حتی به علی دایی اجازه داده نشد برای شرکت در بازی تیم باشگاهی‌اش به‌المان برود. در رسانه‌های گروهی ایران علت باخت به عربستان و به ویژه تساوی با کویت را افت بازیکنان تیم می‌دانند. گرچه از این گله و آن شکایت می‌توان پی برد که اختلافات بین مقامات اداری و مربی تیم و بازیکنان در تضعیف روحیه تیمی بسیار بالا دارد. نیز از عدم توجه مدیران تیم نسبت به بدن‌سازی سخن می‌رود. این نکته و نیز توجه به بازی با کویت، که در آن کویتی‌ها به راحتی توانستند کارسازترین بازیکنان ما را مهار کنند، همه پیش از هر چیز به ناتوانی مایلی کهن در مربی‌گری تیم ملی برمی‌گردد. یک مربی موفق قادر است با تغییر تاکتیک تیم آن هم در بازی حساسی چون بازی با کویت که پیروزی در آن بخت راه‌یابی ایران به فرانسه را در دستان یاران ما قرار می‌داد، تیم را به پیروزی رهنمون شود. ناتوانی مایلی کهن در رهبری تیم ملی از شعار محبوب او نیز پیداست. کلمات جادویی محبوب مربی تیم ملی ایران این‌ها هستند: همت و غیرت. اینک امید ما در راه‌یابی به جام نه تنها به پیروزی تیم ملی کشور در برابر قطر، بلکه چشم ما به ساق چینی‌ها و قطری‌ها هم دوخته است، چرا که حتی در صورت پیروزی تیم ایران بر قطر، یکی از دو تیم نام‌برده باید بتوانند

بازی برد ناری	باخت گل زده	امتیاز
۱- ایران	۷	۳
۲- عربستان	۶	۳
۳- کویت	۲	۲
۴- قطر	۲	۱
۵- چین	۲	۱

# کودکان اعجاز طبیعت اند و «کودکی» اصلی ترین حق آنان

هفته‌ی گذشته روزهای ۵ تا ۸ آبان‌ماه به همت یونسف (بنیاد کودکان سازمان ملل متحد) و با همکاری سازمان بین‌المللی کار، کنفرانس بین‌المللی درباره‌ی کار کودکان در اسلو پایتخت نروژ برگزار شد. کنفرانس یاد شده تعیین راهبردهایی (استراتژی) برای مسامحت از کار کودکان و تحرک بخشی اجتماعی در این راستا را هدف عمده‌ی خود قرار داده بود.

یونسف ۵ مقاله را که حاوی آخرین اطلاعات و آمار مربوط به کار کودکان می‌باشد در اختیار نمایندگان ۴۰ کشور شرکت‌کننده در کنفرانس قرار داد و خواهان کمک همه‌جانبه‌ی دولت‌ها، سازمان‌های غیردولتی و عامه‌ی مردم برای رسیدن به اهداف تعیین شده گردید.

## ابعاد مسئله

مسئله‌ی کار کودکان معضل پیچیده‌ی است که ریشه در ساختارهای فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی و سنت‌های هر جامعه دارد. مطابق تعریف قابل قبول سازمان‌های بین‌المللی هر نوع تلاش مختصر جوانان برای کسب پول توجیبی و یا کمک به خانواده‌هایشان «کار» تلقی نمی‌شود چرا که چنین فعالیت‌هایی بر آموزش، سلامتی و رشد جسم و روان آنان تأثیر منفی شدید ندارد. چنین فعالیت‌هایی هیچ‌گونه مشابهتی با کار به مدت طولانی (گاه تا ۲۰ ساعت در روز) و تحت شرایط سخت برای بقای خود کودک یا خانواده‌ی او ندارد. «کار کودک» بنا به تعریف سازمان‌های بین‌المللی چون یونسف، کاری است که کودک را «از کودکی» اش و دسترسی به آموزش و مهارت‌های لازم برای هر فرد محروم کند و به سلامت و رشد او صدمه زند. با این‌که هنوز هم آمار دقیقی از تعداد کودکانی که کار می‌کنند در دست نیست، در چند ماهه‌ی گذشته رقم تخمینی نهادهای گوناگون بین‌المللی به یکدیگر نزدیک شده است. سازمان کار بین‌المللی که تا چندی پیش تنها کار نزد کارفرمایان را در نظر می‌گرفت و از این رو تعداد کودکان کارگر را ۷۳ میلیون نفر تخمین می‌زد اکنون با تجدید نظر در تعریف و محاسبات خود رقمی برابر ۲۵۰ میلیون نفر را مطرح کرده است. بر مبنای مطالعات تجربی که این سازمان در نقاط مختلف جهان انجام داده است در مجموع در حدود ۲۵ درصد کودکان ۵ تا ۱۴ ساله‌ی جهان به نحوی در فعالیت‌های اقتصادی فعال هستند و حدود نیمی از آنان به طور تمام وقت کار می‌کنند (۱۲۰ میلیون نفر). براساس نتایج این مطالعات ۶۰ درصد کودکان کارگر در آسیا، ۳۲ درصد در آفریقا، ۷ درصد در آمریکای لاتین و یک درصد بقیه در کشورهای رشد یافته‌ی صنعتی مشغول به کار هستند. مطالعات دیگری نیز که توسط یونسف صورت گرفته است نشان می‌دهد که ۱۸ درصد کودکان جهان که در سنین مدرسه‌ی ابتدایی هستند به مدرسه نمی‌روند و مقایسه‌ی رقم ۱۱۰ میلیون نفری آنان با ارقامی که سازمان بین‌المللی کار ارائه داده است نشان می‌دهد که تقریباً تمام این کودکان به خاطر اجبار به کار تمام وقت از تحصیل محروم می‌باشند. سایر کودکان کارگر که امکان گذراندن ساعاتی از شبانه‌روز خود را در کلاس درس دارند معمولاً با زهدی کمتری دارند و اغلب یا از فرط خستگی در کلاس درس به خواب می‌روند و یا از تمرکز حواس کافی برخوردار نیستند. این کودکان اغلب به خاطر فقرانه‌ی خود از جانب معلمان و هم‌شاگردی‌های خود تحقیر می‌شوند و این فشار روانی در کنار عوامل اجتماعی و اقتصادی دیگر از مهم‌ترین عوامل ترک تحصیل زودرس این کودکان می‌باشد.

## گرایش‌های اخیر

نبودن داده‌های قابل اطمینان موجب

شده است که نتوان به طور دقیق گفت که آمار کودکان کارگر رو به افزایش یا کاهش است. اما دلایلی این‌ها را تقویت می‌کند که این نسبت در کشورهای آسیایی در سال‌های اخیر تثبیت شده و یا رو به کاهش رفته است و عواملی چون بالا رفتن درآمد سرانه، گسترش آموزش پایه‌ی و کاهش تعداد افراد خانواده‌ها در این امر مؤثر بوده است. در مقابل این نسبت در آفریقا افزایش می‌یابد. این امر ناشی از رشد سریع جمعیت، پایین آمدن سطح زندگی در اثر بحران اقتصادی، سرمایه‌گذاری عمومی ناکافی در خدمات اجتماعی و اقتصادی، جنگ و جابجایی‌های میلیون‌ها نفر از مردم، شکست ساختارهای خانوادگی و یا افزایش خانوارهایی که سرپرست زن دارند (دراثر همه‌گیری بیماری ایدز) می‌باشد.

هم‌چنین مشخص نیست که روند جهانی شدن و آزادی تجارت چه تأثیری بر کار کودکان گذاشته است می‌گذارد. شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد که کودکان از قربانیان عمده‌ی روندهای یاد شده هستند تلاش شرکت‌های بین‌المللی برای کاهش هزینه‌ها و دستیابی به نیروی کار ارزان و عادات نیز نقش قابل ملاحظه‌ی دارند. گاه این انتظار وجود دارد که کودکان جای پای والدین خود بگذارند و شغل آنان را آموخته و تداوم بخشند. گاه نیز پاسداری از سنت‌ها یا مخرجی همراه است (مثلاً تأمین جیب‌زیه‌ی دختران در هند) که خانواده‌های فقیر را به زیر بار قرض می‌برد و برای بازپس دادن این دیون کودکان مجبور به کار می‌شوند.

## شرایط کار کودکان

تعداد ساعات کار روزانه شاخص مهمی در تعیین وخامت شرایط کار کودکان است. بررسی‌ها نشان داده است که متوسط تعداد ساعات کار دختران به طور چشم‌گیری بالاتر از پسران است. میلیون‌ها نفر از کودکانی که کار می‌کنند در معرض خطرات جدی بهداشتی و ایمنی قرار دارند. نوع این خطرات، البته بستگی به شاخصی است که کودکان در آن کار می‌کنند. کارشناسان نشان داده‌اند که بیشتر این مخاطرات در بخش کشاورزی وجود دارد. اما واضح است که کار کردن در معادن، واحدهای تولید کننده‌ی مواد شیمیایی و کارخانه‌های که ماشین‌های بزرگ صنعتی در آن وجود دارد، نیز با خطرات زیادی همراه است به ویژه از آن رو که اغلب شرایط ایمنی کار برای کودکان تأمین نشده است و آن‌ها در این زمینه آموزش کافی ندیده‌اند.

دختر بچه‌هایی که به عنوان مستخدم در خانه‌ی اربابان خود زندگی می‌کنند بیش از دیگر کودکان مورد استثمار قرار می‌گیرند و اغلب با آنان چون «کنیز» رفتار می‌شود. ساعات کار روزانه‌ی آنان بیشتر است و از تحصیل و تفریح و تماس با خانواده که حمایت عاطفی نسبی بزرگسالان را به همراه دارد، محروم هستند. دهشتناک‌تر از همه این‌که این کودکان بیشتر از دیگر هم‌سالان شوربخت خود در معرض ضرب و شتم و سوءاستفاده‌ی جنسی قرار می‌گیرند.

## فقر و استثمار

براساس آمارهای بانک جهانی بیش از ۱/۳ میلیارد نفر از مردم جهان با درآمدی کمتر از یک دلار در روز که به عنوان خط فقر تعیین شده است زندگی می‌کنند و ۲ میلیارد نفر دیگر تنها مختصری بیشتر درآمد دارند. یونسف تخمین می‌زند که ۶۵۰ میلیون کودک در فقر شدید زندگی

می‌کنند و این رقم افزایش می‌یابد. در فاصله‌ی سال‌های ۱۹۸۸ تا ۱۹۹۳ تعداد کودکان فقیر در آفریقای جنوب صحرای آمریکای لاتین ۲۰ درصد فزونی یافته است. پنازگزارش توسعه‌ی انسانی نسبت درآمد ۲۰ درصد مردم ثروتمند جهان به ۲۰ درصد مردم فقیر از ۳۰ به یک در سال ۱۹۹۶ به ۷۸ به یک در سال ۱۹۹۴ رسیده است و ۲۰ درصد مردم فقیر جهان تنها ۱/۸ درصد ثروت جهان را در اختیار دارند.

باید تأکید کرد که فقر به خودی خود کودکان را به سوی کار کردن سوق نمی‌دهد. درست است که اکثریت بزرگ کودکان کارگر از خانواده‌های فقیر هستند ولی تمام کودکان فقیر نیز کار نمی‌کنند در واقع علل عمده‌ی که موجب می‌شود کار کودکان به بزرگسالان ترجیح داده شود طبیعت غیراقتصادی دارند: کودکان کمتر به حقوق خود آشنا هستند، کار تکراری و خطرناک را راحت‌تر قبول می‌کنند و اطاعت‌پذیری بیشتری دارند. علاوه بر فقر و بیماری و ناتوانی نان‌آور خانواده و سایر بحران‌های خانوادگی که کودکان را مجبور به کار کردن می‌کند، سنت‌ها و عادات نیز نقش قابل ملاحظه‌ی دارند. گاه این انتظار وجود دارد که کودکان جای پای والدین خود بگذارند و شغل آنان را آموخته و تداوم بخشند. گاه نیز پاسداری از سنت‌ها یا مخرجی همراه است (مثلاً تأمین جیب‌زیه‌ی دختران در هند) که خانواده‌های فقیر را به زیر بار قرض می‌برد و برای بازپس دادن این دیون کودکان مجبور به کار می‌شوند.

## وضع دختر بچه‌گان

دختر بچه‌گان معمولاً ۱۶-۴ ساعت در خانه کار می‌کنند. بدون این‌که دستمزدی بگیرند یا از آنها تشکر می‌شود. آمار رسمی، تعداد دخترهایی را که اشتغال به کار دارند کمتر از پسرها نشان می‌دهد. اما این آمار واقعی نیست چرا که در آن کار خانگی که عمدتاً دختران به آن مشغول هستند به حساب نیامده است. احتمالاً همدی ۷۰ میلیون دختری که به مدرسه نمی‌روند، کار می‌کنند. اکثر مطالعات آشکار می‌سازند که دخترها نسبت به برادرانشان در سن پایین‌تری کار در خانه را شروع می‌کنند و در هر هفته هفت ساعت بیش از آنها کار می‌کنند. تحقیقی که توسط گروه فعالیت‌های امدادی اوگاندا انجام شده است نشان می‌دهد که تقسیمات کار از نظر جنسی در اوان چهار سالگی آغاز می‌شود. زمانی که از دختران توقع دارند خواهر و برادر کوچک‌ترشان را به دوش بگیرند، ارزن آسیاب کنند، لباس‌ها را بشویند و برای آوردن آب کیلومترها پیاده‌روی کنند. به غلط در اکثر کشورها این تصور وجود دارد که کارهای کشاورزی عمدتاً توسط پسرها انجام می‌شود. اما واقعیت این است که بیش از ۷۵ درصد این کارها که اغلب بسیار سخت است توسط زنان و دختران انجام می‌شود. در نپال در میان تمام نژادها و گروه‌ها سنگین‌ترین مسئولیت در خانه‌داری به عروس خانواده محول می‌شود. حتا برخی اعتراف کرده‌اند که تنها دلیل ازدواجشان داشتن کسی برای انجام کارهای خانه بوده است.

## چه می‌توان کرد؟

پیچیدگی و چندجانبگی مسئله نشان می‌دهد که راه حل سریع‌الامر و ساده‌ی برای رفع مشکل وجود ندارد. اما این امر نباید کاهلی و بی‌عملی را دامن زند. یکی از مصوبات بین‌المللی که می‌توان بر آن تکیه کرد توافق موسوم به فورمول ۲۰-۲۰ صوبه‌ی اجلاس سران کشورهای برای توسعه‌ی اجتماعی است. بر مبنای این توافق دولت‌های رشد یافته‌ی صنعتی متعهد می‌شوند که حداقل ۲۰ درصد از کمک‌های رسمی خود برای توسعه‌ی کشورهای رشد یافته را به خدمات

اجتماعی پایه‌ی اختصاص دهند و کشورهای رشد یافته نیز حداقل ۲۰ درصد هزینه‌های عمومی خود را به این مصارف برسانند. این خواست البته خواست بزرگی نیست ولی در جهانی با مختصات کنونی، رسیدن به این هدف ناچیز نیز پیروزی بزرگی به حساب می‌آید. آموزش نیز با این‌که به تنهایی نمی‌تواند مسئله‌ی «کار کودکان» را حل کند، سلاح مؤثری در کاهش آن به شمار می‌رود. آموزش عمومی به‌خصوص برای دختران جوان چشم‌اندازهای بهتری را برای کار با کسبیت مناسب در آینده بوجود می‌آورد، به کنترل خانواده کمک می‌کند و موجب می‌شود که آنان در انتظار تحصیل بهتر فرزندان‌شان از فشار بر آنان برای آغاز کار در سنین کودکی بکاهند.

تصویب قوانین مناسب و اعمال فشار برآنانی که از این قوانین تخلف می‌کنند از زمره اقدامات دیگری است که باید صورت پذیرد. سازمان بین‌المللی کار، اساس معاهده‌ی شماره‌ی ۱۳۸ و توصیه‌ی شماره‌ی ۱۴۶ خود حداقل سنی را برای کار کودکان تعیین کرده است. معاهده‌ی شماره‌ی ۱۳۸ کشورهای امضاءکننده را متعهد می‌کند که از کار تمام وقت کودکان در سنین پایین‌تر از آن‌ها برای پایان یافتن دوران تحصیل اجباری لازم است، جلوگیری کنند. این سن با توجه به قوانین داخلی کشورهای مختلف ۱۲ الی ۱۴ سال پیش‌بینی شده است. براساس توصیه‌ی ۱۴۶ این سازمان که گام بعدی برای پیشگیری از کار کودکان است از دولت‌ها خواسته می‌شود که حداقل سن کار را تا ۱۶ سال بالا برند و شرایط مناسب تحصیل را فراهم کرده، جاذبه‌های کافی برای جلوگیری از ترک تحصیل کودکان را ایجاد کنند. علاوه بر اقدامات دولتی، تحرک بخشی وسیع اجتماعی نیز برای جلوگیری از کار کودکان از اهمیت زیادی برخوردار است. حرکت احزاب سیاسی، سازمان‌های اجتماعی مدنی و اتحادیه‌های کارگری، گروه‌های مصرف کننده، معلمان کارکنان امر بهداشتی و مددکاران و رسانه‌های گروهی نقش بارزی در ایجاد شرایط لازم برای جلوگیری از کار کودکان دارند.

با این‌که نابودی کامل کار کودکان در شرایط کنونی هدفی دراز مدت است و یک شبه تأمین نمی‌شود، گام‌هایی عملی را می‌توان از هم‌اکنون برداشت. در وهله‌ی اول جامعه‌ی جهانی و کشورهای مختلف باید نشان دهند که به بدترین اشکال غیرقابل تحمل کار کودکان - کار بردگی و اجباری از آنان و از جمله استثمار جنسی ایشان - مجال عملی در کوتاه‌ترین زمان ممکن به این اشکال کار و کارهایی که خطرات زیادی برای کودکان دارد، پایان می‌دهند. این مسئله، موضوع معاهده و توصیه‌نامه‌ی جدیدی از جانب سازمان بین‌المللی کار خواهد بود که در سال ۱۹۹۸ مورد بحث قرار خواهد گرفت.

در کشور ما بر مبنای قوانینی وزارت کار رژیم مدعی به رسمیت شناختن آن است. کارکردن کودکان زیر ۱۵ سال غیرقانونی تلقی می‌شود و کارفرمایان حق استخدام آنان را ندارند و کار شنب و اضافه کاری برای نوجوانان ۱۵ تا ۱۸ سال ممنوع می‌باشد و ساعات کاری آنها در طول روز باید نیم ساعت کمتر از سایرین باشد. اما واقعیت این است که کار و استثمار کودکان در کشور ما نیز ابعادی وسیع دارد. صدها هزار از کودکان کشور ما به علت کار تمام‌وقت امکان رفتن به مدرسه را ندارند و میلیون‌ها کودک در کنار تحصیل مجبور به کار هستند. منابع مادی و نیروی انسانی و سرمایه‌ی فرهنگی کشور ما، این امکان را می‌دهد که با دشواری‌های اندکی در کوتاه‌ترین زمان، به کار کودکان در کشور خاتمه داد. اهمال و بی‌توجهی کارگزاران رژیم به این امر نیز در کنار هزاران خطای دیگر، گناهی است نابخشودنی.

## خبرهای علمی

### آب اقیانوس‌ها از کجا آمده است؟

لژیس فرانک از دانشگاه آیووا در آمریکا اخیراً عکس‌های جالب و دقیقی از بمباران مداوم زمین توسط شهاب‌ها ارائه کرده است. طبق برآوردهای وی زمین در هر ۲۴ ساعت توسط ۴۳۰۰۰ عدد گل‌گولنه‌ی یخی بمباران می‌شود که قطر آنها تا ۱۲ متر می‌رسد. این شهاب‌ها بسیار ریزتر و شکننده‌تر از آن هستند که بتوانند تهدیدی برای زمین باشند و تقریباً تمام آنها در ارتفاع ۹۵۰ تا ۲۴۰۰ کیلومتری از سطح زمین شروع به فروپاشیدن می‌کنند و سپس بر اثر تابش نور خورشید به ابرهای معمولی تبدیل شده به زمین می‌بارند. باران‌های کیهانی ناشی از این شهاب‌ها در طول ۲۰۰۰۰ سال می‌توانند ۲۵ میلی‌متر آب به سطح سیاره ما بیفزایند. لژیس فرانک معتقد است که این توده‌های یخ و آب توسط پوسته‌ی کرینی احاطه شده‌اند و این پوسته خود از تجزیه متان در فضا توسط پرتوهای کیهانی بوجود آمده است. وی حتی بعید نمی‌داند که اولین موجودات زنده توسط این پوسته‌های کیهانی به زمین منتقل شده باشند.

### کشف فسیل‌های جدیدی از دایناسورها

اخیراً یک گروه از محققان دانشگاه آکلاهما موفق به کشف ۴۸۸۲ فسیل از ۷۲ گونه دایناسور خزنده و گیاه مختلف در کوه‌های سدار در ایالت یوتا در آمریکا شده‌اند که تنها ۲۶ نوع آن تا بحال شناخته شده بوده است. این فسیل‌ها مربوط به اواخر دوره‌ی ژوراسیک یعنی ۱۴۵ میلیون سال پیش تا اواخر دوره‌ی کرتاسه در ۶۵ میلیون سال پیش می‌باشند. این زمان برای بشر تقریباً ناشناخته است و تا به حال معدود فسیل‌هایی از این دوره کشف شده‌اند. محققان با کشف فسیل‌های مذکور حدس می‌زنند که دایناسورهای عظیم‌الجثه‌ی گیاه‌خوار حدود ۱۰۰ میلیون سال پیش در روند تکاملی خود از موجوداتی که برگ و شاخه‌های بالای درختان را می‌بلعیدند به موجودات کوتاه‌تری تبدیل شدند که از بته‌ها و گیاهان کوتاه تغذیه می‌کردند. آنها هم‌چنین معتقدند که در اواسط دوره‌ی کرتاسه قاره‌ی اروپا و آمریکا کاملاً از یک‌دیگر جدا نشده بودند و تعدادی از گونه‌های جدید یافته شده و حتا تیرانوسوروس‌ها از آسیا به آمریکا رفته‌اند.

### شیوع بیماری سل مقاوم در برابر داروها

سازمان بهداشت جهانی (WHO) اعلام کرد هر سال ۸ میلیون نفر به سلولان موجود اضافه می‌شوند که ۳ میلیون نفر آنها بر اثر این بیماری می‌میرند. این سازمان هشدار داد که انواع جدید باسیل‌های ایجادکننده‌ی بیماری سل در برابر داروهای موجود مقاوم هستند و بیماران مبتلا به آن یا اصولاً غیرقابل علاج هستند و یا تنها با صرف بسیار زیاد قابل درمان می‌باشند. بیماری سل با باسیل مقاوم به سرعت در حال گسترش است و به ویژه در روسیه، لتونی، استونی، جمهوری دومینیک، آرژانتین و ساحل عاج شیوع دارد. میزان کشتار بیماری سل در بزرگسالان از مجموع کشتار تمام بیماری‌های عفونی بیشتر است. در حال حاضر پس از کشورهای در حال توسعه، روسیه بالاترین شمار سلولان را دارد و فقر و بیکاری در این کشور به شیوع هر چه بیشتر بیماری سل دامن زده است. هر فرد مسلول در سال باعث ابتلای ۱۰ تا ۲۰ فرد سالم به این بیماری می‌شود. از آنجا که در حال حاضر در روسیه بسیاری از بیماران در بیمارستان‌ها بستری نمی‌شوند و در بسیاری از بیمارستان‌ها نیز آنتی‌بیوتیک به اندازه‌ی کافی وجود ندارد، تنها در سال گذشته در روسیه ۱۵۰ هزار مورد جدید مبتلا به سل گزارش شده است. سل در زندان‌های این کشور نیز پیدای می‌کند. در حال حاضر ۷۰ هزار نفر زندانی این کشور به سل مبتلا هستند که بسیاری از این افراد حامل باسیل مقاوم هستند.

### مصرف مواد سمی به‌عنوان غذا

بسیاری از مواد شیمیایی که سال‌ها مورد استفاده‌ی انسان‌ها بوده و یا هنوز هم هستند، آلاینده‌های بسیار خطرناک محیط‌زیست می‌باشند. از جمله این مواد یک عامل شویندگی به نام پرکلراتین (Perchlorethylene) می‌باشد. تحقیقات نشان داده است که این ماده‌ی شیمیایی سرطان‌زا است. ولی با این وجود با آن هم‌چنان مانند دیگر ضایعات سمی رفتار می‌شود و متأسفانه این ماده مدت‌هاست که به آب‌های زیرزمینی نفوذ کرده است. اخیراً دو دانشمند آمریکایی اعلام کرده‌اند که توانسته‌اند راهی برای تجزیه و آزاد کردن پرکلراتین از خاک‌ها و آب‌های آلوده بیابند. آنها توانسته‌اند باکتری‌هایی را در آزمایشگاه کشت و رشد دهند که این ماده را تجزیه می‌کند. البته این اولین باری نیست که گونه‌ی باکتری مشاهده شده که پرکلراتین را از بین می‌برد. تا بحال باکتری‌های تجزیه‌کننده‌ی این ماده‌ی شیمیایی گازهایی قابل انفجار و به‌مراتب سمی‌تری تولید می‌کردند. باکتری جدید که گونه‌ی ۱۹۵ نام گرفته است در حین تجزیه‌ی پرکلراتین، گاز اتیلن تولید می‌کند که خطری برای محیط‌زیست محسوب نمی‌شود.

### افزایش اعتیاد به سیگار در اثر آمونیاک

تحقیقات اخیر یک دانشمند آمریکایی نشان داده است که افزودن آمونیاک به سیگار باعث افزایش جذب نیکوتین در بدن و در نتیجه افزایش اعتیاد می‌شود. به گفته‌ی این دانشمند، نیکوتین در تنباکو عمدتاً به صورت یک نمک غیرفرار می‌باشد و افزودن آمونیاک باعث آزاد شدن نیکوتین خالص از این نمک به صورت گاز می‌شود. نیکوتین آزاد شده بهتر در داخل چربی‌ها جذب می‌شود و در نتیجه راحت‌تر از غشاء سلولی در ریه عبور می‌کند و وارد خون می‌شود. در سیگارهای معمولی مقدار آمونیاک حدود ۳ درصد است.

### شکست رکورد سرعت با قطار برقی

ژاپنی‌ها توانستند با سرعت ۴۵۱ کیلومتر در ساعت رکورد جهانی سرعت قطارهای برقی را بشکنند. این قطار با ۱۶ سرشنین فاصله‌ی ۱۸/۴ کیلومتری دو شهر این کشور را با سرعت یاد شده طی کرد. ژاپنی‌ها امیدوارند که به‌زودی بتوانند به سرعت ۶۰۰ کیلومتر در ساعت نیز برسند. در این صورت مسافران می‌توانند فاصله‌ی توکیو و اوژاکا (دو شهر عمده‌ی ژاپن) را در یک ساعت طی کنند.

# مصاحبه با دکتر اسماعیل خونی

## «چون گل یاس غمگینی، رسته بر ساقه بیداری»

ملیحه محمدی

رژیم گرفتار پنج سانسور بوده‌اید. لطفاً توضیحاتی پیرامون تفرات سانسورهای آریامهری و اسلامی و احتمالاً شدت و ضعف هر یک بدهید.

ج: من قبلاً هم گفته‌ام در رژیم گذشته شما با تعدادی کارمند مواجه بودید که یک وظیفه اداری را انجام می‌دادند و بسیاریشان هم از این کار نفرت داشتند و صرفاً ادای وظیفه شغلی می‌کردند. من برخورد‌هایی را که با آن کارمندان و آن سیستم داشتم بیاد دارم که کاملاً متفاوت بود. بر سر انتشار یکی از کتابهایم که در اداره سانسور مانده بود، کارمندی که به او رجوع کرده بودم بمن می‌گفت که: تو قول می‌دهی که اگر این کتاب درآمد برای من مسئله‌ای نشود. من قول دادم و کتاب هم درآمد و البته برای او مشکلی پیش نیامد. اما حالا با سیستم سانسوری روبرو هستیم که ایدئولوژیک سانسور می‌کند و آن کسی که مأمور اینکار شده با اعتقادش دارد کار می‌کند و هر چه سخت‌تر بگیرد شخصاً راضی‌تر است. چنین سانسوری بسیار سخت‌تر و خفقان‌آورتر و مبارزه با آن دشوارتر است.

س: آقای خونی می‌دانم که کتابهای شما در ایران ممنوع‌الانتشار هستند. اگر امروز اعلام بشود که ممنوع‌الانتشار آنها از میان رفته است آیا شما در صدد چاپ دیگر آثارتان در ایران بر می‌آید؟  
ج: مسلم است. من از این امر استقبال می‌کنم و من با این تفکر که می‌گویند نویسنده و شاعر تبعیدی نباید اجازه چاپ آثارش را در داخل بدهد بسیار مخالفم. ما با خمینیسم تضاد داریم نه با مردم ایران. ما برای آنها می‌نویسم و من همیشه خواهان چاپ کتابهایم در ایران هستیم و آن را حق خودم می‌دانم.

س: آقای خونی شما امکان برگشت خودتان را به ایران آیا تنها در گرد بزرگاری رژیم اسلامی می‌دانید یا بروز تغییراتی در فضای سیاسی ایران ممکن است شما را به این امر برساند؟

ج: در حال حاضر که جز برکناری اینها چاره‌ای نمی‌بینم. آزادی من برگشت و زندگی در ایران است و البته نه به هر قیمتی. روزی اخوان ثالث عزیزم آمده بود که: «من می‌روم از اینجا امان می‌گیرم از خود خاسته‌ای برای تو امان می‌گیرم. تو برگرد بیا ایران». من گفتم اولاً که من جرم و جنایتی نکرده‌ام که بخوانند به من امان بدهند. اینها کرده‌اند و من باید به آن‌ها امان بدهم و تازه گیرم که من پذیرفته و اقبای خاسته‌ای هم امان داد. در این مملکت حکایت شاه و شاهقلی برقرار است. که شاه ببخشد و شاهقلی نبخشد. هیچ‌گونه اعتمادی به رفتار و گفتار و وعده‌های این آقایان نمی‌توان داشت.

س: آقای خانمی عمدتاً با وعده گشایش فضای فرهنگی و آزادی‌های اجتماعی و فردی به میدان آمده‌اند. شما آیا امیدی به این گشایش دارید؟

ج: کدام گشایش؟ کدام فضا؟ شما نشان بدهید. در این مدت که آقای خاتمی بر سر کار هستند شما یک جا را نشان بدهید که ما باز شدن این فضا را ببینیم.

س: من، مثلاً فکر می‌کنم از نتیجه کار آقای سرکچی که خوبتر است به پایان سیدی سرجانی و دیگران منتی نشد می‌توان بنوعی نتیجه گرفت.

ج: این نتیجه فشار اینطرف بود. نتیجه فشاری بود که جامعه روشنفکری خارج کشور بر رژیم ایران وارد کرد. من نمی‌دانم اینجا در آلمان شما چکار می‌کردید. ما آنجا هر روز با روشنفکران ایرانی، خارجی، هارولد پیتر دیگران هم در مقابل سفارت ایران اجتماع داشتیم. مسلماً تلاشهایی هم در داخل بود اما بطور عمده این فشار از خارج کشور که جوامع بین‌المللی را در مقابل رژیم ایران قرار می‌داد بزرگترین مسئله رژیم بود.

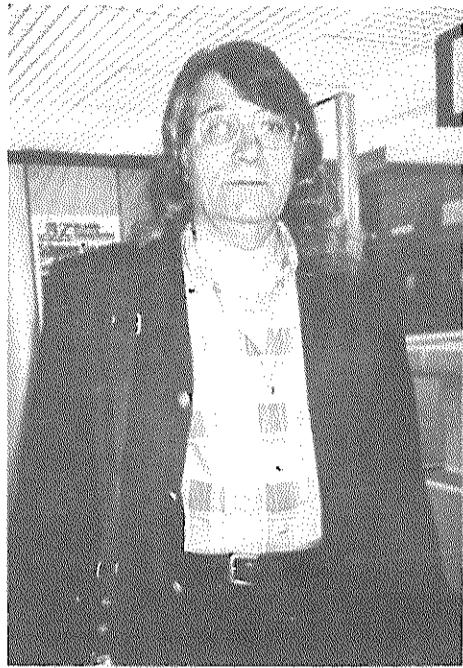
س: جناب خونی یک سؤال در حوزه شعر نو: مدونیم در شعر نو فارسی یعنی است که بیشتر اینروزها به کارهای بدالله رویایی اشاره دارد، که من مثلاً، در بعضی از کارهای اخیرش، از شدت دقت در واژه‌ها خسته می‌شوم و تردید اینکه هر مفهومی که از آن بر می‌دارم ممکن است از مفهوم ناب مورد نظر شاعر دور باشد مرا دلزد می‌کند. و می‌دانم که این مشکل خیلی‌هاست در این مورد اگر ممکن است

### تئوری و پراتیک چه...

ادامه از صفحه ۸

اصلی است که همه موانع را در برابر راه سوسیال‌دمکراسی به سوی سوسیالیسم قرار می‌دهد. اما در واقع، سرمایه‌داری همراه با موانع، تنها امکانات تحقق برنامه سوسیالیستی را نیز به دست می‌دهد. همین امر کاملاً در مورد دمکراسی نیز صادق است. «او در عین حال با تئوریزی تشخیص می‌دهد که هر قدر هم که در درون جامعه سرمایه‌داری، امکانات برای تحقق یک نظام اجتماعی دیگر رشد می‌کند، این امکانات در سرمایه‌داری بلعیده می‌شوند و در مقابل آنها منابع تراشیده می‌شود. او می‌نویسد: «شرایط تولید سرمایه‌داری هر چه بیشتر به شرایط سوسیالیستی نزدیک می‌شوند، اما شرایط سیاسی و حقوقی آن بین جامعه سرمایه‌داری و سوسیالیستی دیوار پوسته‌بلندتری می‌سازند. جمعیندی:

شرط تدوین رئال پلئیک انقلابی، تحلیل علمی و مطالعه دقیق جنبش‌ها در صورت‌بندی اجتماعی است. آنچه فرض عمومی است، این نظر است که حرکت‌ها در سرمایه‌داری، متناقضند، که سرمایه می‌تواند حامل منافع رشد مردم باشد، و در عین حال دولت در مقابل پیشرفت قرار می‌گیرد. رئال پلئیک انقلابی، به مطبوعات و افکار عمومی نیاز دارد، چراکه هدف آن این است که دانش و اطلاعات درباره روندها را چنان بپراکند که شناخت و فهم، به مثابه روند واقعی امکان‌پذیر گردد. هدف، آن است که هژمونی



که بر بستر آرمان‌های عدلخواهانه‌اش، با شما در عرصه ادبیات متعدد آشنا شد، مدتهاست که حرف و سخن پیرامون ادبیات متجدد و رابطه تعهد با ادبیات بسیار است؟ شما آیا هنوز به الزام تعهد اجتماعی در ادبیات اعتقاد دارید؟

ج: قطعاً! من امروز بیش از گذشته به این مسئله اعتقاد دارم. تعهد ما سخت‌تر و قطعی‌تر شده است. در عرصه ادبیات ... با بگذاریم من از شعر بگویم. شعر نیما یا ببینید. شعر نیما سبلیک بود. سبلیسم مربوط به زمانی است که سانسور وجود دارد. سانسور هست اما هنوز می‌توان در آن رخنه کرد و سبلیک‌ها در شعر اینکار را می‌کنند. اما اگر سانسور مطلق شد آنوقت سبلیسم هم نمی‌تواند کار بکند. مثل امروز. امروز در ایران سانسور مطلق هست یعنی شعر سبلیک نمی‌توان گفت. یعنی شعر سیاسی نمی‌توان گفت به همین خاطر است که در ایران شعر سیاسی نمی‌گویند چون امکانش نیست. اما اینجا که سانسور وجود ندارد ما می‌توانیم شعر بگویم و سبلیک هم نه، شعر سیاسی بگویم و باید اینکار را بکنیم. من شعری دارم بنام «شعر سیاسی» که هنوز منتشر نشده است، بزودی منتشر می‌شود و آنجا توضیح داده‌ام که چرا من شعر سیاسی می‌گویم یا چرا باید بگویم.

س: اینها الزامی برای هنرمند ایرانی می‌دانید یا اصولاً پدیده‌ای عمومی در ارتباط با ادبیات؟

ج: نه این مسئله ایرانی، ملی یا قومی نیست. این یک مسئله تاریخی انسانی است. برای شاعر و هنرمند ایرانی این الزام هنوز وجود دارد که شعر سیاسی بگوید. شاید برای دیگران در جاهای دیگر این الزام به این شکل وجود نداشته باشد و بسیاری مسائل آنان حل باشد. ولی ما که همه مشکلاتمان را داریم پیش از گذشته هم داریم چگونه می‌تواند در ادبیات حضور پیدا نکند.

س: اما بسیاری از اشعار سیاسی پس از مدتی نشانمان سرآمد و حتی شعریشان هم دیگر طرح بند و کار بسیاری از شاعران سیاسی‌گو به بی‌نت رسید.

ج: بله اما این مسئله دیگری است. این شعری که به بی‌نت رسید رسید آن شعری بود که مبتنی بر یک نگرش ویژه یا تکیه بر جهان‌نگری معین و یا در ارتباط سیاسی مشخص سروده شده بود. شعر متعهد لزوماً این نیست. شعری است که بیانگر دردهای اجتماعی بطور عام یعنی درد کلی انسان است. شاعرش دردمند است اما درد او، درد انسان بطور کلی است نه گلابها و رنج‌های ویژه خصوصی و نه ویژه جماعت و جریانی.

س: جناب خونی شما آیا اصولاً به پدیده‌های بعنوان ادبیات مهاجرت قائل هستید و آنرا متمایز می‌کنید؟  
ج: صد در صد. ما ادبیات مهاجرت را به معنای وسیعی بوجود آورده‌ایم. ما مهر و نشان خود را به ادبیات ایران زده و چیز مشخصی به آن افزوده‌ایم. کار پرارزش و بر حجمی اینجا در خارج کشور صورت گرفته است و می‌گیرد. در زمینه شعر، در زمینه داستان بخصوص داستان کوتاه. ما اینجا تنها سینما نداشته‌ایم آنهم بخاطر اینکه پول نداریم.

س: آقای خونی در مورد ادامه کار کانون نویسندگان در ایران، نظریات مختلفی بین نویسندگان و شعرا ایرانی بوجود آمده است. شما فکر می‌کنید با حداقلی یا مبنایی از شرایط لازم می‌توان کانون نویسندگان را در ایران احیا کرد یا باید منتظر شرایط ایده‌آل ماند؟  
ج: شرایط ایده‌آل هرگز وجود نخواهد داشت. مگر در رژیم گذشته شرایط برای کار کانون ایده‌آل بود؟ نخیر اما همان حداقل نیز امروز وجود ندارد. شکی نیست که کانون نویسندگان باید کار بکنند و باید در ایران هم کار بکنند. اما شما می‌بینید که همینکه اینها می‌خواهند دور هم جمع بشوند و گفتگویی بکنند به آنها حمله می‌شود دستگیری و بعد آن مسائل. در چنین وضعیتی کانون نویسندگان در ایران چطور و چکار باید بکنند؟

س: با توجه به اینکه شما بخاطر نحوه زیست ادبی‌تان در هر دو

گل یاس غمگینی را دیدم  
رسته بر ساقه بیداری،  
نگران در زردان،  
- دراکه کوبم  
(می‌خواند و سری می‌چیناند)  
که دلم خونین است؛  
و که می‌سوزم، می‌سوزم، می‌سوزم از این  
که چرا خونین است  
و چرا خونین‌انز اینان؛  
این خطرناک‌ترین مسکینان  
و هشتم انگیزترین فوج نرانستن  
و توانستن ...

وقتی آن فضای پرشوری را که او در آن این شعر را می‌خواند یادش آوردم چهره سخت شاعرانه و فیلسوفانه‌اش می‌شکفت. نگاهش از زمان عبور می‌کرد و با آن موهای پریشان بلند تا زیر شانه‌ها، «چون گل یاس غمگینی، رسته بر ساقه بیداری» و هنوز و همچنان، «نگران و در زردان» سری می‌چیناند. و من همه شوق و شور، همه بیم و امیدهای آن سالهای نوجوانیم را در سیما شصت‌سالگی، زنده و جوان می‌دیدم. و راستش حالا دیگر نگران بودم و نمی‌خواستم این بیت دیگر را بخواند که: «دیر یا زود، خمسی از دوزخ، خواهد گفت: آتش!». اما او گفت: تمام این شعر را خواند و این بیت را هم با شور همان سالها گفت. او هنوز می‌گوید: «جامعه ما اگر بخواند درست بشود باید زیر و زبر بشود». و بمن گفت: «قربونتون برم، از استحاله مستحاله فقط حرف نزنید». و منم نژدم.

خطرات تلخ گذشته را با اندوهی آنچنان سبک و عارفانه حکایت می‌کند که تو را به تکریم غم باشکوه انسانی وامیدارد. در حضور خونی شکوه این غم را بارها و بارها حس می‌کنی و چه بی‌نیاز از شادخواری بی‌ارج عاقبت‌طلبان. و این در حالی است که او ستایشگر و بشارت‌گر مدام شادمانی انسانی است و خطاب به حاکمان شادی شکن امروزین سروده است:

با رقص گیاه زیر باران چه کنی  
با کف زدن برگ پنهان چه کنی  
ای کزده هرام شادی و شنه ما

س: توفیق گل به بهارن چه کنی  
از توس تا تهران، هر جا که حکایت می‌کنی، مبین عزیز و پاکی را تصویر می‌کند که همه امیال جانت به سوی آن سالها و آن سرزمین پر می‌کشد.

می‌گوید: «من اینجا در ایران زندگی می‌کنم». خونی که دکترای فلسفه‌اش را سالهای پیش‌تر از این از دانشگاه لندن گرفته است، به زبان انگلیسی از همان جوانی مسلط بوده است و با محافل علمی - ادبی خارج از ایران همیشه مرتبط بوده است، این را از سر ناچاری قلمزنی خاک خود از دست داد. در تنگنای فرهنگ و زیبایی بیگانه گرفتار مانده، نمی‌گوید. از عشق به سرزمینش و مردمانش این زندگی را برگزیده است.

یک روز به کوی یار خود می‌نویس:  
یا آن که به روی در خود می‌نویس  
یک دست پر از بهار و دستی پرش

س: رژیم و در دیوار خود می‌نویس  
هنگامیکه با آن شور و هیجانی از حافظ می‌گفت نفس در سینه‌ها حبس بود. وقتی از صوفیگری به عرفان برخاسته حافظ، از رندی او می‌گفت، خود صوفی عارفی بود که شفافی جانش را می‌دید. رندی بود نشسته بر «خنک راهوار زمین». وقتی از «امیر پرویز پویان» دوست ایام جوانیش می‌گفت، خطوط سیمایش از هم باز می‌شد و افسوس و مهر از نگاهش سرریز می‌کرد. می‌گفت: «پویان تنها کسی بود که لبان مرا برای گفتن این شعر بوسید. - شعر «در امتداد زرد خیابان» را می‌گفت - شعری پر از عاطفه عرفانی که به «زرد پوشان» گرم‌گمان غافل استبداد، به پدرانشان که در مزرعه دیانت می‌گاشتند و نیز بر دل بیدار یاس غمگین بر همگی دل می‌سوزاند و ایمان داشت که دیر یا زود «خمسی از دوزخ خواهد گفت آتش». و بعد با شیطنت معصومانه می‌خندید و داستان آن «دکتر خوبی» دیگر را، که او هم استاد دانشگاه بود و ساواک بعد از حکایت سیاهکل، به عوض این دکتر خوبی» دستگیر کرده بود. می‌گفت که، چه تنگ مفصلی خورده بود وقتی دیده بودند که نه تنها پنهان کردن چند ماهه پویان را در خانه‌اش انکار می‌کند بلکه اساساً منکر شناختن چنین کسی می‌شود. و از فحشهای آبداری که آن «دکتر خوبی» بعد از خوردن هر بیاله بعد از آزادی نتا این دکتر «دکتر اسماعیل خوبی» می‌کرد، و البته که بعد از آن، ساواک به سر وقت این دکتر خونی راستین آمده بود و حق را به حقدارش رسانده بود و پس از آن از تدریس در دانشگاه نیز محروم کرده بودند. خونی وقتی آمد، یاد عزیز گذشته‌های دور بود و وقتی می‌رفت آشکارا عزیزتر از آن لحظه آمدنش. با بیماری قلبی و پاهای آماس کرده‌اش از آمبولین که دو روزی دیرتر باید در لندن جراحی‌شان می‌کرد و فشار کار در این وقت تنگ تقاضای مصاحبه از او تنها به اعتبار مهربانی پذیرفش ممکن بود و سختی جان‌پایورش که در تبعید طاقت‌فرسایش نیز می‌سراید:

این ساقه‌ترد سینه سنگ بسفت:  
یعنی سخن از عجز نمی‌باید گفت:  
در پایه آسمانخراش، این عسک  
بشکافت دل خار و بر خود بشکفت

س: جناب دکتر خونی مخاطب شما در نشریه کار نسلی است

از مجموعه «در خوابی از هماره هیچ»

### تعمیر

«و چیست، پس؟»  
می‌رود سر سراسر آفاق دوست،  
«چیز است»

آن گوهر خربزه که شوگر نمی‌شود  
با هیچ هستی از هستان؟  
یا کیست

آن طرزه زلمیده بیزاری  
که هیچ آرمونی از دشواری  
و هیچ بند و پیوندی از ناچاری  
او را

با آنچه هست  
تا آنکه نتواند کرد

و ز آنچه بایر باشد  
باز نخواهد گرفت؟

می‌رود سر سراسر آفاق دوست  
در گردش برنده بزوانی  
کز واپسین کیوتر سرگردان  
از چاهسار در زدن اوست.

توضیحاتی از شادانت باشم.

ج: خوب بله، می‌تواند اینطور بشود. بدالله رویایی در واقع از «سارتر و هایدگر» حرکت می‌کند، از اینکه آنها گفتند که دیگر کلمه تنها ابزار نیست یعنی کلمه تنها وسیله بیان معنی نیست و می‌تواند موجودیت مستقل داشته باشد. رویایی از این مفهوم حرکت می‌کند و تأکید از رساندن معنای مشخصی در شعر نیست. او مفهوم را در واقع به برداشت «تو» به برداشت مخاطب واگذار می‌کند و در بعضی کارهایش این مسئله بصورت نوعی بازی با کلمات شاید درآمده باشد. و مشکلی را که شما گفتید ایجاد کند اما به هر حال رویایی از شاعران بزرگ ماست.

س: جناب خونی با عرض معذرت، ولی این واگذاری معنا به برداشت آزاد خواننده، آیا این خط را ندارد که شاعر هر چه به زبانش رسید بگوید و خواننده معصوم ...؟

ج: بله دیگر. ول خوب مگر در مور شعر نیمایی این‌طور نبود. در مورد شعر نیمایی هم این خطر وجود داشت. به این عنوان چقدر پرت و پلا گفته شده است. این حرف نیچه است که «با هر نوزادی همیشه مقداری زوائد و کشفات بدنیا می‌آید». نوآوری در ادبیات هم همیشه این زیان را داشته است. اما به این علت مگر می‌توان جلوی آن را گرفت؟

س: آقای خونی اگر ممکن است در مورد نشریه دیدار که شما از بانیان آن هستید صحبتی بکنید.

ج: در مورد نشریه دیدار، داستان از آنجا آغاز شد که چند سال پیش کیومرث نویدی پیش من آمد که: ما باید در خارج کشور، کانونی، انجمنی، چیزی مثل پارلمان در تبعید داشته باشیم که گرداندگان آن انتخابی باشند و بتوانند آرا و افکار این چند میلیون مهاجر را نمایندگی کنند. این صحبت مدتی مسکوت ماند تا باز این اواخر که بی‌گرفته شد و منجر به انتشار نشریه دیدار شد. البته کیومرث قبلاً با مرزبان چند شماره «آزادی» را منتشر کرده بود. به هر ترتیب «دیدار» چهار شماره منتشر شده است. شماره پنجم در راه است. و می‌توان گفت که نشریه موقتی بوده است. نویدی می‌گفت در آلمان دو هزار نسخه فروش دارد. در سوئد فروش خوبی دارد و تنها جایی که خوب راه نیافتاده است، لندن است، به علت همت والای بنده که هیچ کاری نمی‌کنم.

روش و مشی این نشریه مبتنی بر غیر وابستگی است. شرط چاپ هر مطلبی تنها ارزش درونی آن است. شرط چاپ هر شعری تنها ارزش شعری آن است نو ساکهنه، نیمایی یا شاملویی ملاک یا مانع نیست. داستانها همینطور مقالات و مصاحبه‌ها همینطور. شما در آن از «کشتگر» می‌بینید تا عباس معروفی تا حاج سید جواد.

نویدی البته کمی می‌ترسد من اما معتقدم که حتی با داریوش همایون هم می‌توان در این نشریه مصاحبه کرد، زیرا او یک سلطنت‌طلب سیستماتیک است. اعتقاد دارد و حرف خود را دارد. و حتی هر مسلمان معتقدی که فکر و نظر دارد مثلاً آقای حائری یا بعضی‌های دیگر.

یادی هم بکنم از اسلام کاطلیه که می‌خواست با این نشریه کار بکند. به هر حال این یک نشریه پورالیستی به معنای واقعی است و اینطور باقی خواهد ماند یا لاقلاً تا زمانی که من هستم اینطور باقی می‌ماند.

با تشکر فراوان از شما

از توافق حاکم گرفته شود. از این رو نقطه آغاز حرکت، مردم تحت سلطه و درک آنها از عدالت و اخلاق، درک روزمره آنهاست. آگاهی‌هایی که مردم به دست می‌آورند، باید به آنها این توان را بدهد که سیاسی بیاندیشند و در چشم‌انداز، حکومت را به دست گیرند. از این رو لوکزامبورگ به جای اینکه درباره فلات و استعمار گزارش دهد، اطلاعاتی می‌دهد که اگر مردم حکومت را در دست داشتند برای آنها مهم می‌بود. وسیله، پراکندن اطلاعات و دانش است و تفسیر چندگونه آنها بسته به موضع، آشکار کردن تضادهای درونی سیستم، نشان دادن وجود و تحولات مثبت در سرمایه‌داری، حتی اگر این وجود در وهله اول علیه کارگران باشد، تجزیه اخلاق حاکم به اخلاقی که شامل بالایی‌ها و اخلاق دیگری که شامل حال پایینی‌ها می‌شود، اخلاق خرده‌بورژوازی ارجحی و اخلاق جنبش‌های اعتراضی، که «نه علیه توابع، که علیه ریشه‌های نظام اجتماعی است» و بالاخره، مقایسه به مثابه یک مستد علمی اجتماعی که در گزارش‌دهی پیوسته به کار می‌رود. از آنجا که لوکزامبورگ از درک عمومی حرکت می‌کند، در نقاطی او ضرب‌المثل‌ها و بازی با لغات، تشبیه‌ها به پدیده‌های خانگی و غیره، به کار می‌رود، مانند: «یک دم‌پایی فرسوده دیپلماسی»، «خدمتکار دست به سینه گرگ‌های بورس» و غیره. انتقال چنین تجارب ملموسی به عرصه سیاست، زبان را به یک فضای حرکت یا معانی پیوسته متحول تبدیل می‌کند، و سیاست حکومتی را همانقدر قابل فهم می‌نماید که عرصه‌ای که زبان و تصویرهای آن از آن گرفته شده است.

دنیای امروز دنیای تبلیغات است. در جوامع امروزی، بویژه در جهان غرب، تبلیغات آن توسنی است که هر نیرو یا نهاد اجتماعی می‌کوشد به هر صورتی شده پای در رکاب آن کشف و به سرمنزل مقصود بتازد. امروزه کمتر نهاد اجتماعی را می‌توان یافت که به گونه‌ای نیازمند تبلیغات نباشد؛ از دولت‌ها گرفته تا احزاب سیاسی، نهادهای مذهبی، بازرگانی و سوداگری و نهادهای فرهنگی و ورزشی و غیره. در این میان پیشرفت شکفت‌انگیز و شتابگیر وسایل و تجهیزات فنی در زمینه رسانه‌ها و ارتباطات، میدان کاربرد تبلیغات را فراخ‌تر از گذشته کرده است. بطوریکه تنها اندیشیدن به برخی نتایج ناشی از این پیشرفت در آینده نه‌چندان دور، انسان را به هیجان می‌آورد. بدین ترتیب انتظار می‌رود که دهه‌های آینده، دوران دخالت و نقش‌آفرینی فزاینده تبلیغات در زندگی اجتماعی باشد و از این راه شیوه‌هایی به مراتب تازه‌تر و عجیب‌تر برای دستکاری افکار عمومی ابداع و به‌کار گرفته شود. با چنین چشم‌اندازی، در زیر می‌کوشم برخی وجوه اساسی تبلیغات را مورد بررسی قرار دهم.

### تبلیغات چیست؟

تبلیغات، جمع عربی واژه (باز هم عربی) تبلیغ است و درست یا نادرست به همین صورت نیز در فارسی رایج جا افتاده است. این واژه معادل لغت لاتین «پروپاگاندا» به کار برده می‌شود. تبلیغ یا دو واژه دیگر «بلاغ» و «مبالغه» خوشاوندی دارد. بلاغ به معنای خبر یا پیغامی است که باید به کسی رسانده شود؛ و مبالغه عبارتست از زیاده‌روی در وصف یا مدح کسی یا چیزی، تا جایی که محال به نظر نیاید (فرهنگ عمید).

واژه پروپاگاندا نیز که در بالا از آن یاد شد با ریشه لاتینی «پروپاگانده» خوشی دارد که به معنای منشأکردن گیاه به منظور تکثیر و افزایش آن است. مراد کلی از این واژه، همان عمل تکثیر و پخش کردن است که پایه تبلیغات را تشکیل می‌دهد. ادوارد براون پژوهشگر و ایرانشناس انگلیسی، سه درجه از تبلیغ یا توصیف را در عرصه ادبیات توصیفی و صنعت شاعری برشمرده است که اشاره به آن می‌تواند مفید باشد. او از سه اصطلاح «تبلیغ»، «مبالغه» و «غلو» سخن می‌گوید. به نظر براون تبلیغ عبارتست از افراط در وصفی که عقلا و عملا ممکن باشد. مبالغه، آن وصفی است که عقلا ممکن ولی غیرمعمول است. و بالاخره غلو آن ادبیات ایران - ادوارد براون).

بر پایه آنچه گفته شد می‌توان نتیجه گرفت که تبلیغات، مجموعه اقدامات و فعالیت‌های منظمی است که برای گسترده یک گام مشخص در جامعه یا در میان گروه معینی از مردم صورت می‌گیرد. هدف این اقدامات، شکل‌دهی به افکار عمومی در راستای معین و به منظورهای معین است. به دیگر سخن، هدف تبلیغات، دستکاری (مانیپولاسیون) افکار عمومی است به قصد معین. از همین جا می‌توان دریافت که تبلیغات یک روند خودبخودی نیست، بلکه امری آگاهانه و عمدی است. تبلیغات مستقیماً و همواره با روان و روحیات مردم سرو کار دارد و از همین رو نیز بررسی آن عمدتاً در قلمرو روانشناسی اجتماعی انجام می‌گیرد. (۲)

روانشناسان اجتماعی تاکنون تعریف‌های متعدد و متنوعی از تبلیغات ارائه داده‌اند. عنصر مشترک در همه این تعاریف عبارتست از تأثیرگذاری بر «وضع‌های روانی» به عنوان انگیزه و مبنای عملکرد تبلیغات. مثلاً داب (Doob) یک پژوهشگر روانشناسی اجتماعی چنین می‌گوید: «تبلیغات، اقدامات متوالی و منظمی است که فرد یا افراد

### ادامه از صفحه ۱۲ اعلامیه مشترک ...

کار پایدار درنگ ناپذیر است. خدمات اجتماعی: دفاع از خدمات اجتماعی باید تا سطح نوسازی و دموکراتیزه کردن آن فراروید و روند خصوصی سازی در شبکه‌های ارتباطی، توماسون و ایرفرانس متوقف شود. دموکراسی: تغییر توازن قدرت به سود پارلمان و تقویت نقش نظارت آن و نیز علنی کردن روابط میان دولت و موسسات محلی، توسعه مشارکت مستقیم شهروندان در مسوولیت‌های اجتماعی، محدودکردن واگذاری شغل‌های مختلف به یک فرد، کاهش مدت وکالت‌های انتخاباتی و حضوربرابر زنان در زندگی سیاسی و اجتماعی حقوق جدید برای مزدبگیران: حق بیان، حق اطلاع از تصمیم‌ها و امکان اثرگذاری بر آن و به ویژه اثرگذاری بر آن تصمیم‌هایی که به اشتغال مربوط است. مهاجرت: جایگزینی یک سیاست مهاجرت در خور و لغو قانون پاسکوا-دبره، تثبیت و تضمین حق زمین و سرپناه قضاتی: بازبینی رابطه میان دادگستری و دادستانی. اروپا: مواضع حزب کمونیست و حزب سوسیالیست در خصوص مسائل اروپا به خوبی شناخته شده است. در واقع ارزیابی دو حزب از برخی مائل متفاوت است. با این حال، اعلامیه به اتخاذ یک روش جدید و آداره و هدف‌های مشترک توجه دارد. دو حزب با افشای گداه‌های کنونی اولترالیبرالیسم به اتفاق، نظر منفی خود را نسبت به اروپایی لیبرال، اروپایی تحت سیطره پول و تابع بازارهای مالی اعلام می‌کنند و با یادآوری آن، که در فرآیند اتحاد اروپا سال ۱۹۹۲ برخورد متفاوت داشتند، اکنون پیمان ماستریخت را برای اتحاد اروپا مناسب می‌دانند. دو حزب برآنند که ساخت اروپا باید از راهی دیگر بگذرد و سه مرحله مقدماتی را طی کند. «تأیید سیاست اقتصادی اجتماعی چپ بر پایه رشد و اشتغال در فرانسه»، «پیش‌گرفتن یک سیاست اجتماعی هماهنگ در عالی‌ترین سطوح قانونگذاری در اروپا» و بدین منظور، تلاش «برای یک اروپا که برابری مسوولیت‌ها را در سطح سیاسی ممکن کند». در این خصوص، هر دو حزب برآنند که «باید توجه طرف‌های اروپایی را به پای‌بند بودن به مذاکره، با هدف ساخت اروپا و هدایت ساختار آن به سمت اروپای اجتماعی، مترقی، مدافع صلح و امنیت برانگیخت.» ترجمه از اومانیته دیمانش شماره ۳۳۷

ذینفع از راه تلقین برای نظارت بر وضع‌های روانی گروه‌هایی از افراد و در نتیجه نظارت بر اعمال آنان به عمل می‌آورند.» پس، هدف تبلیغات، تأثیرگذاری بر افکار و روحیات مردم و تغییر دادن اعمال و رفتار آنان در مسیر مورد نظر است. بی‌جهت نیست که دستگاه‌های تبلیغاتی (در هر عرصه‌ای) آخرین دستاوردهای روانشناسی و شگردهای مربوطه را به خدمت می‌گیرند و دائم نوآوری می‌کنند.

### مشخصه‌های تبلیغات

تبلیغات به مثابه یک اقدام آگاهانه اجتماعی مشخصات چندی دارد که مهمترین آنها را می‌توان به قرار زیر نام برد:

- تبلیغات بایستی تداوم و استمرار داشته باشد تا بتدریج تأثیرخود را روی اذهان و افکار مردم باقی‌گذارد.

## ملاحظات درباره «تبلیغات»

### ابراهیم محجوبی

اساسی کار تبلیغاتی بدین قرار است:

- ۱ - متقاعد ساختن. در این روش، عوامل به کار گرفته می‌شود که نقش آنها در اقناع مردم تردیدناپذیر است. مثلاً استفاده از شخصیت‌های محبوب و مورد اعتماد (اعم از شخصیت‌های سیاسی، مذهبی، هنری، ورزشی و غیره) و یا استفاده از احساسات و باورهای دینی و سنتی مردم - که غالباً جنبه ایمانی دارند - عامل مهمی در کاشتن مضامین تبلیغی در افکار عمومی است.

- ۲ - ضد تبلیغات. این واژه که به گوش اغلب ما آشناست، خود یک روش تبلیغاتی است. ضد تبلیغات عبارت از این است که با تبلیغ یک موضوع یا سوژه ثانوی، افکار را به سوی موضوع اصلی تبلیغات جلب نمایند. به عنوان مثال، تبلیغات ضد پیود در حکومت نازیها خود یک روش ضدتبلیغی بود برای گستراندن و ژرفش اندیشه‌های

نژادپرستانه فاشیست‌ها. و یا در حکومت جمهوری اسلامی، تبلیغات روزمره علیه اسرائیل و صهیونیسم یک ضد تبلیغ است که سردمداران مرتجع رژیم از طریق آن می‌کوشند دیدگاه‌های ویژه‌ای را در راستای هدف‌های سیاسی خویش در جامعه بگسترانند.

- ۳ - استفاده از اصل «حوزه غیرقابل پیش‌بینی»، «حوزه غیرقابل پیش‌بینی» یک اصطلاح در روانشناسی اجتماعی است و برای توضیح آن دسته از عوامل در عرصه تبلیغات به کار می‌رود که محاسبه و پیش‌بینی نقش آنها برای مبلغان همیشه مقدور نیست. اینگونه عوامل غیرقابل محاسبه از

مجموعه شرایط عینی، وجود مبلغان رقیب و برخی مسایل دیگر ناشی می‌شوند. این عوامل غیرقابل پیش‌بینی، در واقع نقاط کوری در میدان تبلیغات پدید می‌آورند که کار تأثیرگذاری را با اشکال مواجه می‌سازد. به اعتقاد روانشناسان اجتماعی، خشی‌کردن «حوزه غیرقابل پیش‌بینی» برای پیشبرد تبلیغات بسیار مهم است. معمولا دستگاه‌های تبلیغاتی سازمان‌یافته، برای کاستن از دامنه تأثیرگذاری «حوزه غیرقابل پیش‌بینی» وسایل گوناگونی به کار می‌برند که سانسور از جمله آنهاست. مثلاً با اعمال سانسور، دستگاه تبلیغاتی یک دولت می‌تواند مردم را از کسب اخبار و آگاهی‌های متنوع محروم نموده و از این طریق «حوزه غیرقابل پیش‌بینی» ناشی از اثرات اینگونه آگاهی‌ها را محدود نماید. بدین ترتیب، به سادگی می‌توان «شان نزول» سانسور در حکومت‌های خودکامه و سرکوبگر را دریافت و پسیاده‌های روانشناختی و کارکردی آن را بازشناخت. تدوین و پیشبرد برنامه‌های آموزشی و پرورشی جهت‌دار برای کودکان و نوجوانان در برخی نظام‌های سیاسی، یکی دیگر از وسایل تحدید میدان عمل «حوزه غیرقابل پیش‌بینی» است. روی آوردن حکومت فقها به مسموم کردن اذهان نوباگان با اندیشه‌های قرون وسطایی و خرافی بر همین پایه استوار است. زیرا با کاشتن زودرس دانه‌های یک اندیشه معین در ذهن فعال کودکان، می‌توان

بدون نظم، تکرار و تداوم، تبلیغات نمی‌تواند کارساز باشد. - تبلیغات به هدف و مقصود روشن و مشخص نیازمند است. با ابهام در هدف، مبلغان نمی‌توانند افکار و رفتار مردم را به سوی برنامه‌های خود جلب نمایند.

- تبلیغات بدون آگاهی‌های لازم درباره روحیات، عواطف و ویژگیهای فرهنگی مردم مورد تبلیغ، نمی‌تواند قرین موفقیت باشد. توجه به تغییرات روحی و عاطفی مردم در مراحل مختلف کار تبلیغی نیز حائز اهمیت است.

- و بالاخره تبلیغات به ابزار و وسایل مناسب و سازگار با وضع و شیوه زندگی آزاد و وسیع مردم نیازمند است.

### انواع تبلیغات

به طور کلی، تبلیغات دو نوع است: آشکار و ناآشکار (نامحسوس). در تبلیغات آشکار، مقصود مبلغان از ابتدا روشن است و در آن از روش تلقین مستقیم استفاده می‌شود. در تبلیغات ناآشکار، زمینه‌چینی‌هایی صورت می‌گیرد تا به گفته روانشناسان اجتماعی، «وضع‌های رفتار الحاتی یا اضافی» ظاهر گردد. آنگاه بر بستر پیدایش این وضع‌های رفتاری اضافی، تبلیغات هدفمند انجام می‌گیرد. مثلاً در زمان جنگ، برای کشاندن جوانان به جبهه‌های آدم‌کشی، زمانت بحث-میهن‌پرستی را داغ می‌کنند و با براگیختن احساسات میهن‌پرستانه، تبلیغات جنگ‌پرستانه را پیش می‌برند.

### روش‌ها و شیوه‌های تبلیغات

از آنجا که تبلیغات با روحیات و حالات رفتاری مردم سر و کار دارد، معمولاً در کاربست آن یک رشته اصول روانشناختی مورد توجه قرار می‌گیرد. این اصول یا منفرد و یا در تلفیق با یکدیگر مورد استفاده واقع می‌شود. بدیهی است در زندگی روزمره و در شرایط زنده و فعال اجتماعی، کاربست اصول و روش‌های تبلیغی، بسیار متنوع‌تر از آن است که بتوان در فرمول‌های پژوهشی یافت. شیوه‌های

## «چهارمین فستیوال تئاتر ایرانی» در شهر کلن آلمان

ازکامن، کارگردان انگین آکسی لیک

۱۱. گروه تئاتر گلان، «چهره‌های شب»، «دیوار چهارم» نویسنده و کارگردان بهروز به‌نژاد
۱۲. گروه تئاتر رز، «خاک مرده»، نویسنده عطا گیلانی، کارگردان کمال حسینی
۱۳. گروه تئاتر پرده‌باز، «پشت صحنه»، نویسنده و کارگردان کاوه میثاقی
۱۴. گروه تئاتر رقصین، «مسخ دوم» و «پشت در باز» با الهام از بوتو، کروئوگرافی و رقص عباس قیابی
۱۵. کارگاه نمایش کلن، «دیوانگان متفکر»، نویسنده کارل والتین، کارگردان علیرضا کوشک جلالی
۱۶. کارگاه نمایش کلن، «مسخ»، نویسنده فرانتس کافکا، کارگردان علیرضا کوشک جلالی
۱۷. گروه تئاتر زنگوله، «خانه‌ی سبز»، نویسنده و کارگردان بهرخ حسین بابایی
۱۸. گروه تئاتر فرزانه، «حقیقت ساده» متن از فرج سرکوهی، کارگردان جواد خدادادی
۱۹. گروه تئاتر بی‌نام، «فرج سرکوهی، منم عزیز منم!» نویسنده اکبر سردوزایی، کارگردان کامران بزرگ‌نیا
۲۰. گروه تئاتر چهره، «مأمور امنیتی»، نویسنده اسلامیهر مرزوک، اقتباس و کارگردانی اصغر نصرتی
۲۱. گروه تئاتر چهره، «بیزنتدی»، تنظیم و کارگردانی اصغر نصرتی
۲۲. گروه تئاتر رقص آستاوید هاتو، «آبی آهنی»، کار و کروئوگرافی محسن حسنی
۲۳. انجمن تئاتر ایران و آلمان، «اپرت مشدی عباد»، نویسنده عطا گیلانی، کارگردان مجید فلاح‌زاده
۲۵. گروه رقص بهار، «گنج من سرزمین من»، کار و کروئوگرافی ناصر بهرامپور
۲۶. گروه فرهنگی نیما، «ماهی سیاه کوچولو»، نویسنده

شکل‌گیری شخصیت و سمتگیری فکری آتی آنها را تا حد زیادی مورد دستکاری قرار داد و بدین وسیله پیشاپیش «حوزه غیرقابل پیش‌بینی» را محدود و تنگ نمود. این همان روشی است که در حکومت فاشیسی نازیها به طور وسیع و سیستماتیک به کار بسته می‌شد و حکومت‌های توتالیتر نوع کمونیستی نیز از آن غافل نبوده‌اند. (۳)

- ۴ - اصل استفاده از شیوه‌های رفتار الحاقی. در اینجا، مبلغان آن وضع‌های رفتاری را برمی‌انگیزانند که می‌تواند در خدمت تبلیغات هدفمند قرار گیرد. چند سال پیش، هنگامی که ائتلاف محافظه‌کار حاکم در آلمان قصد تغییر قانون پناهندگی را داشت، از این شیوه استفاده نمود. در آن موقع، ائتلاف یادشده، برای مؤثر ساختن تبلیغات خود مبنی بر ضرورت تغییر قانون، موج‌های متعدد احساسات ضد خارجی را به طور غیرمستقیم برانگیخته و در پشت پرده هدایت می‌نمود. این شیوه کار یعنی آماده کردن زمینه‌های تغییر قانون پناهندگی در واقع بر اصل ایجاد حالات رفتار الحاقی مبتنی بود. (۴)

صرفنظر از اصول و روش‌های یادشده، اصولاً تبلیغات همیشه به شرایط مساعد روانی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی نیازمند است تا به هدف‌های خود دست یابد. این نشان می‌دهد که تبلیغات امری ظریف، حساس و دارای جوانب متعدد است. امروز وجود وسایل پیشرفته ارتباط همگانی - که در همه ارکان جامعه رسوخ کرده و آحاد وسیع مردم به آن خود را مؤثرتر و کارسازتر نمایند. تأثیر این‌گونه تبلیغات (بویژه از طریق تلویزیون) بقدری ژرف و پایدار است که گاهی به اختلال‌های رفتاری و روانی خاصی منجر می‌گردد. وجود چنین اختلال‌هایی را کارشناسان تأیید می‌کنند و آشکارا از نوعی ارتباط میان نقش رسانه‌های همگانی و بروز نابسامانی‌های روانی سخن گویند. راستی هم غیر از این نیست. در عصر ارتباطات که قادر است تقریباً سراسر کره خاکی را پوشش دهد، تبلیغات می‌تواند ویرانگر و بیماری‌زا هم باشد. این همان پدیده‌ای است که واسلاواول نویسنده چک آن را به «دیکتاتور تبلیغات» به مثابه یکی از شاخص‌های تمدن امروزی تعییر کرده است.

### زیرنویس‌ها:

(۱) - این مقاله مدت‌ها پیش در اختیار یکی از نشریات خارج از کشور قرار گرفته بود. اما ظاهراً به دلایل عقیدتی از چاپ و انتشار آن خودداری گردید. اینک با اندک تغییرات و بازبینی در اختیار خوانندگان نشریه کار قرار می‌گیرد.

(۲) - در تهیه این نوشته از کتاب نسبتاً قدیمی اما همچنان معتبر روانشناسی اجتماعی اثر اتوکلاين برگ ترجمه دکتر علیمحمد کاردان استفاده شده است.

(۳) - در اتحاد شوروی پیشین، در کودکستان‌ها شعری در وصف لنین به کودکان آموخته می‌شد که بندی از آن چنین بود: «من لنین راننده‌ام، اما او را دوست دارم...» خردسالان بی‌خبر از هرگونه مسایل عقیدتی و سیاسی، جمله فوق و نظایر آن را هر روز طوطی‌وار تکرار می‌کردند، زیرا برای حکومت مهم بود که کودکان لنین را بشناسند و دستکم نام او را در مراسم بر زبان آورند. و این جزئی از کوشش‌هایی بود برای کاشتن اندیشه‌های رسمی دولتی در ذهن کودکان و «تربیت انسان‌های طراز نوین»

(۴) - به نوشته نشریه حقوق بشر (ارگان جامعه دفاع از حقوق بشر در ایران)، در سال ۱۹۹۲ در آلمان اسنادی بدست آمده بود که نشان می‌داد موج‌های یورش به مراکز زندگی پناهجویان و پناهندگان در آن زمان، به ابتکار و کارگردانی آقای «روهه» از سران حزب دمکرات مسیحی و وزیر کنونی دفاع صورت می‌گرفته است.

صمد بهرنگی، کارگروهی

۲۷. گروه تئاتر کوچک فرایبورگ، «مردان چاق دامن‌پوش»، نویسنده نیکی سیلور، کارگردان سعید مولایی
۲۸. گروه تئاتر پردیس، «مهاجران»، نویسنده اسلامیهر میروژک، کارگردان ایراج زهری
۲۹. گروه تئاتر تنها، «به علی گفت مادرش روزی»، نویسنده فروغ فرخ‌زاد، کارگردان فرود حیدری
۳۰. گروه تئاتر کوچه، «ماندانا»، نویسنده الف فرش‌ی (بهرام)، کارگردان جاسم انسان
۳۱. گروه تئاتر آدینه، «شازده کوچولو» نویسنده آنتوان سنت‌اگزوپری، کارگردان مهدی نماز
۳۲. گروه تئاتر طلوع، «معشوق» نویسنده هارولد پیتر، کارگردان مرتضی عقیلی
۳۳. گروه تئاتر پرنده، «گفتگوی شبانه» نویسنده فردریک دورنمات، کارگردان علی رستانی
۳۴. گروه تئاتر ایشیل بال، «کراش» براساس ایده‌ای از پیتر کورنر، کارگردانان پیتر کورنر و ماریا یونگ کری
۳۵. گروه تئاتر دن هاگ، روخوانی: «حکایت ایران خانم و شوهرش»، نویسنده و کارگردان سیروس سیف
۳۶. گروه تئاتر سیاه، «تئاتر روحوسی»، تنظیم و اجرا از بهنام الماسیان - علی نجاتی

### همچنین در جریان فستیوال:

الف. کانون نویسندگان ایران (در تبعید) با همکاری فستیوال تئاتر ایرانی در کلن اولین «سینار تئاتر ایران در تبعید» را از ۲۷ تا ۲۹ نوامبر برگزار خواهد کرد.

ب. جلسات بحث و گفتگو، اسلاید، فیلم‌های تئاتری و نمایشنامه خوانی دایر خواهد بود.

# تئوری و پراتیک چپ و موضع فمینیستی

نوشته فریگا هاوک

برگرفته از کنترورز، ارگان تئوریک حزب سوسیالیسم دمکراتیک آلمان، مارس ۱۹۹۶

بخش اول

در راستای آشنایی با مباحث جاری در محافل فمینیستی چپ، مقاله حاضر را که بیانگر یک موضع در این مباحث پیرامون رابطه فرم و انقلاب، چپ و فمینیسم است، درج می‌کنیم.

چه بارها که از دوش ما بر نداشت این هرکول غول پیکر اما چه چیز برای ما باقی گذاشت؟ چه کمبودی از وهم‌ها چه نفی از ارزش‌های مطمئن چه ناتوانی گسترده‌ای در گردن نیاکان چقدر برای ما منتفی است که در هر چیز شک کنیم از آن هنگام، همه پیروزی‌های ما بی‌عانه‌های تاریخ است دیگر آن زمان گذشته است که از خود را وقف هدف کردن بپرهیزیم دیگر نتوان تا پایان نرفت و پایان را آغاز انگاشت

همین است نخستین پرسش موضوع نوشته من: چپ امروز به چه معناست؟ این مفهومی که زمانی چنان بی‌ابهام بود، امروز در محافل ناروشنی فرو رفته است. بسیاری از چپ‌ها با چپ بودن وداع کرده‌اند. و آنجا که باقی مانده‌اند با یک صحنه سیاسی عجیب روبرو هستند که بر زمینه آن، خطوط مشخصه خود آنها کمتر قابل رؤیت است. مارکسیست خواندن خود یا اندیشه خود، مثلاً در محیط دانشگاهی مانند اعلام وفاداری به یک فرقه است. آن هم فرقه‌ای که در زمره فرقه‌های موقت امروزی که تعدادشان بسیار است نیست. خود را سوسیالیست نامیدن، حتی در محافل فمینیست‌های چپ نوعی اعتراف به گناه محسوب می‌شود. پس برای اینکه نوید نترسم، به نصایح فولکر براون روی می‌آورم: سر فرود نیاوردن، شک کردن در همه چیز، خود را کاملاً وقف هدف کردن. چنین موضعی، مغایر با اپورتونیسم، خیانت، تسلیم و خودخواهی مد روز است. اما آنچه می‌ماند، این سؤال است که امروز کدام آرمان است که به دنبال آن بودن، چپ بودن است، با چنین موضعی. از موضع چپ به میدان سیاست چپ روی می‌آورم. کاملاً آشکار است که با بی‌پدیل شدن مدل اقتصادی سرمایه‌داری، سیاست چپ را دوباره باید فرموله کرد. موضوع مورد جدل، امروز کماکان این است که هدف، اصلاحات در چارچوب سرمایه‌داری است یا همچنان باید به دنبال آلترناتیو‌هایی به جای سرمایه‌داری بود، و این آلترناتیوها کدامند.

نماینده می‌خواهم سه فکر خام را به بحث بگذارم:  
۱ - طرح رنال پلینیک انقلابی به عنوان موضعی که در برابر آلترناتیوی که از آن نام بردم قرار می‌گیرد. (رنال پلینیک، اصطلاحی است که شاید تئران معادل دقیق آن را در فارسی یافت و به معنای سیاسی است که از یک سو در فضای واقعاً موجود به اجرا گذاشته می‌شود و از سوی دیگر اهدانی را که در این محیط، واقع‌بینانه می‌نمایند، در برابر خود قرار می‌دهد)  
۲ - رنال پلینیک فمینیستی که تشکی بر این کشاکش

می‌افزاید و ۳ - اندیشه‌هایی درباره پیمانی نو بین دو جنس به مثابه استراتژی سیاست فمینیستی چپ.  
۱ - فرم و انقلاب الزاماً نباید رابطه‌ای متضاد با یکدیگر داشته باشند. نظر به برداشت امروزی ما از اصطلاحات، که مبتنی بر سیاست شدنی‌هاست، نخست مفاهیم را از نو تعریف می‌کنم، بدون اینکه بخواهم از رادیکالیسم آنها بکاهم. مراد من از سیاست فرم، رنال پلینیک امروزی است که بر مبنای تحلیل اوضاع، به دنبال گام‌هایی فوری برای بهبود شرایطی بنا است. مراد من از اهداف انقلابی، همه چشم‌اندازهایی است که انگری اقتصادی سرمایه‌داری را تنها الگویی ممکن نمی‌دانند و از این رو به دنبال بدیل‌هایی برای آن هستند. فمینیسمی که اقتصاد سرمایه‌داری را قابل قبول و دارای توان بقا بداند، وجود ندارد. هرگونه پیاده کردن تصورات آلترناتیو به صورت گام‌های سیاسی، امروز هم رنال پلینیک و هم سیاست آلترناتیو است.

بکوشیم اندیشه رزا لوکزامبورگ را که از او اصطلاح «رنال پلینیک انقلابی» را به عاریت گرفته و در فکر خود وارد کردیم، برای شرایط خود ترجمه کنیم. او، علیرغم اینکه لحن پیروزمند و متکی به طبقه کارگرش امروز با توجه به تحولات ۱۹۸۹ مضحک به نظر می‌رسد، افکاری ماندنی به رسته تحریر درآورد: «اما مهم تر این است که چه چیز به ما معیاری برای گزینش وسایل و راه‌های مبارزه می‌دهد و به ما کمک می‌کند که از آزمون‌های بی‌برنامه و اعوجاج‌های خیال‌پردازانه و نفس‌گیر، بپرهیزیم؟ سمت روند اقتصادی و سیاسی شناخته شده در جامعه امروز است که می‌توانیم با آن نه تنها نقشه جنگی کارزار خود را در خطوط اساسی آن، بلکه همچنین همه جزئیات فعالیت سیاسی خود را محک بزنیم. با این خط راهنماست که طبقه کارگر برای نخستین بار توانسته است اندیشه بزرگ هدف نهایی سوسیالیستی را به سکه روز رنال پلینیک تبدیل کند و کار سیاسی ظریف روزمره را در خدمت آرمان بزرگ قرار دهد. قبل از مارکس، هم یک سیاست بورژوازی اتخاذ شده از سوی کارگران وجود داشت و هم سوسیالیسم انقلابی. اما تنها پس از مارکس و توسط او است که سیاست کارگری سوسیالیستی پدیدار شده است. سیاستی که در عین حال و به مفهوم کامل هر دو کلمه، رنال پلینیک انقلابی است.»

رنال پلینیک، تفاوت با سیاست بورژوازی را که آن نیز باید روزمره و واقع‌گرا باشد، در موضعی می‌داند که از آن به امور می‌نگریم. یک موضع، موضع «موقتی‌های روزمره و ملموس» است و دیگری «گرایش تحول تاریخی». او در عین حال بر آن است که بعد انقلابی سیاست در این است که «خود را آگاهانه صرفاً مقدمه‌ای بر فصلی می‌داند که در آن به سیاست پرولتاریای حاکم و تحول‌ساز تبدیل می‌شود». هر چند این فرمولبندی‌ها امروز به خاطر اطمینان مستتر در آن، غریب می‌نمایند، برتری بر طرح لوکزامبورگ برای یک سیاست می‌انگند. این سیاست، کماکان سیاسی در شرایط حاکم است و از این رو، شکلی از سیاست است که تحت

مقایسه با اروپای مسیحی در همان دوره، به توانایی‌های بزرگ پیشرفت هم مجهز بوده است. چه چیزی تغییر پیدا کرد تا بتوان با آن این تغییر جایگاه را توضیح داد: مذهب (یا بهتر بگویم برداشت مذهب توسط جامعه)، چیز دیگری و یا هر دو با هم؟ عکس‌العمل این مراحل مختلف واقعی نسبت به هم چگونه بود؟ نیروهای محرکه کدام بودند؟ سؤال‌های زیادی که از طرف فرهنگ‌باوری - حتی کسانی که عالم‌تر از هانتینگتون هستند - دست‌نخورده باقی می‌مانند. فرهنگ‌ها فرهنگ هستند و از گوناگونی برخوردارند، همین و پس. اما «فرهنگ‌ها» یعنی چه؟ و چگونه می‌توان آنها را مشخص نمود؟ بر اساس مناطق زبانی، مذهبی، ملی، مناطق اقتصادی همگون، بر اساس سیستم‌های سیاسی؟ هانتینگتون ظاهراً «مذهب» را به عنوان پایه کارش برای ساختن «هفت گروه‌اش» مورد استفاده قرار می‌دهد: غربی‌ها (کاتولیک‌ها و پروتستان‌ها)، مسلمانان و پیروان کنفوسیوس (بدون یگانگی مذهبی)، ژاپنی‌ها (شینتویست یا بودیست؟)، هندو، بودیست و مسیحی‌های ارتدوکس. برای هانتینگتون مهم است تا مناطق فرهنگی مطابق با وضعیت فعلی جهان باشند. به همین خاطر او احتیاج دارد به جدا کردن ژاپنی‌ها از دیگر پیروان کنفوسیوس، مسیحی‌های ارتدوکس از غربی‌ها (زیرا که امکان ادغام روسیه در اروپا برای استراتژی کسانی که این مأموریت را به او محول کرده‌اند یعنی سیا یک کابوس واقعی است؟) و هم چنین بی‌توجهی به آفریقای مسیحی، مسلمان، انیمیست که از یک سری ویژگی‌های خاصی برخوردار است و حتی آمریکای لاتین (از آنجایی که مسیحی هستند پس مثل غربی‌ها غربی هستند؟ پس چرا رشد نایافته‌اند؟) و به همین ترتیب

را تا آخر دنبال کنیم، به این معنا خواهد بود که جنگ‌ها قابل ترجیحند تنها اگر بر ثروت تجاری بیافزایند. اما رزا لوکزامبورگ، سیاست را عرصه‌ای نمی‌داند که جای استدلال مستقیم خطی و محاسبه تئوریک باشد، بلکه هدف، همیشه و در همه جا این است که مردم را دخالت بدهیم، به گونه‌ای که گویا خودشان در مسند حکومت نشسته‌اند. فقط هنگامی که چنین موضعی که در تبلیغات رسمی حکومتی، موضع طبقه حاکم نیز هست، در عمل پذیرفته شود، و نه قبل از آن، می‌توان سؤال‌هایی فراتر درباره سیاست و نظام اجتماعی در دستور روز قرار داد. آیا می‌توان چنین سیاسی را نوعی پوپولیسم چپ دانست؟ در اینجا سخن بر سر آرایش مشخصی از تضادهاست که در آن تک تک افراد نه از رونق تجاری، که از نوعی سیاست دولتی به خشم می‌آیند که در خدمت رونق تجاری نیست بلکه دست در دست انحصارهای معینی دارد. از این طریق، برابری در میان بالایی‌ها به مثابه برابری در تخریب نمایان می‌شود. به مثابه محکمی که با آن می‌توان نابرابری عمومی را در چنین برابری نشان داد. وسیله‌ای که مورد استفاده قرار می‌گیرد، نه درس دادن، بلکه اطلاع دادن هدفمند است. آنچه مورد خطاب قرار می‌گیرد، عناصری از درک عمومی روزمره است.

نوع دیگری از رنال پلینیک انقلابی، دخالت در مبارزه دولت با طبقه کارگر است. در اینجا رزا لوکزامبورگ در جستجوی دخالت‌های مستقیم از بالاست تا در آنها و نه در نفی ساده آنها، نفعی برای کارگران بیابد. او طبق این منطق حرکت می‌کند که هرگونه دخالت از بالا، در عین حال نوعی اذعان و تداخل است که در آن، پایتیی‌ها همواره می‌توانند پیروز شوند. یعنی به نوعی گشایش میداند. مثلاً در مقاله قابل توجهش درباره «امسار اعتصابات در رایش»، در حالی که گروه‌های چپ در یک جنبش تحریم علیه سرشماری در جمهوری فدرال آلمان در سال ۱۹۸۶، کاملاً در موضع مخالفت و نفی مجرد باقی ماندند، رزا لوکزامبورگ درباره یک اقدام مشابه دولت برای اعمال کنترل که البته بسیار قبحانه‌تر بود، چنین نوشت: «ممکن است آمارگیری‌ها درباره درگیری‌های اقتصادی کار و سرمایه درست برعکس، در خدمت مبارزه دولت با طبقه کارگر قرار گیرد. اما در هر حال و علیرغم مقاصد ابداع‌کنندگان آن، این آمارگیری مطمئناً برای جنبش کارگری نیز مفید خواهد بود، چرا که بدون کوچکترین تردیدی می‌توان از چنین آماری، هر قدر کم که یکجانبه تهیه شده باشد، درس‌هایی مفید، به طرز مشخص درباره ضرورت اجتناب‌ناپذیر تشکیل کارگران در مبارزه اقتصادی با سرمایه گرفت.»

نوع سومی از رنال پلینیک انقلابی، تلاش برای حدت بخشیدن به تضادها در سرمایه‌داری از موضع مردم است. فکر بنیادین، این است که خود شیوه تولید سرمایه‌داری نیز انقلابی و نوگراست. از این رو، رشد مینشی بر سود سرمایه‌داری مدعای علییه مالکیت‌ها و امتیازات کهنه مبارزه می‌کند و به دنبال اشکال جدید است. اما دولت که به همین شکل خود را متحول نمی‌سازد، در بسیاری از چنین مواردی، به دفاع از سرمایه کهنه برمی‌خیزد. از این رو باید سیاست را بر علیه دولت و در جهت تحولات جدید در سرمایه‌داری پیش برد. رزا لوکزامبورگ، این تحولات را نزدیک شدن مداوم به شیوه‌های تولید و اجتماعی شدن سوسیالیستی (که بر علیه آن در سیاست دیوارهای هر چه بلندتری می‌سازند) ارزیابی می‌کند. از این رو از نظر او عدم دخالت، «خیانت متعلاانه» است. رنال پلینیک انقلابی، از تضادهای واقعی حرکت می‌کند و در چارچوب آنها شکل می‌گیرد. به عنوان نمونه، او در نوشته خود علیه این استدلال ساده‌انگارانه برنشتاین موضع می‌گیرد که گویا سوسیال‌دموکراسی باید «مخالف دموکراسی» باشد چرا که «رشد دموکراسی به تشدید و نه تخفیف تضادهای سرمایه‌داری می‌انجامد». رزا لوکزامبورگ در این باره می‌نویسد: «در این صورت سوسیال‌دموکراسی مطلقاً باید بکوشد کل سرمایه‌داری شکست بخورد چرا که سرمایه‌داری است که بدون تردید، دشمن ادامه در صفحه ۶

کاپیتالیسم ادامه یافته و قطب بندی بدون هیچ خطری افزایش یابد.

امپریالیسم و فرهنگ‌باوری یکدیگر را همیشه خوب تحمل کرده‌اند. امپریالیسم با اطمینانی متکررانه اعلام می‌دارد که «غرب» به انتهای تاریخ رسیده است و فرمولهای او برای ساختن اقتصاد (مالکیت خصوصی و بازار)، سیاست (دموکراسی) و جامعه (آزادی‌های فردی) غیر قابل تغییر و شکست‌ناپذیرند. او تضادهای واقعاً موجود را نتیجه خلاقیت و یا نتیجه مقاومت غیر عاقلانه علیه خرد سرمایه‌داری می‌داند. برای خلقهای دیگر انتخاب ساده است: ارزشهای غرب را قبول کرده و یا بر روی ویژگی‌های فرهنگی خود پافشاری کنند. اگر پذیرفته شود که آنها حالات اول را به خاطر غیرممکن بودنش رد می‌کنند، برخورد تمدنی به میدان کشیده می‌شود (بین جوامع غربی بطور قطع صلح برقرار می‌شود). اما کارتها در این بازی علامت گذاری شده‌اند: غرب همیشه برنده می‌شود و آنهای دیگر همیشه بازنده. او بدین خاطر نه تنها تحمل می‌کند بلکه حتی تحریک هم خواهد نمود تا خلقها حالت دوم را انتخاب نمایند. این حالت تنها برای خلقهایی که قربانیانش می‌باشند خطرناک است. تحلیل انتقادی، برعکس مقوله‌های افسانه‌ای «بیابان تاریخ» و «برخورد تمدنها» موضوع واقعی کشمکش و چالش‌ها را مشخص می‌کند: کاپیتالیسم گرفتار در تناقضاتی که در چهارچوب منطق خودش علیه‌پذیر نیستند فقط مرحله‌ای از تاریخ است و ارزشهای اعلام شده‌اش همانطور که فرموله شده‌اند از کنار تناقضاتش می‌گذرند. گفتمان پر مدعای غرب جوابی به این چالش‌ها نمی‌دهد زیرا که او عمداً توجهی به آنها ندارد. اما گفتمان امتناع قربانیان هم از آنها اجتناب کرده، میدان جدال بر سر موضوعات واقعی را ترک نموده و میدان را در اختیار مخالفش گذاشته، به دامان پنداشت‌های فرهنگی می‌گریزد. چه کمکی خواهد بود اگر که اسلام بطور مثال موضوع رهبری در جامعه محلی را اشغال نموده ولی جوامع اسلامی در هیرارشی اقتصاد جهانی بنا بر قواعد این سیستم در مرحله کمسپرادوری و اقتصاد بازاری توقف کنند؟ همانند فاشیست‌های دیروز فرهنگ‌باوران امروزی نیز به دروغ متوسل می‌شوند، اینها خود را جواب بحران دانسته و در واقع هم ابزار مدیریت بحران هستند. برای اینکه به جلو نظر داشته و نه به عقب و یا پایین، می‌بایستی مستقیماً به ادامه در صفحه ۱۱

## برای یک استراتژی رهائیبخش

سپیر امین - قسمت دوم

برگردان: ع. بهار

می‌توان با این طبقه بندی مسخره و بی‌کیفیت ادامه داد، که آن روی بد نوشته یک اروپای مرکزی درجه سوم می‌باشد. آنجایی که فرمهای توسعه یافته مرکزی سرمایه‌داری شکل می‌گرفتند عملاً فرهنگ مدون سرمایه‌داری جایگزین فرهنگ‌های قدیمی از قبیل فرهنگ قرون وسطی - مسیحی (در اروپا و امریکای شمالی) و فرهنگ ژاپنی (کنفوسیوس) گردیدند. بر خلاف آن در کشورهای پیرامونی قدرقدرتی فرهنگ سرمایه‌داری نتوانست به شکلی رادیکال فرهنگ قدیمی این مناطق را تغییر داده و به خدمت گیرد. این تفاوت ناشی از ویژگی‌های فرهنگ‌های خراج‌گزار مختلف نیست بل ناشی از تفاوت مابین اشکال مرکزی و پیرامونی گسترش سرمایه‌داریست. کاپیتالیسم در بسط و توسعه جهانی خود تضاد بین دعوی جهانی‌اش و قطب‌بندی ناشی از واقعیت مادی را آشکار نمود. ارزشهای از مضمون تهی شده که از طرف سرمایه‌داری مورد تأکید قرار می‌گیرند (فرد باوری، دموکراسی، آزادی، برابری، حاکمیت قانون و غیره) در نظر خلقهایی که قربانی سیستم گردیده‌اند یا به عنوان دروغ و به عنوان ارزشهای ویژه «فرهنگ غربی» تجلی می‌نمایند. این تضاد با وجود اینکه همیشه وجود داشته اما در هر مرحله‌ای از جهانی شدن، مثلاً حالا عمیق‌تر می‌شود. این سیستم اکنون با پراگماتیسم نمونه‌اش وسیله برخورد با این تضاد را پیدا کرده است. برای اینکار کافی است که دیگران «تفاوت‌شان» را بپذیرند، که شتمندیدگان تقاضای دموکراسی فرد باوری، آزادی و برابری نکرده و به جای آن با ارزشهای فرضی «خود» زندگی کنند. و بدین ترتیب موقعیت زبردست بودن خود را باور داشته و بگذارند تا گسترش

## گوناگونی فرهنگ‌ها و گمراهی فرهنگ‌باوری

ایده‌ای که تفاوت‌های فرهنگی را نه تنها واقعی و مهم بل بنیادی هم ارزیابی می‌کند (طوری که مخرج فراتر فرهنگی مشترک که به خود اجازه می‌دهد تا از انسانیت صحبت کند به سمت صفر نزول می‌کند) و این تفاوتها را ماندگار و ثابت یعنی فراتاریخی می‌بیند ایده تازه‌ای نیست. این مسئله برعکس ناشی از پیشداوری مشترک و رایج همه خلقها و زمانها است. گذشته از آن مذاهب هم خود را به همین شکل به عنوان پایان تاریخ و جواب نهایی معرفی کرده‌اند. پیشرفت‌های اندیشه تاریخی، انتقادی و اجتماعی، تلاشهای عمومی و ساخت علمی جامعه در هر زمانی در مبارزه‌ای سیستمانه علیه پیشداوری‌های جامد فرهنگ باوری بدست آمدند. بنابراین نباید دوباره نشان داد که این نظریه از طرف تاریخ واقعی تکذیب می‌شود بلکه باید سؤال کرد: به چه دلیل این ایده مسخره امروزه دوباره قد علم کرده است؟ و: اگر از لحاظ سیاسی موفق شود به کجا منتهی خواهد شد؟ این سؤالها را نمی‌شود به همین سادگی و با توسل به یک سری اصطلاحات تئوری فرهنگ‌با جواب داد زیرا که این سؤالها در بگیرنده کارکردهای این جوامع در مجموع و مناسبات متقابلشان، یعنی ارتباط فرهنگها و عرصه‌های دیگر زندگی اجتماعی هستند. تئوری‌های ویژگی فرهنگی مایوس‌کننده‌اند زیرا که از پیشداوری نشات می‌گیرند که تفاوتها را همیشه تعیین کننده و تشابهات را اتفاقی دیده و برنامه‌شان را با تقدم بر این شالوده شکل می‌دهند. تفاوتهای نشان داده شده ابتدال این اندیشه را فاش می‌سازند. به زبان ساموئل هانتینگتون این تفاوتها بنیادی می‌باشند زیرا که آنها بخشهایی را در بر می‌گیرند که «روابط موجود انسانی را با خدا، طبیعت و قدرت» تعیین می‌کنند، به عبارت دیگر یعنی لجاجت بخرچ دادن، تقلیل فرهنگها به مذهب و متهم نمودنشان به اینکه آنها به اجبار به شکلی متفاوت و ویژه تصورات گونه‌گونی از آن روابط را بسط و توسعه می‌دهند. اما تاریخ نشان می‌دهد که این نظرات منعطف‌تر از آن چیزی هستند که پذیرفته می‌شود، و سیستم‌های ایدئولوژیکی که بنیان می‌گذارند بر اساس شرایطی (که وابسته به آنها نیستند) به تکامل تاریخی همانند با متفاوت کمک می‌کنند. فرهنگ باورانی بد - آیا خوب‌شان هم هست؟ - که سعی دارند تا عقب ماندگی دیروز و پیشرفت سریع امروز چین را با همان کنفوسیوس توضیح دهند. جهان اسلام سده ۱۰ بنا بر گفته بسیاری از تاریخدانان نه تنها درخشان بل در



# گفتگو با باقر مومنی پیرامون «سیمای امروزین چپ»

بخش اول

□ پیروز خلیق: اولین سؤال ما این است که شما امروز سیمای چپ را به چه صورتی ترسیم می‌کنید؟

■ باقر مومنی: چند وقت پیش نشریه راه آزادی از من خواست مطلبی درباره «چپ» بنویسم که در یکی از شماره‌های این نشریه چاپ شد. آنجا طبعاً من با تأمل و تفکر بیشتر به مطلب پرداخته‌ام. اگر می‌دانستم که موضوع گفتگو در همین باره است یک نگاه به آن می‌کردم و یا حضور ذهن بیشتری در اینجا صحبت می‌کردم. در آنجا یک مقداری اشاره کرده‌ام به آشننگی مرزها در چپ و در تعریف «چپ» که یک مسئله اساسی است. به نظر من این کاری که شما می‌کنید خدمت بزرگی است به چپ که مرزبندی جریان‌های مختلف تا حدی که مقدور است روشن بشود، چون بخصوص بعد از فروپاشی شوروی و کشورهای سوسیالیستی اروپای شرقی این آشننگی باز هم خیلی بیشتر شده است. البته این آشننگی برای خیلی‌ها که تکیه اصلیشان به شوروی نبود کمتر بوده ولی طبعاً برای آنها که بستگی جدی داشتند تأثیر این فروپاشی بیشتر بود. بعد هم شکست خود جنبش انقلابی ایران نقش عمده‌ای در این آشننگی فکری داشت. البته به نظر من مسئله اساسی همین خود جنبش انقلابی ایران است و حالا دیگر مسئله حیاتی مسئله ثانوی شده است. به هر حال با سوابقی که حزب توده داشت و موضع‌گیری‌هایی که در جریان انقلاب کرد، و بعد انشعاباتی که در داخل سازمان فدائی رخ داد، بخصوص انشعاب‌هایی که در خارج صورت گرفت، آشننگی باز هم بیشتر شد، و خوب، حالا، با توجه به اینکه همه علاقه دارند با یک دید روشنی نسبت به مسائل سیاسی موضع‌گیری کنند و یک ضرورت جدی بوجود آمده این بحث‌ها می‌توانند بسیار مفید باشند. خیلی دلم می‌خواست آن مقاله که گفتم الان در دسترس بود و من در بحث حاضر می‌توانستم از آن کمک بگیرم. حالا، به هر حال چپ به نظر من در واقع طیف وسیعی را در بر می‌گیرد که یک سرش کمونیست‌ها هستند و طرف دیگری چپ سوسیال‌دموکرات‌ها. من این طیف را در شرایط فعلی چپ می‌دانم. البته تصور من این است که چپ و محدوده آن در شرایط مختلف تاریخی و اجتماعی تغییر می‌کند، یعنی مرزهایش محدود و نفوذش تفاوت می‌کند. وقتی شما با یک حکومت دموکرات سر و کار دارید چپ معنی و محدوده دارد. در برابر یک حکومت لیبرال و یک نظام لیبرال یک مرز معینی را در بر می‌گیرد. در شرایطی که یک حاکمیت ارتجاعی وجود دارد مرزهای چپ کمی بالاتر و وسیعتر می‌شود. با توجه به این نکته تصور من این است که چپ در شرایط امروز ایران یک میدان بسیار وسیعی را اشغال می‌کند. که همانطور که گفتیم از سوسیال‌دموکراسی شروع می‌شود تا به کمونیسم می‌رسد.

البته بعضی‌ها هستند که حتی در تعریف و توضیح کلمات و اصطلاحات و محتوای آنها هم این مرزها را مخدوش می‌کنند و ابهام‌هایی بوجود می‌آورند. مثلاً خیلی‌ها هستند که می‌گویند ما کمونیست هستیم ولی با توجه به تحولات جهانی، انسانی، اجتماعی طبعاً ایجاب می‌کند که آدم در معتقدات خودش تجدید نظر می‌کند. و بعد در این تجدید نظر آندرد پیش می‌روند که در بعضی وقت‌ها حتی با کنار گذاشتن خود اصول کمونیسم و مارکسیسم هم پیش می‌روند. بابعضی‌ها از راست‌ترین قسمت‌های چپ، اگر بشود این اصطلاح را بکار برد، حتی به مرز لیبرالیسم هم ممکن است برسند. البته در شرایطی که ما زندگی می‌کنیم حاکمیت چنان ارتجاعی و عقب‌مانده است که گاهی واقعاً یک نوع لیبرالیسم هم به عنوان چپ می‌تواند تلقی شود. حتی در کادر خود جنبش‌های اسلامی و تفکر مذهبی هم هستند کسانی که در عین حال که طرفدار حکومت اسلامی هم هستند خودشان را چپ و سوسیالیست می‌دانند. مثلاً می‌شود از نیروهای صحبت کرد که به اسم سوسیالیست‌های اسلامی یا مسلمانان سوسیالیست معروف بودند و هنوز هم گروه‌هایی مثل «جاما» و غیره دنباله کارشان را گرفته‌اند. بعضی‌ها اینها را واقعاً در طیف چپ می‌دانند و همین الان عده‌ای از روحانیون اسم خودشان را گذاشته‌اند جناح چپ. در هر صورت آنچه به من مربوط می‌شود تصور می‌کنم که هسته مرکزی و اصولی چپ شامل کمونیست‌هایی است که به مارکسیسم به عنوان یک طرز تفکر اعتقاد دارند و اصول مانیفست حزب کمونیست را، البته اصولش را، به عنوان پایه اصلی تفکر اجتماعی قبول دارند. مسائل فرعی مانیفست که حتی کمی بعد از انتشارش هم می‌توانسته قابل بحث و تجدید نظر باشد کمالاتی که در چاپ‌های بعدی آن، در مقدماتی که مارکس و انگلس بر آن نوشتند در خیلی چیزها تجدید نظر کردند ولی اصول همچنان سرچاپش هست. از نظر پایه‌های فکری و ایدئولوژیک به نظر من کسانی را می‌شود گفت کمونیست که به مارکسیسم معتقد باشند و...

■ مومنی: البته در مود لنیسم، مائوئیسم، و حتی تیتویسم - با اینکه تیتویسم یک جریان خیلی راست تلقی می‌شود - هر کدام مکتب‌های خاصی از کمونیسم بوده‌اند. چون اولاً خودشان به هر حال نه کمونیسم را رد می‌کردند و نه مارکسیسم را و در نتیجه کسی هم نمی‌تواند آنها را خارج از مارکسیسم بگذارد، البته به شرط اینکه هر کدام از این شقوق را جهان‌شمول نکنیم. ثانیاً بسیاری از اصول این مکتب در زمان و در محدوده خاص تاریخی و ملی و محلی خودشان درست درمی‌آمد و موفقیت‌هایی هم در استقرار نظام سوسیالیستی داشتند.

در این مورد ما از خیلی پیش با خیلی‌ها بگویم داشتیم. در آستانه انقلاب هم یک جمعی از رفقای روشنفکر و

تحصیل‌کرده که به مارکسیسم و کمونیسم اعتقاد داشتند جمع شده بودیم که نشریه‌ای را دربیاوریم که درآمد. یک نشریه‌ای بود سه‌ماهه به نام «اندیشه» پنج شماره‌اش را هم درآوردیم. جلسات محدود سخنرانی و بحث مارکسیستی هم داشتیم. بعضی‌ها می‌خواستند این نشریه را یک نشریه مارکسیستی - لنیستی اعلام بکنند ولی عده‌ای از رفقا، که اکثریت داشتند، بقیه را قانع کردند که از عنوان، لنیسم صرف‌نظر کنند و در نتیجه روی آن نوشتیم «نشریه مارکسیستی» نظر ما این بود که لنیسم، مائوئیسم و تیتویسم و ایسم‌های دیگر که اصول مارکسیسم و کمونیسم را قبول داشته‌اند در جای خودشان درست بوده‌اند ولی ما امروز خودمان سعی می‌کنیم بر اساس اصول مارکسیسم روایت و مکتب خاص خودمان را برای جامعه خودمان و زمان خودمان بوجود بیاوریم. در هر صورت منظور این است که کمونیست‌ها باید پایبند اصول مارکسیسم باشند، از مکاتب مختلف مارکسیستی تجربه بگیرند بدون اینکه یکی از آنها را صد در صد راهنمای خود قرار دهند. مثلاً این روزها باید این درس‌ها را به کار ببرند که همه‌جا خود را صریحاً «کمونیست» بخوانند و در مورد خودشان از بکار بردن اصطلاحاتی مثل «سوسیال دموکرات» یا اصطلاح گنگ و بی‌در و پیکر «چپ» که این روزها بین ما مد شده، خودداری کنند. شما بهتر از من می‌دانید که وقتی در حزب سوسیال‌دموکرات روسیه انشعاب شد اصرار داشت که حزبی که تشکیل می‌شود حتماً اسمش را بگذارند «کمونیست».

به هر حال این روزها، همانطور که خودتان می‌بینید، خیلی شلوغ شده و صفوف سیاسی و عقیدتی هم بدجوری درهم ریخته است، و آنها که واقعاً کمونیست هستند باید صریحاً تکلیف خودشان را با این عنوان روشن کنند بدون اینکه استخوان لای زخم بگذارند. الان سالیانست که اجتماعات و سمینارهایی تشکیل می‌شود که تکلیف «چپ» را روشن کنند. از جمله همین کاری که شما دارید می‌کنید، ولی تا حالا این تلاش‌ها به جایی نرسیده است. البته این ناکامی‌ها دلایل مختلفی می‌تواند داشته باشد ولی اساس این است که مرزهای تعریف چپ روشن نیست، بعد هم این جلسات و سمینارها خیلی بی‌در و پیکر است و هر کسی به عنوان چپ مجاز است در آنها شرکت کند، گذشته از اینها می‌خواهند پیش از آنکه تعریف چپ و افراد چپ شناخته شوند و مرزهای میان جریان‌های مختلف چپ روشن شود. یک «اتحاد چپ» تشکیل بدهند. اینچنین تدارک کار به طور قطع نتیجه‌ای جز شکست ندارد و تا تعریف چپ و حدود نفوذ جریان‌های مختلف چپ بوضوح و به طور کامل مشخص نشود، هیچ اتحاد چپ پایداری بوجود نخواهد آمد.

چپ از نظر من طیف وسیعی است که دو نهایت دارد و در میان این دو نهایت جریان‌های گوناگونی وجود دارند. طرف راست این طیف جریانی است که به نوعی سوسیال‌دموکراسی اعتقاد دارد. سوسیال‌دموکراسی هم در وهله اول به معنای اعتقاد به دموکراسی است، البته نه دموکراسی به معنی عامش.

در دموکراسی مورد نظر من البته اصولی از دموکراسی بورژوازی انقلابی وجود دارد. این دموکراسی در وهله اول دموکراسی واقعی است. دموکراسی کلمه نیست محتواست، و صرفاً به معنی احترام به نظر اکثریت و صرف اجرای آن و قبول قطعی آن از طرف اقلیت نیست. قبول رای عمومی یا اکثریت، بدون توجه به شرایطی که این رای در آن شکل گرفته، بی‌معنی است. مثلاً همین اخیراً در ایران ۷۰ میلیون رای به ریاست جمهوری خاتمی داده‌اند ولی واقعاً خاتمی نماینده آرای آزاد مردم ایران است؟ مردم در چه شرایطی به این آدم رای داده‌اند؟ حداکثر این است که بعضی‌ها می‌گویند مردم بین «بد» و «بدتر» بد را انتخاب کرده‌اند.

در هر صورت منظور از دموکراسی واقعی این است که مردم در انتخاب خود گرفتار هیچ محدودیتی نباشند و زیر پاسخ نوع فشار اجتماعی - اقتصادی و سیاسی قرار نگیرند. اگر مردم آرایشان را در چنین شرایطی ابراز کردند می‌شود گفت که این آرای واقعی مردم است. در مرحله دوم معنی نظام دموکراتیک این است که در آن مناسبات اجتماعی در جهت منافع توده‌های مردم سرنگونی شده باشد، یعنی قدرتی که هست و دولتی که بر سر کار است منافع زحمتکشان را بر منافع غیرزحمتکشان ترجیح بدهد در عین حال از چنان ظرفیت‌هایی برخوردار باشد که در این راه جلو برود. سوسیال‌دموکرات به این معنی طبعاً یکی از ارکان چپ است و می‌تواند در طیف وسیع چپ قرار بگیرد.

در این طیف چپ بعضی‌ها مسأله ایدئولوژی را مطرح می‌کنند و مثلاً می‌گویند دولت ایدئولوژیک چیز بی‌معنایی است، بعضی‌ها هم می‌گویند اصولاً حزب ایدئولوژیک یک چیز بی‌معنایی است و یا سوسیال‌دموکراسی نمی‌تواند، اینها هم همگی جزء مقله‌های مختلفی هستند که مجموعه «چپ» را تشکیل می‌دهند. این نظریات طبعاً انعکاس‌هایی در موضع‌گیری‌های سیاسی آنها خواهد داشت. البته به نظر من صرف موضع‌گیری‌های سیاسی موردی نمی‌تواند روشن‌کننده همه چیز باشد چون ممکن است در یک موردی یک حزب کمونیست صد در صد آگاه هم یک موضع‌گیری سیاسی اشتباه‌آمیزی بکند ولی یک حزب سوسیال دموکرات یا دموکرات و یا حتی لیبرال موضع‌گیری سیاسی در همان مورد درست‌تر از آن حزب کمونیست باشد. یا نه، یک حزب سوسیال‌دموکرات محافظه‌کار در یک موردی یک شعار انقلابی تند بدهد و حال آنکه در همان مورد یک حزب کمونیست رادیکال نظر معتدل‌تر و حتی محافظه‌کارانه‌ای داشته باشد. آیا در چنین مواردی می‌توان یک کلام قاطع صادر کرد که آن حزب سوسیال‌دموکرات در تمام موارد صحیح‌تر و درست‌تر از آن حزب کمونیست آگاه‌تر و هوشمندتر است و یا از آن انقلابی‌تر و چپ‌تر است؟ مسلماً

پیدا می‌کند و به این معنی فکر نمی‌کنم این دموکرات‌ها و سوسیال‌دموکرات‌ها طرفدار مالکیت اجتماعی افزایش‌دهنده تولید، چه بزرگ و چه متوسط باشند، در حالیکه در سوسیالیسم مالکیت اجتماعی ابزارهای تولید بزرگ و متوسط باید در اختیار ارگان‌های قدرت اجتماعی باشد، و البته منظورم از قدرت یک دولت یا دستگاه بوروکراتیک نیست بلکه قدرتی است که مستقیماً و به طور دائمی از طرف توده‌های زحمتکش کنترل می‌شود و برحسب ضرورت تحول می‌پذیرد.

□ مومنی: من برخی از اسناد سوسیال‌دموکرات‌ها را مطالعه می‌کنم آنها چنین چیزی را می‌نویسند در مورد اجتماعی کردن مالکیت...

■ مومنی: شاید در گذشته... □ پیروز: نه، حزب سوسیال‌دموکرات سوئد چند سال پیش برنامه‌ای با همین مضمون داشت.

□ مومنی: شما خودتان سوسیالیسم را با تجاربی که بعد از مارکس تاکنون وجود دارد، یک نظام می‌شناسید، یا یک پروسه گذار برای یک نظام کمونیستی است؟ با گفتن اینکه سوسیالیسم نظام است باید مختصات جداگانه‌ای از نظام کمونیستی ارائه دهیم ولی اگر بگوییم سوسیالیسم یک پروسه است برای گذار به کمونیسم، طبیعتاً دیگر همه مختصات عمومی آن نظامی که کمونیسم نامیده می‌شود را نخواهد داشت بلکه یک مرحله‌ای خواهد بود برای گذار به کمونیسم. آیا ما می‌توانیم کمونیست باشیم، مالکیت اجتماعی را قبول داشته باشیم، به هسته اصلی این جامعه‌ای که اجتماعی کردن مالکیت است، اعتقاد داشته باشیم ولی تفسیرهای گوناگونی از چگونگی تحقق آن داشته باشیم، یا به زبان دیگر تفسیرهای مختلفی از سوسیالیسم داشته باشیم. اینها به نظر تان چیه...

■ مومنی: من سوسیالیسم را به عنوان یک نظام می‌شناسم که همانطوری که گفته شده، مرحله گذار به کمونیسم هم هست، یعنی در رشد خودش به کمونیسم منجر می‌شود ولی به هر حال سوسیالیسم خودش یک نظامی است که باید مراحل را طی بکند تا به پیش برسیم.

□ مومنی: یعنی خود سوسیالیسم یک نظامی است که مراحلی دارد که باید پیش برسیم.

■ مومنی: نه، منظورم این است که سوسیالیسم یک نظامی است با یک اصول معین که اساس آن همان مالکیت اجتماعی ابزارهای بزرگ تولید است، که آزادی‌های دموکراتیک اجتماعی از نظر سیاسی - اجتماعی در آن وجود دارد ولی در ایران ما، یا در شرایط کشورهای دیگری که مشابه ما هستند، مراحل را باید طی کرد تا به سوسیالیسم مورد نظر رسید. برای مثال وقتی من می‌گویم طرفدار استقرار یک نظام سوسیالیستی در جامعه ایران هستم معنایش این نیست که فردای روزی که قدرت حاکم موجود سقوط کرد یک نظامی بیاید، یک قدرتی بیاید که همان نظام کامل سوسیالیستی را با همان مشخصاتی که ما می‌فهمیم مستقر کند. منظورم از اینکه پیش برسیم این بود نه اینکه بلافاصله پس از سقوط حکومت سرمایه‌داری شما سوسیالیسم را، یک دولت و یک نظام قدرت در دست سوسیالیستی را برقرار کنید. بعد از گرفتن قدرت باید مراحل طولانی را طی کنید تا به سوسیالیسم برسید. به نظر من خیلی طبیعی است که وقتی یک قدرت سوسیالیستی، یک حزب سوسیالیستی، یا یک جبهه سوسیالیستی قدرتی را در دست می‌گیرد یک مدتی طول می‌کشد تا بتواند تمام اصول نظام سوسیالیستی را تحقق بدهد.

به هر حال منظور من چیز دیگری بود. منظور من این است که الان در فردای یک تحول انقلابی در جامعه ایران یا یک انقلاب، اگر انقلابی بشود، این نیست که بلافاصله، یک نظام سوسیالیستی را برقرار کنیم یا می‌توانیم برقرار کنیم. مرحله مقدماتی نظامی سوسیالیستی در ایران یا در اجتماعات مشابه به نظر من یک نظام دموکراتیک توده‌ای می‌تواند باشد. توده‌ای به معنای اینکه طبقات متوسط در آن جامعه وجود دارند. خوب، وقتی طبقات متوسط در قدرت هستند طبعاً مناسبات اقتصادی - اجتماعی مربوط به طبقه متوسط هم در آن جامعه حاکم خواهد بود. ولی البته این نظام دموکراتیک توده‌ای وقتی می‌تواند به نظام سوسیالیستی تکامل پیدا بکند که طبقه کارگر در رهبری دست بالا پیدا کند و الا این نظر وجود دارد که نظام سرمایه‌داری و استثمار کلان دوباره برگردد و طبقه کارگر و زحمتکشان تمام یا قسمت‌هایی از امتیازات و امکاناتی را که بدست آورده‌اند از دست بدهند. در اینجا است که مسئله ظرفیت دموکرات‌ها و سوسیال‌دموکرات‌هایی که در قدرت حضور دارند نقش بازی می‌کند، خیلی از اینها آندرد محافظه‌کارند که نمی‌خواهند و پیدا کنند و حتی ممکن است که بخواهند پس از سرنگونی سوسیالیسم بزرگ، براساس ذات خودشان، عقب‌نشینی‌هایی هم بکنند. طبعاً کمونیست‌ها، که می‌خواهند جامعه را به سمت سوسیالیسم پیش ببرند با این عناصر محافظه‌کار درگیر خواهند شد. حتی پس از استقرار و پس از رشد نظام سوسیالیستی به یک مرحله معینی رادیکال‌ترین سوسیالیست‌ها هم کم کم به عوامل بازدارنده تبدیل می‌شوند و بطور طبیعی مانع رشد سوسیالیسم به سمت کمونیسم می‌شوند و طبعاً در جریان رشد و تکامل جامعه بسیاری از این نیروها تضعیف می‌شوند و از قدرت کنار گذاشته می‌شوند.

□ پیروز: مالکیت اجتماعی از نظر شما به چه مفهومی است؟ به همان مفهومی که در اتحاد شوروی و دیگر کشورها بوده یا درک دیگری از اجتماعی‌شدن ابزار تولید دارید؟ یعنی اینکه اقتصاد تماماً دست دولت است؟ یا شکل دیگری که الان مهمترین بحث هم هست؟

■ مومنی: در تجربه شوروی من از قدیم که مطالعه می‌کردم و تا مطلب به نظر می‌آمد که در شوروی مشکل ایجاد کرده بود. البته همین‌جا بگویم که من مطالعه خاصی روی شوروی نداشته‌ام و ندارم و کارشناس امور شوروی نیستم، اینها را هم که می‌گویم در واقع بیشتر در ارتباطات یا دولت ایران و از این طریق آموخته‌ام. البته این درباره دید

ادامه در صفحه ۱۱

# گفتگو با بابک امیر خسروی پیرامون «سیمای امروزی چپ»

بخش پایانی

□ بهروز خلیق: پس برنامه شما، برنامه‌ای که می‌گوئید، چه تفاوتی فرضاً با برنامه قشر متوسط دارد؟

□ بابک امیر خسروی: در برنامه و بویژه عملکرد مشخص ما در پیکار برای عدالت اجتماعی، در میاوره با هرگونه بی‌عدالتی و تبعیض، در درک ما از آزادی و مردمسالاری، در دفاع از محیط زیست، در پیکار برای برابری زن و مرد و در سایر زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی دیگر منعکس و قابل لمس است.

□ بهروز: بالاخره در هر برنامه‌ای که داده می‌شود مسئله سنگتگیری طبقاتی مطرح است. در مورد توسعه همین مسئله مطرح است. می‌بینم برنامه توسعه‌ای که رفسنجانی پیش برده است چه شکاف طبقاتی عمیق در جامعه ما بوجود آورده است. در حالیکه چپ برنامه توسعه دیگری را ارائه می‌دهد. □ بابک: بله دیگر! این است تفاوت ما با دیگران. من قبلاً گفتم، فزونی چپ در این است که بتواند این چند بُعد را در آن واحد پیش ببرد. یعنی هم توسعه و رشد را در نظر بگیرد، هم تولید ثروت را و هم عدالت اجتماعی را. طبیعی است که هر کدام از این مؤلفه‌ها را مطلق کنی بقیه کند خواهد شد. ما باید، مجموعه را در هماهنگی طوری پیش ببریم که هم ثروت به اندازه لازم تولید شود، هم رشد در جامعه با آهنگ پیش برود و هم عدالت اجتماعی رعایت. ما نمی‌توانیم بگوئیم که فعلاً بگذار مردم پدرشان دریابند، برای اینکه از نظر رشد و توسعه به حدی برسیم، بعد ثروت که فراوان شد، یک گوشه‌اش هم به زحمتکشان خواهد رسید؛ نه، ما برای این پیکار خواهیم کرد که هیچ برنامه‌ای طوری تدوین نشود که در آن موضوع عدالت اجتماعی در حاشیه قرار بگیرد. منتهی موضوع عدالت اجتماعی می‌باید نه آنچنان عمده بشود که جلوی رشد و توسعه را بگیرد و نه به خاطر رشد مسئله عدالت اجتماعی قربانی گردد. برنامه ما باید انسان را در محور برنامه‌گذاری و سیاست‌گذاری خود قرار بدهد. ما نمی‌توانیم برنامه‌ای را تدوین کنیم که به روال «سوسیالیسم واقعاً موجود» عمل کند. که در آن سوسیالیسم هدف بود و انسان وسیله دستیابی به آن؛ پدر انسان برای رسیدن به یک هدف دست نیافتنی سوسیالیسم در می‌آمد. حال آنکه سیاست واقعی چپ، وقتی سیاست چپ است که انسان آن جامعه را بطور واقعی و روزمره در رأس ملاحظاتی خودش قرار بدهد و آن انسان در درجه اول همان محرومان این جامعه هستند که پیش از همه زجر می‌کشند. چه چوری ما می‌توانیم یک سیاست اقتصادی داشته باشیم که بی‌توجه به کسانی باشد که قصد و انگیزه ما خدمت به آنهاست!

□ بهروز: این توازن چقدر واقعی هست. چقدر امکانپذیر است. چه نمونه‌هایی داریم که ما بگوئیم توازنی بوجود آوردیم که در آن هم منافع ملی و هم منافع طبقات تأمین شده است؟

□ بابک: همه اینها نسبی است. مثلاً در اروپا کشورهای اسکاندیناوی در می‌توان نمونه آورد که پیشرفته‌ترند، انریش هست، بینهید، کشورهای هشتاد که نسبتاً در این زمینه‌ها موفقیت‌های مهمی داشته‌اند و کم نیستند. من نمی‌خواهم بگویم که نمونه‌ای وجود دارد که آرمانشهر ماست. ما برای جامعه خودمان نگرهائی داریم و باید کوشش بکنیم بدون اینکه حتماً یک نمونه‌ای بیابیم و الگوسازی کنیم، طرح و اندیشه‌های خود را در ایران پیاده کنیم. با این حال می‌توان به برخی از کشورهای اسکاندیناوی اشاره کرد که نمونه نسبتاً موفقی از تفکر سوسیال‌دمکراتیک است. این کشورها، بدون اینکه «سوسیالیسم» بسازند، خیلی دستاوردهای اجتماعی داشته‌اند. کشور سوئد ثروت طبیعی چندانی ندارد. همه این پیشرفت‌ها و ثروت‌ها انباشته‌شده در سایه‌کار و تلاش مردم بدست آمده است. ایران اینهمه ثروت طبیعی و امکانات دارد. اگر واقعاً یک سیستم درست و حسابی در کار باشد، یک دولت واقعی و مردمی سرکار باشد، چقدر می‌توان در این ملک ثروت تولید کرد و رفاه و آسایش این ملت را فراهم نمود! من واقعاً هیچ اشکال خاصی نمی‌بینم و لزومی هم ندارد که ما حتماً باز دنبال الگوهای بگردیم تا بگوئیم: این است الگوی ما! چون مرا مجبور کردی، من سوئد را مثال آوردم والا نیازی به این کار نمی‌بینم.

□ بهروز خلیق: منظور من این است که این توازن چقدر واقعی است. یعنی توازنی که بتواند هم منافع ملی، هم رشد و هم عدالت اجتماعی را تأمین بکند؟

□ بابک: نسبی است دیگر، همه چیز نسبی است. یعنی اینجوری نیست که برای عدالت اجتماعی یک تعریف حصارشده و بسته‌ای بدهیم، که وقتی به آن رسیدیم، تصور کنیم کار تمام است. مجید نکته‌ای اوایل صحبتش گفت که تقاضاها باز بیشتر می‌شود. یعنی تو امروز مثلاً در ایران یک خواسته‌هایی داری می‌گوئی فقر مطلق این است. اما به مجرد اینکه توفیق یافتی و آن مرحله فقر را از میان برداشتی، آنوقت همان آدم‌ها تقاضاهای دیگری را مطرح می‌سازند، حق هم دارند.

□ مجید عبدالرحیم‌پور: رفیق بابک، شما با این نظریاتی که ارائه کردید، می‌توانم نتیجه بگیرم که کلاً مقوله‌ای به نام مالکیت اجتماعی را گذاشتید کنار. شما واقف هستید که در نظام سرمایه‌داری، تولید، یک امر اجتماعی است ولی سرمایه و ثروت حاصل از نیروی کار (فکری و بدی) تولیدکنندگان که اکثریت جامعه را تشکیل می‌دهند، به صاحبان سرمایه که اقلیت جامعه هستند، تعلق می‌گیرد. این عاقلانه و عادلانه و انسان‌دوستانه نیست که ثروت و سرمایه همگانی، به مالکیت صاحبان سرمایه درآید و در خدمت سود و سود و باز هم سود بیشتر برای آنها قرار گیرد. عاقلانه و عادلانه و انسان‌دوستانه این است که ثروت و سرمایه همگانی، به مالکیت همگان درآید و در خدمت تندرستی و زندگی آزاد و مرفه و شاداب و صلح‌آمیز همه انسان‌ها قرار گیرد. این اندیشه و اخلاق و روش برخورد با انسان و ثروت و سرمایه موجود در جوامع بشری، راهنمای نیروهای چپ

طرفدار سوسیالیسم است. آیا اینها راهنمای شما نیست؟ شما اگر اینها را حذف کنید، کدام اندیشه و روش جدیدی را بعنوان اندیشه و روش راهنمای خود ارائه می‌کنید؟ عدالت اجتماعی را؟ عدالت اجتماعی، یک واژه کلی و مبهم است. پادشاهان و سرمایه‌داران نیز خواهان عدالت هستند. صاحبان سرمایه، تصاحب ثروت و سرمایه جامعه را، عین عدالت و حق خود می‌دانند. ما این را عین بی‌عدالتی و ظلم می‌دانیم و می‌گوئیم ثروت و سرمایه و امکانات جامعه باید در اختیار جامعه و در خدمت همه افراد جامعه قرار گیرد. ما عدالت اجتماعی را با چنین درک و در چنین مسیری پی می‌گیریم. در زمینه آزادی استثمار نیز همینطور است. سرمایه‌داری می‌خواهد، انسان‌ها را آزادانه مورد بهره‌کشی قرار دهد. ما می‌گوئیم، بهره‌کشی از انسان‌ها، آنها در عصر علم و خورد و انفورماتیک، عصر تولید انبوه، عصر وفور کالا و ثروت‌های غول‌آسا، نه عاقلانه است، نه آزادخواهانه، نه صلح‌جویانه و نه انسان‌دوستانه. انسان‌ها باید و می‌توانند از قید و بندهای سرمایه‌داری رها شوند و بطور آزادانه محصول کار و تلاش خود را مورد استفاده قرار دهند. آزادی استثمار و بهره‌کشی از انسان‌ها جزو مقدرات نیست. کسانی که در بیان‌های فکری خود استثمار و آزادی استثمار و تصاحب محصول نیروی کار استثمارشوندگان توسط استثمارکنندگان را امری چاره‌ناپذیر می‌دانند، نمی‌توانند مبارزان پیگیر راه آزادی انسان‌ها از قید و بند و ستم سرمایه‌داری باشند. در زمینه محیط زیست هم همینطوری است. ما خودمان را مدافع حفظ محیط زیست می‌دانیم. حفظ محیط زیست مثل آزادی و دمکراسی و عدالت اجتماعی و مالکیت اجتماعی یک ارزش است. ما می‌خواهیم در کشور ما و دیگر کشورهای جهان، محیط زیست تخریب نشود. در حالیکه سرمایه‌داری برای اینکه سود و سود بیشتر بدست آورد تا به حیات و گردش خود ادامه دهد، طبیعت و محیط زیست انسان را تخریب می‌کند. ما می‌گوئیم تا زمانی که تولید بخاطر سود و سود بیشتر است، طبیعت و محیط زیست انسان تخریب خواهد شد. تخریب طبیعت و محیط زیست در ذات سودجویانه سیستم تولیدی سرمایه‌داری است. ما با تخریب طبیعت و محیط زیست بخاطر سود و سود بیشتر مخالفیم. ما می‌گوئیم، تولید باید و می‌تواند برای تأمین زندگی سالم، آزاد و شاد انسان‌ها قرار گیرد نه برای تأمین سود بیشتر برای صاحبان سرمایه. ما این اندیشه و روش را نیز جزو اندیشه و روش راهنمای خود می‌دانیم. این مجموعه ارزش‌ها را وقتیکه جمع می‌زیدیم، یک سیستم پیدا می‌کنید، یک سیستم شوریک پیدا می‌کنید. شما نمی‌توانید از این گریز بکنید و بگوئید من پرگاماتیستی می‌خواهم برخورد بکنم. پس راهنمای اندیشه من یک سیستم است، در برابر یک سیستمی که عملاً خارج از ما در این جهان وجود دارد. پس ما با دو سیستم مواجه می‌شویم. شما این را قبول دارید؟

□ بابک: معلومه من قبول دارم، ولی از این چه نتیجه می‌گیرید؟ صحبت در آن نتیجه‌گیری است. درک من از عدالت اجتماعی عبارت از این است که از محرومان جامعه بیشتر از سایرین باید حمایت کرد، ثروت را باید عادلانه توزیع کرد، اختلاف طبقاتی را هرچه بیشتر کاهش داد. من این نکات را به تفصیل در سلسله مقاله‌هایم تریخ داده‌ام. این سیاست خوشایند عده‌ای نخواهد بود. این بحث ما نیست. بحث اگر هست در جای دیگر است. از صحبت تو، چنین برمی‌آید که این مسایل حل نمی‌شود مگر اینکه مالکیت جمعی بر وسایل تولید برقرار شود. یعنی سلب مالکیت خصوصی بر وسایل تولید و بقیه داستان که در آغاز صحبت‌مان به آن پرداختیم. من با این برداشت و شرط گذاری و نتیجه‌گیری است که موافق نیستم. من معتقدم که اولاً...

□ مجید: یعنی شما معتقد هستید که مالکیت همچنان می‌تواند خصوصی بماند تا ابد...

□ بابک: نمی‌گویم تا ابد. این استمرار ابدی نظام سرمایه‌داری را از من هیچوقت نشنیده‌ای. قبلاً به این موضوع و تحول و تغییر جامعه سرمایه‌داری اشاره کردم.

□ مجید: بالاخره بایستی یک چشم‌اندازی... □ بابک: من هیچوقت راه حلی که برای ابد و حتی آینده‌ای که نسبتاً دور باشد ندارم. چون این نوع برخورد را اصلاً علمی نمی‌دانم.

□ بابک: حالا نه اینکه تا ابد، برای...

□ مجید: اینجوری بگم، آیا شما فکر می‌کنید، می‌شود نظام سرمایه‌داری که مبتنی بر سود و استثمار هست، وجود داشته باشد، ولی عدالت اجتماعی و عدالت اقتصادی هم تأمین شود، بگونه‌ای که جامعه از نظر حقوق اجتماعی و امکانات اجتماعی و اقتصادی در برابر زندگی بکند؟ این مسئله مرکزی است. ببینید عده‌ای می‌گویند در ذات جامعه بشری برابری وجود ندارد. می‌گویند این وضع همینه که هست، این وضع خوب و خویرت خواهد شد. دیگه از چشم‌انداز و اندیشه راهنما، صحبت نمی‌کنند. می‌گویند همین نظام موجود را باید آرام آرام بهتر بکنیم. ولی من نظر شما را نمی‌دونم. شما از یک طرف می‌گوئید که جامعه مطلوب می‌خواهید، از طرف دیگر می‌گوئید برای یکی دو نسل آینده چشم‌انداز و آلترناتیو دیگری جز همین نظام سرمایه‌داری نیست. بحث ما تئوریک است.

□ بابک: نه، بحث تو تئوریک بحث من نیست، من نه

برای خودم این رسالت را قائلم که برای آلمان تعیین تکلیف بکنم، و نه برای انگلستان، آمریکا، نمی‌دانم سوئد، روسیه و ... من اگر بتوانم انتظاراتی که مردم ایران دارند به آن پاسخ بدهم و از عهده این کار بر بیایم، خیلی برای خودم کار کرده‌ام. من برای ایران فکر می‌کنم، برای مردم آن جامعه در چاره‌اندیشی هستم. حتی توی این فرانسه که زندگی می‌کنم معضلات این مسئله من نیست. یعنی اصلاً وقت صرف نمی‌کنم که ببینم مسایل جامعه فرانسه را چگونه می‌توان حل کرد. مسایل جامعه اینجا را آدم‌های حسابی، گردن‌کلفت‌تر از من بررسی می‌کنند و در جستجوی راه برون‌رفت هستند. البته من ناظر کار آنها هستم، اما تنها با این انگیزه که شاید بهره‌ای برای ایران بجوم.

□ مجید: بنابراین ما نمی‌توانیم سر این موضوع بحث بکنیم که هویت ما چیست؟ چون ما چپ را صرفاً مسئله ملی نمی‌دانیم. یک نهضت جهانی است که در ایران وجود دارد، در آلمان وجود دارد، در فرانسه وجود دارد...

□ بابک: برای اینکه خیالت راحت بشود، می‌گویم: من راجع به هر چه که ذکر می‌کنم، هر حرفی می‌زنم، فقط برای ایران. یعنی اگر از تجربیات دیگران هم استفاده می‌کنم، صرفاً برای این است که این تجربیاتی که از دیگران می‌گیرم، چطور می‌تواند در ایران کمکی به خواسته‌های ما بکند.

□ مجید: این فکر شما، چیز تازه‌ای برای ما نیست. من همه کتاب‌هایی که می‌خوانم و تا الان خوانده‌ام، از نئین بگیر تا مارکس و انگلس و... همه فکرها می‌کنم برای این است چگونه می‌توانم در ایران و برای مردم ایران زندگی سالم و آزاد و شاداب داشته باشم.

□ بابک: تو میگی ما تئوری را برای چپ جهان در نظر می‌گیریم، بنده صادقانه می‌گویم که تئوری را برای چپ ایران و برای ایران می‌خواهم...

□ مجید: این حرف را همینطوری می‌زید، شما آن زمان هم که توده‌ای بودید، همه این کارها را بخاطر این می‌کردید که در ایران سوسیالیسم بسازید، شما که نمی‌خواستید مثلاً در آفریقا سوسیالیسم بسازید.

□ بابک: بدبختانه از دوره‌ای که ما نیستیم شدید، اصلاً اینجوری فکر نکردیم. اصلاً اینطوری عمل نکردیم.

□ مجید: پس می‌خواستید در ایران چکار کنید؟ □ بابک: متأسفانه در دوره طولانی مشی سیاسی رهبری حزب و سکاتداران اصلی آن در هر اقدام و هر کاری این بود که چقدر بطن شوروی تمام خواهد شد، شوروی را هم می‌گفتیم مرکز پرولتاریای جهان است. نهاد صلح و سوسیالیسم، ما این بود که اگر او موفق بشود ما هم پیروزیم. لذا الویت دارد. واقعیت تلخ اینست. واقعیت تلخ من نمی‌خواهم بگویم همه ما توگر بودیم، بلکه این بیشتر، پیامد ایدئولوژی بود. برای اینکه ما فکر می‌کردیم که سوسیالیسم یک سیستم جهانیه، مرکز هم اتحاد شورویه، اتحاد شوروی اگر موفق بشود، ما هم موفق خواهیم شد. وجداناً بگویم، شخصاً اینجوری فکر نمی‌کردم. من همین دلیل هم اصطکاک با دیگران داشتم، ولی کل سیستم فکری ما، رهبران درجه اول ما، که حزب را اداره می‌کردند، بویژه در دوران مهاجرت در این جهت بود که در رویدادهای مهم، کاری نکنند و قدمی برندارند که مغایر با منافع و سیاست «جهیه صلح و سوسیالیسم» یعنی اتحاد شورویه، باشد و یا مورد مخالفت آنها قرار نگیرد. اگر این خاستگاه فکری ما بود که بود، تو چطور این حرف را می‌زنی، توی لنینیست دیروز؟ که می‌گفتی منافع سوسیالیسم جهانی الویت دارد بر منافع ملی، مصالح بین‌المللی الویت دارد بر مصالح ملی!

□ مجید: اینها تماماً تفسیر هستند. □ بابک: نه، نه، تفسیر نیست. □ مجید: کمونیست‌های جهان در کشورهای خودشان می‌خواستند سوسیالیسم بوجود بیاورند. ما در کشور خودمان سوسیالیسم می‌خواستیم بوجود بیاوریم، ما اون را به نفع پرولتاریای جهان می‌دونستیم...

□ بابک: ایدئولوژی کمونیستی در تمام دنیا، بر این مبتنی بود که منافع سوسیالیسم جهانی الویت دارد، این یکی از تزه‌ای مهم لنین در مسأله ملی است. این ایدئولوژی را در ما کاشته بودند برای اینکه ما را بصورت یک ابزار درآورند، ما با بازی می‌کردند و فقط حوض کوچولونی در اختیار ما گذاشته بودند. اصلاً چرا حزب توده رفت دنبال آیت‌الله خمینی؟ یک مقدار، بخاطر این بود که او را سوق بدهند به ضد امپریالیسم و آمریکا بدین خیال که جمهوری اسلامی در آن دنیای دو قطبی راه دیگری جز افتادن در جبهه اتحاد شوروی نداشته باشد. برای چه اینهمه ما در کوره ضد امپریالیستی، ضد آمریکائی می‌دیدیم، مسئله آمریکا در اوایل انقلاب بطور جدی و واقعی وجود نداشت که ما اینهمه آتش ضدامپریالیستی را داغ می‌کردیم.

□ مجید: یعنی الان سوسیالیسم جهانی وجود ندارد که حزب توده بخواهد در ایران از آن سوسیالیسم جهانی واقعاً موجود دفاع بکند.

□ بابک: خوب این از سوویات گذشته است، ولی آن روزی که ما رفتیم اینهمه سینه چاک زدیم برای خمینی برای چی بود؟ وجه عده‌اش برای همین بود. می‌گفتم جهان دو قطبی است یک قطبش شوروی بود و قطب دیگرش آمریکا. ما در جبهه سوسیالیسم بودیم، این تفکر، ایدئولوژی غالب ما بود. چرا اینها رفتند جاسوسی کردند؟ جاسوس که نبودند. ایدئولوژی بود که ما را به آن فاجعه کشاند، فکر می‌کردند که دارند به اتحاد شوروی خدمت می‌کنند. تمام دستگاه حزب را

کیانوری برد در خدمت ک. گ. ب. برای چی؟ همه‌اش که نوکری نبود، یک مقدارش هم ایدئولوژی بود. رفقای هم که به این کارها تن دادند، فکر می‌کردند دارند برای جبهه صلح و سوسیالیسم کار می‌کنند ولی آدم با عقل متعارف و متعادل که این کار را نمی‌کند. لذا من امروز با اعتقاد بیشتر از گذشته، بر این فکر استوارم که ما می‌باید تمام نیروی خود را متمرکز کنیم که به این جامعه خدمت بکنیم. برای مسایل جامعه ایران راه حل بجوییم. اصلاً به من چه که حالا توی آلمان چپ چه راه و روشی دارد. چپ بین‌المللی یعنی چه؟ کجای چپ یک پدیده بین‌المللی است؟ چپ هر جا هست، یک نیروی ملی است.

□ مجید: اصلاً به آلمان ربطی ندارد. □ بابک: عزیز من کجای چپ بین‌المللی است؟ آخر من می‌خوام بدانم چرا چپ بین‌المللی است؟ من معتقد نیستم که تفکر چپ در سوئد، آمریکا، هندوستان، ایران یکجوره، بنده اعتقاد به این ندارم، یعنی این چیزی که بین‌المللی می‌گفتیم، طبقه کارگر یک پدیده بین‌المللیه، سرمایه‌دار یک چیز بین‌المللی است، من به اینها اعتقاد ندارم. همبستگی جهانی کارگران وجود خارجی ندارد، فقط حرف است...

□ مجید: شما اینها را هم تجریدی می‌دانید. □ بابک: بله، من اصلاً بین منافع طبقه کارگر ایران، آمریکا، آلمان، هندوستان، اصلاً هیچگونه همسوئی و همبندی و همبستگی نمی‌بینم. در همین فرانسه، رانندگان کامیون اعتصاب کرده بودند، کامیونداران بلژیک و انگلستان و اسپانیا و ایتالیا، به اعتصابی‌ها بد و بیراه می‌گفتند و آه و ناله داشتند که این چه وضعی است بر سر ما آوردید. کامیونداران اهل یک حرفه و یک صنف‌اند. خیلی پدیده جالب بود. این پدیده نشان می‌داد که این مسایلی که ما همینجور بطور انتزاعی مطرح می‌کنیم در واقعیت چقدر متناقضه. حتی همبستگی بین کشورهای همجوار در یک صنف وجود ندارد، مردم فرانسه با این کامیونداران بیشتر همبستگی داشتند، تا کارگران اسپانیا و بلژیک و انگلستان.

من اصلاً اینجوری، اعتقاد ندارم. این مقوله‌ها و بحث‌ها را برای دنیای بزرگ کنونی واقعا یک اتوبی می‌دانم. ما بپیورده اینها را هنوز هم در کله‌مان حفظ کرده‌ایم. بیشتر اثرات نیروی عادت است. البته شاید در گذشته معنا و جا و مقامی داشت. در زمان مارکس و در بحث او «جهان متدین» به همین اروپا، آنها بخشی از آن محدود بود و تقریباً چند کشور را در بر می‌گرفت. شعار «پرولتاریای جهان متحد شوید» با تصور آنروزی مارکس از انقلاب هم‌زمان جهانی در پیوند بود. تشکیل اینترناسیونال کمونیستی و حزب واحد جهانی با همین نیت بود. این حرف‌ها برای آن ایام تا حدی معنی داشت و در یک سیستم قرار می‌گرفت. اما برای جهان بسیار گسترده کنونی با اینهمه تنوع و تفاوت‌ها نمی‌شود حرف‌های متداول یک قرن، یک قرن و نیم گذشته را تکرار نمود. بنابراین، من حالا فکر و ذکر و دانشم، هر چه هست، در اختیار مردم ایران می‌گذارم. برای مسایل و مشکلات او جواب پیدا بکنم. من دنبال چیزهای انتزاعی نظیر چپ جهان نیستم، انگلستان برای خودش آدم دارد، دانشمند دارد، هزار جور متفکر دارد. فرانسه و آلمان متفکرین پرصلابتی دارند. اگر ما‌ها که چپ ایران هستیم، برای کشور خود بتوانیم راه حلی ارائه دهیم که مشکل‌گشا و رونما باشد، کار خیلی بزرگی انجام داده‌ایم. اصلاً معتقد هم نیستم که مثلاً بین زحمتکشان آلمان و ایران یک همبستگی واقعی و عملی وجود دارد. اگر تناقض و رقابت نباشد، بیگمان همبستگی نیست. منافع ملی اینها با منافع ملی ما در تناقضه. چطور می‌تواند منافع کارگران آلمان با منافع کارگران ما یکی باشد. این حرف‌ها در آستراکسیون فقط معنی دارد. در یک عالم انتزاعی که گویا بورژواها همه با هم‌اند، نه بورژوازی همه با هم‌اند و نه طبقه کارگر. به نظر من اینها حرف‌هایی است که باید یکبار بشوئیم بگذاریم کنار. تا بتوانیم با مغز باز و آزاد فکر بکنیم. من خودم در این چارچوب دارم کار می‌کنم. من در زمان خود آثار زیادی از مارکس را به دقت خوانده‌ام، انگلس را خوانده‌ام، لنین را بیش از هر دو مطالعه کرده‌ام، مدرسه عالی حزب را در مسکو گذرانده‌ام، تمام عمر هم بچه کتابخوانی بودم. لذا تا حدی با این مقوله‌ها آشنا هستم. اینطوری نیست که برابیم بیگانه‌اند. خیلی هم راحت می‌توانم نقل قول بیاورم. ولی به چه درد می‌خورد؟ وقتی که در ذهن تو هست، این است که فکر نیست، ببین آن چیزی که در ذهن تو هست، این است که فکر می‌کنی تا وقتی که این سرمایه‌داری آزش سلب مالکیت نشود، و مالکیت جمعی بر وسایل تولید برقرار نشود آرمان‌های ما عملی نخواهد شد.

□ مجید: اصلاً من اینجوری نمی‌بینم... □ بابک: ما از صحبت تو این برداشت را کردم. لذا می‌گویم از این راه نیست که بقیه مسایل حل می‌شود. چون سلب مالکیت خصوصی را با یک آکت سیاسی می‌توان انجام داد. کودتائی، یک کاری بکنی و دولت را بدست بگیری. سرمایه‌دارها را هم از میان برداری. جمهوری اسلامی نمونه آموزنده‌ای است. زیرا بطور عمده، این سرمایه‌دار نیست که جامعه را اداره می‌کند، بلکه دولت و نهادهای دولتی است که همه چیز را در اختیار دارد. پس چرا اینهمه فقر و بدبختی داریم. پس اینها نیست، این موضوع نیست که حل می‌کنه. یک مسایل دیگری است. در رابطه با نقش دولت در مقاله‌ام منحصراً توضیح داده‌ام که دولت کارفرما نیست، کارش کارفرمائی نیست. دولت استثنائاً در بعضی بخش‌ها که تمام ملی است، مثل نفت و گاز و برق سرتاسری و نظایر آن، به کارفرمائی می‌پردازد نه بیشتر از آن. نه در هر کارخانه و مؤسسه. در پیکار در راه عدالت اجتماعی مسلماً دولت باید نقش داشته باشد. اما این نقش به این معنا نیست که کارفرما شود و همه امور را بدست بگیرد. بخش دولتی از نظر من خیلی محدود است. کار دولت بنظر من بیشتر ارشادی است. از طریق قانونگذاری و تدوین برنامه‌های عمرانی و توسعه بلندمدت و تنظیم سیستم مالیاتی و امثال آن. بقیه را باید گذاشت در اختیار ایالات و ولایات و بخش خصوصی. نقش دولت یک مقدار مافوق طبقاتی است. نقش او این است که به کل جامعه نگاه بکند، رشد کل جامعه را در نظر بگیرد و در عین حال عامل مهمی در برقراری عدالت اجتماعی است.

## تاروزی دیگر که عشق دوباره سبز بروید

با سلام،

سرانجام بعد از نه سال درد و حرمان و فشار کار و کمبودها و تحقیر و توهین از طرف دست‌اندرکاران حکومت ایران در زمینه‌های مختلف و نامنی، احساس کردم قبل از رسیدن به آخر خط کاری انجام دهم چرا که رسالت در مورد فرزندانم هنوز پایان نیافته، با دلی دردمند مجبور شدم دختر بزرگم را که با هزار خون دل بزرگ کردم در ایران تنها بگذارم و همراه دو دخترم کشور عزیزم را ترک کنم و به انگلستان بیایم. بی‌توجه به مقدار توانی که از من باقی مانده و اینکه آیا می‌توانم در این سن این‌همه فشار را تحمل کنم یا نه، علیرغم میل خود امروز اینجا هستم، ما مجبور هستیم همگی در خانه برادرم که فقط یک اتاق و آشپزخانه و حمام است زندگی کنیم و هر شب یک پتو روی زمین پهن می‌کنیم و پتویی هم روی خود می‌کشیم و برای اینکه سرما نخوریم یا جوراب و زاکت می‌خواهیم، با همه درد و حرمان و تحقیر با چه تلاشی در ایران با دنیایی امید بچه‌ها را به بهترین شکل ممکن تا به امروز رساندم ولی امروز چی؟ آتندر به من فشار است که می‌ترسم بسیرم! به بچه‌ها گاهی می‌گویم کاش در همان ایران خراب‌شده می‌ماندم و هر چه بسرم می‌آمد بهتر از این خفت و خواری است که از هر طرف می‌بینم باورکنید همسر عزیزم را یکبار اعدام کردند بعد از او با وضعی که برای من بوجود آمد بارها اعدام شده‌ام کاری را که حکومت اسلامی با ما کرد و اذیت و آزاری که در این چند سال شدیم نمی‌شود با هیچ چیز مقایسه کرد، وضع امروز

ما نیز دنباله همان زندگی است، عزیز کسی را با آن همه بی‌رحمی از او بگیرند و بعد فرزندان را بدون حق و حقوق در جامعه رها کنند و ای کاش فقط رها می‌کردند و کاری نداشتند. شاید توقع بی‌جایی است که ما از کشور انگلستان داریم، نمی‌دانم ولی برایم قابل درک نیست در یک کشور پیشرفته شرایط پناهندگان در این حد باشد. ای کاش کسی پیدا می‌شد و مشکل پناهندگان را بررسی می‌کرد و کنار اون همه مطالب رنگ و وارنگ در روزنامه‌های به چاپ می‌رساند شاید کسی به داد ما می‌رسید، جالب است که بابت اتاقی که ما فقط در آن وسایل خود را گذاشته‌ایم و یک شب هم در آنجا نبوده‌ایم روزی ۱۲ پوند بابت سوخت از هفتگی ما کم می‌شود، می‌گویند اگر کلید را پس بدهید دیگر نمی‌توانید مجدداً تقاضای جایی را از ما داشته باشید در وضع بسیار بدی قرار گرفته‌ایم به بوجی رسیده‌ایم و دچار بحران روحی شدیدی شده‌ام و فشار زیادی را متحمل هستم، بچه‌ها نمی‌توانند در این یک اتاق درس بخوانند و هر دو در منقطع حساس تحصیلی هستند ۱۵ و ۱۷ ساله هستند. ای کاش کسی پیدا می‌شد جایی برای سکونت به ما می‌داد هیچوقت خود را تا این حد ضعیف و تحقیر شده ندیدم و در هر شرایطی و نزد هرکسی و هر مشکلی سربلند می‌کردم و با همه اذیتی که می‌شدم از پس مشکلات قبلی به خوبی برمی‌آمدم و امروز نمی‌توانم خود را در این وضع تحمل کنم؛ هدف از نوشتن این نامه چیز دیگری بود، وقتی خسته و ناامید به خانه آمدیم، برادرم روزنامه کار

فایل آن را زیرش نوشت، یعنی شما در این مدت نه سال جمله‌ای و یا کلامی از آنها نداشتید که زیر عکس درج کنید؟! اگر نه، لاقال نام و نام خانوادگی آنها را می‌نوشتید. که وقتی بعضی از فرزندان آنها و یا دوستان و رفقای دیگر آن را دیدند احساس خوبی به آنها می‌نشست و به جای اینکه گودال گورستان خاوران یا آن همه درد یادآور ذهن شود و بی‌توجهی گروه‌های سیاسی نسبت به این فاجعه در آن زمان در خاطر بنشیند؛ به امید روزی که خون ریخته همه عزیزان زنده بماند، جوری در رگ‌های حقیقت، زمان را بشکند و سکوت و سکون رهاشده تاریخ را ثبت کند. به امید آن روز یاد همه شهیدان فاجعه ۶۷ را گرمی بداریم

مینا همسر تقی خان

این نوشته را به یاد عزیزم نوشتم تا به مناسبت نهمین سالگرد همسر با عکس در روزنامه اطلاعات در ایران در صفحه تسلیت چاپ کنم که با آمدنم به اینجا نشد و امروز برای شما می‌فرستم شاید قابل چاپ در روزنامه باشد. تقی عزیزم: گذران زندگی حضور دل‌های عشق‌آفرین درد را معنات. آنگاه که فشار زندگی و درد نبودن تو بندت وجودم را از هم می‌درد با حسرتی ناتمام مرور می‌کنم، مرور می‌کنم و آنگاه قدرتی می‌شوم که هر آنچه فشار را در هم می‌شکنم. تا روزی که زنده هستم ای زیباترین ترانه. دخترکانت را بر شانه‌هایم می‌نشانم و در دل بی‌رحم زندگی پروازشان می‌دهم و ستاره‌های عشق را شمارش‌گر تا روزی دیگر که همه عشق دوباره سبز بروید و پروانه روئیدن دوباره را باور کنید و همسرت مینا و گلنهایت سایه، زویا و سارا

### پاسخ به نامه‌ها

با ارائه و نوشتن یک بحث و مطلب مبتدل، مستند و یا تحلیلی تفاوت دارد. خواننده پیش از آنکه مایل باشد بداند که نویسنده چه موضوعی دارد مایل است بداند وی چه استدلال و شواهد و قرائنی را در مطلب خود ارائه می‌دهد و بر عکس یک بوئتن درونی، در نشریه‌ای مانند کار و برای گرداندگان آن پاسخگویی نیاز و تسامحات خواننده باید جایگاه ویژه‌ای داشته باشد. مقاله شما پیرامون مساله ملی دریافت شد و در نشریه درج خواهد شد. با تشکر از همکاری مستمر شما. دوست گرامی امید مقدم مقالات «تحریم انتخابات از سوی سازمان‌های سیاسی در دست بود» و «خانی کاپیتان را تعیین کرد ولی سرکشی همچنان در بند است» رسیدند. با تشکر فراوان از شما. نشریه کار دیگر مطلبی را که مستقیماً به موضوع انتخابات ریاست جمهوری پرداخته باشد درج نخواهد کرد. در این زمینه تاکنون

سازمان‌های سیاسی در دست بود» و «خانی کاپیتان را تعیین کرد ولی سرکشی همچنان در بند است» رسیدند. با تشکر فراوان از شما. نشریه کار دیگر مطلبی را که مستقیماً به موضوع انتخابات ریاست جمهوری پرداخته باشد درج نخواهد کرد. در این زمینه تاکنون

گسترش کاپیتالیسم بعد از جنگ جهانی دوم را ممکن ساختند، مرحله جدیدی آغاز گردید که در آن سرمایه در حال حاضر بدون هیچ مانعی سعی دارد تا توبی خود یعنی اداره جهان بر اساس منطق یک‌طرفه منافع اقتصادی‌اش را پیش برد. در اینجا دو هدف جدید استراتژیک نیروهای مسلط را می‌توان باز شناخت: تعمیق جهانی کردن اقتصاد و نابودی نیروی مقاومت سیاسی کشورها، ملت‌ها و خلفها. «اداره جهان مانند یک بازار» احتیاج به حداکثر شکاف بین نیروهای سیاسی یعنی نابودی دستگاه دولتی (که به آن ایده غیر دولتی کردن عمومی جنبه قانونی داده می‌شود). تجزیه ملت‌ها به جوامع کوچک‌تر (قومی، مذهبی و غیره) و تضعیف آنها به نفع پیوستگی ایدئولوژیک ملت‌های بزرگتر و غیره دارد. ایده آل برای اداره نمودن اینجانبی، کشور است که لایق چنین نامی بوده - کشوری که بیش از همه بخاطر قدرت نظامی‌اش به تنها ژاندارم جهان تبدیل گشته یعنی آمریکا - و دیگر قدرت‌ها کارشان به انجام وظیفه متواضعانه مدیریت محدود می‌شود. حتی پروژه اروپا هم با همین هدف و تنها به عنوان مدیریت مشترک بازار طراحی شده و در آن سوی مرزها برای شکاف انداختن هر چه بیشتر کار می‌شود تا آنجایی که ممکن است سلواکی‌ها، مقدونیه‌ها و چین‌های بیشتر).

در چهارچوب چنین استراتژی و منطقی «برخورد تمدنها» امکان‌پذیر و حتی مطلوب هم است. هائیت‌گون یک روشنفکر نیست و کارمند نیست که می‌باید استراتژی‌های سیاسی آمریکا (بخصوص سیا) را

از زوایای گوناگون مقالات متعددی درج شده است. برای تهیه یک مقاله زنده سیاسی دسترسی به منابع کافی کاملاً ضروری است که متأسفانه چنین منابعی در دست شما نیست. - مسافانه باز پس فرستادن مقالاتی که درج نمی‌شوند مقهور نیست. - درخواست شما برای ارسال نشریه به بخش توزیع داده شد. رفیق گرامی احمد نوری با تشکر از نگاه دقیق و توجه ویژه شما به نشریه، مطلب آماری شما که شماره‌های ۱۵۰ تا ۱۶۵ کار را مورد بررسی قرار داده و درصد هر یک از عرصه‌ها و بخش‌های آن نسبت به کل مطالب نشریه را محاسبه کرده بودید دریافت شد. اطلاع از این آمار و

توجه به آنها بی‌شک در سمت یابی و سمت‌دهی عرصه‌های کار مفید خواهد بود. سعی خواهیم کرد در فرصتی مناسب خود این آمار را نیز به چاپ برسانیم. - مسافانه تلاش ما برای تماس با شما از طریق شماره تلفنی که در اختیار داشتیم ناموفق بود. از طریق فاکس نشریه برای برقراری رابطه مستقیم با ما تماس بگیرید. رفیق گرامی جعفر با تشکر فراوان از ارسال مطالب و ترجمه‌ها برای نشریه، دست شما را به گرمی می‌فشاریم. خبرها و مطالب ورزشی تنها اگر آخرین رویدادها در این عرصه را شامل شود قابل چاپ در نشریه خواهد بود. مطلب ترجمه شده از اوامیته دیماش در همین شماره درج شده است.

توجه کند. در نوشته‌های او در گذشته تقدم با «توسعه» بود تا به حمایت از دیکتاتورهای کشورهای جهان سوم مشروریت بخشد، امروز نوشته‌های مشروریت بخش او در خدمت منتهای مدیریت بحران از طریق قطب‌بندی نزاعها بر اساس «سازگاری فرهنگی» است. همانطور که گفته شد صحبت از هیچ چیزی جز تحمیل میدان مبارزه‌ای که تضمین کننده پیروزی می‌باشد، نیست. رخدادهای کنونی، با تعداد زیادی اختلافات قومی و مذهبی، نشان‌دهنده مؤثر بودن استراتژی انتخاب شده می‌باشد. اما آیا این مسئله تر «طبیعی بودن» نزاع فرهنگ‌ها را تأیید می‌کند؟ تأکیدات مصراانه بر این «ویژگی» به ندرت از طرف خلفها، بل همیشه از طرف باندهای حاکم و یا حاکمیت طلب صورت می‌گیرد. پس از آن با ابزار مختلف وضعیتی به وجود می‌آید که اهداف این سیاست قدرت طلب (پاک‌سازی قومی، دیکتاتوری به نام مذهب و غیره) را تأیید و تضمین می‌کند. طبقات حاکم هم که از رشد کلی سیستم دچار بی‌ثباتی شده‌اند هر چه بیشتر متوسل به استراتژی قومی و فرهنگی می‌شوند. این مسئله در مورد کشورهای اروپای شرقی که با تغییرات غیر عادی در نهادهاشان مواجه بودند و اما هم‌چنین کشورهای اسلامی و کشورهای توسعه نیافته آفریقا که نامشان از فهرست کشورهای تولیدگر صنعت رقابت‌آمیز خط زده و از آن جهت در سیستم جهانی به حاشیه رانده شده‌اند، نیز صادق است. برعکس آن مناطقی که عکس‌العمل بهتری در رابطه با چالش‌های جهانی شدن نشان

با ارسال خبر، مقاله، عکس و طرح به پربارتر شدن کار یاری رسانید. در مورد مطالب ارسالی، توجه خوانندگان و همکاران راه دور نشریه را به موارد زیر جلب می‌کنیم: ۱- مطالب ارسالی برای نشریه کار باز پس فرستاده نمی‌شوند. ۲- «کار» در انتخاب مقالات دریافتی و کوتاه کردن، حک و اصلاح مطالب با حفظ نظر نویسنده آزاد است. ارسال مطلب برای نشریه کار به معنی پذیرش این امر است. ۳- مقالات خود را بر یک روی کاغذ، خوانا و یا فاصله از لبه‌های کاغذ بنویسید. ۴- کار از درج مقالات طولانی و حداکثر بیش از یک صفحه نشریه معذور است. ۵- کار مقالاتی را درج خواهد کرد که تنها برای این نشریه ارسال شده است. مقالات درج شده در صفحات دیدگاه‌ها و با خوانندگان بازتابگر نظرات و زوایای نگارش نویسندگان آن‌هاست.

### ارگان مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، هر دو هفته یک بار روزهای چهارشنبه منتشر می‌شود.

Verleger: I.G.e.v  
دارنده حساب: I.G.e.v  
شماره حساب: 22 44 20 32  
کد بانک: 37 05 01 98  
نام بانک: Stadtparkasse Köln  
Germany  
شماره فاکس: 0049 - 221 - 331 82 90

### پیرامون قیمت‌گذاری نشریه «کار»

علاقتمندی را می‌توان یافت که پرداخت ۴ مارک اضافه‌تر در ماه، برای او مشکل باشد. اگر مقصود شما این است که نشریه را به ضرب و زور قیمت‌های کم به خورد مردم بدهید، لطف کنید به این سیاست خاسته بدهید. این استدلال که «کار» نشریه‌ای فراگیر است و با کمترین بها باید در اختیار اقشار وسیع مردم قرار گیرد، ابداً استدلال درستی نیست. درست است که «کیفیت» مهم است اما نباید به «کیفیت» لطمه جدی بزند. خوانندگان را که نشریه را از روی قیمت آن انتخاب می‌کنند، زیاد جدی نگیرید! یک مرد چنگی به از صد هزار! در حال حاضر، سویدی که به «کار» تعلق می‌گیرد از طریق کسک‌های مالی علاقه‌مندان است. یعنی فشار مالی روی دوش عده کمی می‌افتد. در حالیکه افزایش قیمت نشریه، فشار مالی را روی دوش قشر وسیع‌تری منتقل کرده و لذا توزیع عادلانه‌تری از مشکلات صورت می‌گیرد. درست است که «کار» از طریق درج آگهی در آمدنی ندارد. اما باید توجه داشت که بسیاری از مخرجی که نشریه دیگر دارند از قبل پرداخت حق‌التألیف، حق ترجمه، و ... در مورد «کار» مصداق ندارد. با توجه به موارد یاد شده در بالا، به نظر بنده بهتر است قیمت نشریه ۵٪ اضافه با احترام محمد رضا قنبری شود.

### گفتگو با ...

ادامه از صفحه ۹  
بسیار تنگ است و دید من هم متأسفانه همیشه در این دایره محدود بوده ولی با این وجود مانع از این نیست که آدم به بعضی نتایج درست، در همین دایره تنگ هم، برسد. به هر حال من عقیده دارم که در شوروی یک نظام سوسیالیستی وجود داشته که به دنبال یک انقلاب سوسیالیستی بر سر کار است، منتها در تحول و رشد خودش، اگر نگریم در تکامل خودش، می‌بینیم که یک لنگی‌هایی دارد - بازم تکرار می‌کنم من به این لنگی‌های نظام شوروی در ارتباط با ایران رسیدم. در میان این لنگی‌ها دو تا به نظر من اساسی می‌آید: این لنگی‌ها بعداً در جریان دگرگونی‌های شوروی با چین هم برای من بیشتر روشن شدند. من از این ارتباط و دگرگینا، که برای من بسیار آموزنده بود، متوجه شدم که در شوروی یک دولت بوروکراتیک بوجود آمده که توده‌های مردم در آن نقش ندارند. در واقع این دولت بوروکراتیک است که توده‌های مردم را مجبور به دنباله‌روی از خودش می‌کند نه اینکه توده‌های مردم این قدرت را هدایت کنند و نماینده‌های قدرت را تعیین کنند. حالا اگر یک روزی، در اوائل کار هم منظور بود به هر دلیلی قدرت، نظریات و خواست‌های توده را در نظر می‌گرفته و بعدها به این صورت درآمد که توده‌ها برایش فقط یک ابزار استفاده به نفع بوروکراسی است. بدتر از همه اینکه در سوادری درد این بوروکراسی دیگر درد سوسیالیسم و توده‌های زحمتکش هم نیست. البته در گذشته هم خیلی‌ها ایرادهایی

داده‌اند با ویژگی‌های خود بدون مشکل زندگی کرده و آن را به خط نقل خودنمایی ایدئولوژی و توجیه‌کننده تصمیم‌های سیاسی خود تبدیل نکرده‌اند. در اینجا می‌توان از چین - کفوسیس - نام برد که از اقتباس کردن از غرب اجتناب نکرده و حتی در نظر دارد تا راه‌های هموار شده غرب را باز هم مورد استفاده قرار دهد. این مسئله باعث تضعیف ناسیونالیسم‌اش نمی‌شود. بسدین جهت در آنجا صحبت از یک ناسیونالیسم مثبت است که علیه قدرت‌مندان سیستم (بخصوص آمریکا) جهت‌گیری دارد. نسوع دیگر آن ناسیونالیسمی است که حاکمان درگیر با مشکلات بدان متوسل می‌شوند: آنها علیه کوچک‌ترها و ضعیف‌ترها (به عنوان مثال ناسیونالیسم ضد صرب کرواسی) و نه علیه قدرت‌مندان در هیارشی سیستم جهانی (در اینجا آلمان و آمریکا) وارد عمل می‌شوند. از نظر مدیریت بحران کاپیتالیستی این ناسیونالیسم منفی برعکس ناسیونالیسم مثبت تماماً کاربرد دارد. فرهنگ‌های محلی با ویژگی‌های خود و رابطه‌شان با سیستم جهانی و فرهنگ مسلط سرمایه‌داری در یک الگوی واحد جای نمی‌گیرند تا بتوان از آن یک تنوری عمومی، آن طوری که فرهنگ‌باوری ادعا می‌کند، استخراج نمود. متغیرهای کلیدی که می‌توانستند تفاوت‌های بین مناطق جهان را توضیح دهند خارج از عرصه فرهنگی قرار دارند. نزاع سیستماتیک فرهنگ‌ها وجود ندارد، نزاعهای بنیاداً متفاوتی وجود دارند که بعضی از آنها دارای یک وجه سوسیالیسم هستند. ادامه دارد

کمک‌های مالی رسیده  
کمک مالی رفیق صادق کارگر برای انتشار نشریه کار  
کمک مالی رفقای بوخوم به نشریه کار  
کمک مالی رفیق مریم تورنتو به نشریه کار  
کمک مالی از کانادا  
۲۵۰۰۰ کرون روز  
۱۷۵۰ مارک  
۵۰۰ دلار کانادا  
۱۸۰ مارک

«می‌گرفتند. از جمله اینکه اقتصاد شوروی اقتصاد سوسیالیستی نیست. مثلاً در ایران مخالفان حزب توده و کمونیسم و یا شوروی می‌گفتند که خوب، شوروی هم مثل کشورهای دیگر سرمایه‌داری است و فرقی با آنها ندارد. مثلاً هم یکی اینکه ذوب آهن به ما داده و پولش را گرفته و از اینجور حرف‌ها، که به نظر من کاملاً بچگانه بود. استدلال مخالف در برابر این ایرادهای بچگانه هم این بود که خوب، در یک جهان سرمایه‌داری مناسبات سرمایه‌داری دولت شوروی به عنوان یک دولت سوسیالیستی در مناسبات اقتصادی خودش با کشورهای دیگر نمی‌تواند که اصول مناسبات با کشورهای سرمایه‌داری طبعاً وارد یک مناسبات سرمایه‌داری می‌شود و معاملات سرمایه‌داری می‌کند. ولی علیرغم این بحث‌ها من کم‌کم متوجه شده بودم که در شوروی در واقع یک دولت سوسیالیستی ما فهمیده بودیم نیست بلکه یک نوع سوسیالیسم دولتی وجود دارد. این موقعی بود که اصطلاح سرمایه‌داری دولتی در مورد نظام اقتصادی شوروی تازه مطرح شده بود. در این زمان به نظر من آمد که در این کشور یک سوسیالیسم دولتی مطرح است که ارتباط ارگانیکی با دولت بوروکراتیک دارد و محصول همان دولت بوروکراتیک است، یعنی یک بوروکراسی قوی بوجود آمده بود که مطلقاً ارتباطی با یک قدرت بوروکراتیک حاکم شده بود که بهانه‌ها و «دموکراسی سرمایه‌داری» در واقع دمکراسی توده‌ای را سرکوب کرده

## دیدار رییس جمهور چین از آمریکا

### وقتی بورس وحشی، وحشی تر می شود



هفته گذشته جهانیان شاهد یک چشمه از قمار وحشیانه‌ای بودند که به نام بورس سهام در مراکز اصلی سرمایه‌داری انجام می‌گیرد. در یک تلاطم سه روزه، متوسط نرخ سهام مختلف، نخست در بورس‌های آسیا و سپس در آمریکای شمالی و اروپا ۱۰ الی ۱۵ درصد سقوط کرد و دوباره تقریباً به سطح قبلی خود رسید. در مورد سهام بسیاری از شرکت‌ها، این سقوط و صعود بسیار شدیدتر از حد متوسط بود. یکشنبه، بسیاری از سهامداران، به ویژه سهامداران کوچک، به خاک سیاه نشستند، و به ویژه آنهایی که از بیم از دست دادن بخش بزرگتری از سرمایه خود، در فاصله سقوط و صعود مجدد، سهام خود را فروختند، از هفته واپسین اکتبر ۱۹۹۷ همواره به عنوان هفته‌ای سیاه یاد خواهند کرد. در مقابل، شرکت‌هایی که در شرایط سقوط قیمت سهامشان، برای جلوگیری از ادامه سقوط، سهام خود را بازخرید کردند، بر ذخیره مالی خود افزودند.

برخی ناظران گفته‌اند خروج سرمایه‌های ژاپنی و آینده نامعلوم دلار هنگ‌کنگ، منشا این تلاطم شده است. گویا «دهکده جهانی» در زمینه بازارهای مالی سریعتر از سایر عرصه‌ها عمل می‌کند. چند ساعت بعد از سقوط نرخ سهام در هنگ‌کنگ خبر آن به سایر بازارها نیز سرایت و تحت عامل روانی بسیاری از سهامداران اقدام به فروش سهام خود نمودند. همه متخصصان امور اقتصادی در اروپا و آمریکا با اعلام اینکه هیچ دلیلی برای این سقوط وجود ندارد سعی به آرام نمودن «اعصاب» سهام‌داران کردند. دو روز بعد با واریز شدن سرمایه‌های ژاپنی به اروپا و آمریکا ناگهان قیمت سهام شروع به بالا رفتن نمود.

مدتهاست که ناظران اقتصادی هشدار می‌دهند چندبرابر شدن نرخ سهام در بورس‌ها در سال‌های اخیر، کاذب و ناشی از قمار و بورس‌بازی است نه بازتاب واقعیت‌های اقتصادی. به عنوان نمونه، اگر قیمت سهام را مساله بگسیریم، ارزش شرکت آمریکا سبکو که حدود ۱۰ هزار کارمند دارد و بزرگترین سازنده تجهیزات سخت‌افزاری شبکه جهانی اینترنت است، از بهای بزرگترین کسرن صنعتی آلمان یعنی دایملر - بنز که نزدیک به ۲۰۰ هزار کارمند دارد، بیشتر است! قابل توجه است که فروش سالانه دایملر - بنز بیش از ده برابر سبکو است. نمونه دیگر، در داخل خود آلمان است: شرکت نرم‌افزاری اس.آپ. بنا به بنیای سهامش،



قراردادها بسته شده‌بود، دیگر می شد بر سر حقوق بشردعوا کرد.

همچنین اعلام کرد چین به قرارداد تکنولوژی اطلاعاتی خواهد پیوست امری که در عمل به معنای صرف‌نظر کردن از دریافت گمرکی مربوط به کالای کامپیوتر خواهد بود. ضمناً چین ۵۰ هواپیما از کارخانه بوئینگ با قیمت ۲ میلیارد دلار خواهد خرید.

پرداخت. یکی دیگر از موضوعات این دیدار مسئله ورود چین به سازمان جهانی تجارت بود که مدت‌هاست با مخالفت آمریکا روبرو است. پس از گفت‌وگوی طولانی هیئت‌های نمایندگی همچنان این مسئله لاینحل باقی ماند. میانگ زمین رییس جمهور چین

پایانی بعد از آنکه قراردادهای امضا شده بود زمانی که میانگ زمین رییس جمهور چین در پاسخ به خبرنگاران از اقدام دولت چین مبنی بر سرکوب جنبش دانشجویی دفاع کرد و این اقدام را عملی در خدمت به حفظ ثبات سیاسی چین خواند، کلیتون خلاف عرف دیپلماتیک سخنان او را قطع کرد و برای لحظاتی با زمین مشاجره

سران آمریکا و چین پس از ۸ سال با یکدیگر ملاقات کردند. در پایان یک گفت‌وگو که ۳ ساعت طول کشید هر دو طرف اعلام داشتند برای تامین صلح، امنیت و رفاه به تلاش‌های مشترک‌شان ادامه و روابط دو کشور را بهبود خواهند داد.

در یک قرارداد محرمانه چین مستعد شد از ارسال تکنولوژی هسته‌ای به ایران و پاکستان خودداری کند، و آمریکا ممنوعیت صدور نیروگاه‌های اتمی به چین را ملغی سازد. این تصمیم آمریکا به این معناست که راه برای شرکت‌های آمریکایی که چنین تکنولوژی را عرضه می‌کنند، باز شود. کلیتون رییس جمهور آمریکا با اشاره به تصمیم فوق گفت «برای ما قرارداد از ۳ جنبه نفع دارد: به این خاطر که صدور سلاح از سوی چین به کشورهایمانند ایران و پاکستان پایان می‌گیرد، اقتصاد آمریکا سود می‌برد و محیط زیست آلوده نخواهد شد.

کلیتون در این ملاقات جای تردیدی باقی نگذاشت که روابط اقتصادی با چین برای آمریکایی‌ها از اصرار بر اجرای موازین حقوق بشر حائز اهمیت بیش‌تری است. به قول برخی از تحلیل‌گران در این ملاقات موضوعات «ت» یعنی تیان من، تبت و تایوان موضوع بحث بودند ولی هر دو طرف می‌دانستند موضوع «س» یعنی cash برای‌شان تعیین کننده است. در مصاحبه مطبوعاتی

### سال «ال نینیو»

با ری خانمان نمود و خسارات جبران ناپذیری به‌جای گذاشت. گردهباد در «اکابولگو» واقع در جنوب مکزیک بیش از ۲۰۰ قربانی گرفت. طی مساهلهای گذشته استرالیا چهار بزرگترین خشکسالی در تاریخ اخیر خود شده است و هزاران دامدار مجبور به کاهش تعداد طیور خود شده‌اند. مردم هنوز منتظر بارانهای موسمی در آسیای جنوب شرقی هستند. و یکی از عواملی که برای خاموش کردن آتش‌سوزی جنگلهای جنوب آسیا بر روی آن حساب می‌شد همین بارانها بودند که هنوز نباریده‌اند.

کنگره ایالات متحده آمریکا طی ماه گذشته بودجه‌گرفازی را برای جلوگیری از وقوع فاجعه اختصاص داد. بعد از سیل اخیر در بولیوی این کشور بیش از ۳۰۰ میلیون دلار وام خارجی دریافت نموده است تا بتواند خسارات ناشی از این سیل را جبران نماید. بنا بر محاسبات متخصصان هواشناسی «ال نینیو» تا آخر این سال میلادی به اوج خود خواهد رسید.

«ال نینیو» را ماهیگیران بولیوی خوب می‌شناسند. آغاز آن به معنی ماندن در لنگرگاه و تورهای خالی از ماهی است. «ال نینیو» نام یک پدیده طبیعی است که از عدم بازی بین اتمسفر و جریان آب سرد در اقیانوس کبیر به وجود می‌آید. بخار آب موجود در اتمسفر آمریکای جنوبی توسط باد بر روی اقیانوس کبیر جنوبی رانده می‌شود تا بالاخره بار خود را روی استرالیا و بعد اندونزی، مالزی، تایلند و فیلیپین خالی نماید.

اگر جریان آب سرد و پادها مسیر حرکت خود را تغییر دهند آنگاه «ال نینیو» بوجود می‌آید و هوای گرم باردار، بخار آب خود را بر روی سواحل غربی آمریکای لاتین خالی خواهد نمود. شیلی، بولیوی، پرو، اکوادور، کلمبیا هندوراس، نیکاراگوآ پاناما و مکزیک و حتی فلوریدا در ایالت متحده آمریکا در خطر سیل و طوفان قرار می‌گیرند.

طی هفته‌های گذشته در این کشورها سیل و طوفان صدها هزار نفر

### فقیر و غنی در اتحادیه اروپا

۱۷۱/۲	لوکزامبورگ
۱۱۶/۲	دانمارک
۱۱۱/۷	بلژیک
۱۱۰/۸	اتریش
۱۱۰/۲	آلمان
۱۰۷/۶	هلند
۱۰۶/۵	فرانسه
۱۰۲/۱	ایتالیا
۱۰۰/۳	سوئد
۹۸/۸	ایرلند
۹۷/۴	فنلاند
۹۶/۷	انگلیس
۹۷/۲	اسپانیا
۶۸/۳	پرتغال
۶۶/۱	یونان

مارک ثروتمندترین کشور اروپا است. این کشور مرکز سرمایه‌های مالی است. اما آلمان که از لحاظ جمعیت و قدرت تولید در رتبه اول قرار دارد از نظر تولید ناخالص ملی در رتبه پنجم بوده است. اتحادیه اروپا بزرگترین منطقه اقتصادی جهان است. این اتحادیه را پرتغال و یونان تشکیل می‌دهند.

اتحادیه اروپا در حال حاضر پانزده کشور عضو دارد. در این اتحادیه ۳۷۲ میلیون نفر زندگی می‌کنند. بیان اقتصادی آن در سال ۱۹۹۶ در حدود ۱۲/۹ بیلیون مارک بوده است. اتحادیه اروپا بزرگترین منطقه اقتصادی جهان است. این اتحادیه را کوچکترین عضو این اتحادیه با تولید ملی ۱۷۱/۴ میلیارد

### اعلامیه مشترک حزب کمونیست و حزب سوسیالیست فرانسه

اعلامیه با تاکید بر «ناراضی فزاینده از اولترا لیبرالیسم در جامعه» دو حزب، اراده خود را برای تشکیل یک جبهه متحد علیه این سیاست غیر قابل تحمل و کوشش در راه «تحقق امید به تغییر» اعلام می‌کنند. پیشنهادهای ارائه شده نیز عناصر تشکیل دهنده این هدف محسوب می‌شود. هفته‌نامه «اومانیته دیمانش» ضمن تفسیر این اعلامیه خلاصه این پیشنهادها را ذکر کرده است. قدرت خرید: فرانسه در شرایط

حزب کمونیست و حزب سوسیالیست فرانسه در انتخابات مجلس، اعلامیه مشترکی را منتشر کردند که نشانگر مهم‌ترین سمت‌گیری‌های سیاسی چپ در فرانسه است. اعلامیه در برگیرنده پیشنهادهایی اساسی و همسوی این دو تشکیل سیاسی برای تغییر است و با آن که اعضاکنندگان معتقدند که این اعلامیه، برنامه مشترک یا میثاق حکومتی نیست، ولی می‌توان آن را کارپایه فعالیت دولت فرانسه دانست. زیرا در

### اعتراض مردم و احزاب سیاسی به تقلبات در انتخابات شهرداری‌ها در الجزایر

اعتراض وسیع مردم و جریان‌های سیاسی را دامن زد. همه احزاب سیاسی حزب رییس جمهور را متهم به تقلب وسیع در انتخابات کردند. دو حزب حماس - نماینده گرایش معتدل اسلامی - و جبهه آزادی‌بخش ملی که در دولت زرووال شرکت دارند نیز با فاصله کمی از دیگران به معترضین پیوستند و بر تقلب انتخاباتی از طرف حزب زرووال صحت گذاشتند. سعید سعدی یکی از رهبران اپوزیسیون خواهان برگزاری مجدد انتخابات شد و از مردم خواست که با تظاهرات روزانه زمینه این کار را فراهم سازند. در هفته گذشته مردم با تظاهرات متعددی به اعتراض دست زدند. روز پنجشنبه ۳۰ اکتبر هزاران نفر در الجزیره به درخواست اپوزیسیون ترقی خواه الجزایر پاسخ مثبت دادند.

بساپایان گرفتن انتخابات شهرداری‌ها در الجزایر حزب حاکم - جنبش تجمع ملی دمکراتیک الجزایر - مدعی شد که اکثریت آرا را به دست آورده است. در روزهای پیش از انتخابات شهرداری‌ها خشنونت بنیادگرایان مسلمان کورتر از همیشه شدت داشت و اقدامات جنایت‌کارانه آنان از اهالی بی‌گناه روستاها و شهرک‌های نزدیک به الجزیره حدود هزار قربانی گرفت.

پیش از انتخابات بی تفاوتی دولت زرووال رییس جمهور الجزایر در برابر اقدامات وحشیانه بنیادگرایان در آذهان مردم این‌گونه تلقی شد که دولت به جو وحشت و رعب برای کارزار انتخاباتی‌اش نیاز دارد. اعلام نتایج انتخابات موجی از

۲۵ ساعت تقلیل داد. سیاست‌های مالی: سیستم مالی باید با هدف هدایت پول به سمت ایجاد اشتغال، تولید و خدمات، پژوهش، آموزش و کارآموزی اصلاح شود. دولت و موسسات عمومی از امکان «ایجاد کار مفید برای برآوردن نیازهای عمومی» برخوردارند. «در همین راستا، اصلاح سیستم اعتباری برای کاهش بارهای مالی که به ضد اشتغال عمل می‌کند، ضروری است». جوانان: علاوه بر ضرورت ایجاد ۷۰۰۰۰۰ شغل برای جوانان، اتخاذ تدابیر لازم برای هدایت جوانان به کار و ایجاد امکان برخورداری آنان از دوره‌های کارآموزی کیفی برای یک

ادامه در صفحه ۷

## تظاهرات کارگران پالایشگاه تهران

در تظاهرات تهران ۳۰۰ تن از کارگران دستگیر شدند

کارگران خواستار پذیرش و اجرای پیمان دسته جمعی هستند

ناآرامی و تشنج در پالایشگاهها ادامه دارد

مبارزات کارگران صنعت نفت کشور علیه سیاستهای ضدکارگری جمهوری اسلامی در دو هفته گذشته با تظاهرات کارگران پالایشگاههای نفت تهران و شیراز اوج تازه‌ای گرفت. روز یکشنبه ۲۸ بهمن، هزاران تن از کارگران و کارکنان پالایشگاه نفت تهران برای پیگیری خواسته‌های خود برابر ساختمان مرکزی وزارت نفت در خیابان طالقانی (تخت جمشید) اجتماع کردند و با شعار «ما حقمان را می‌خواهیم» به تظاهرات پرداختند. در گزارش‌ها شمار کارگرانی که برابر وزارت نفت اجتماع کرده بودند، ۲ هزار نفر ذکر شده و در برخی از خبرها آمده است که بسیاری از رهگذران و دانشجویان آموزشگاههای مجاور در حمایت از کارگران به صفوف تظاهرکنندگان پیوسته بودند.

شورش را به محل تظاهرات فرستاده و به مأموران امنیتی و انتظامی دستور داده بود خیابانهای اطراف وزارت نفت را قرق کند و حرکت اعتراضی کارگران را پیش از آن که گسترش یابد، سرکوب سازند. علیرغم تهدید و جو ارعابی که رژیم ایجاد کرده بود، کارگران روز یکشنبه ساعت ۸ صبح بدون اعتنا به سلاح‌های پاسداران، برابر ساختمان مرکزی وزارت نفت اجتماع کردند و خواستار گفتگوی دسته جمعی با وزیر نفت شدند. آفازاده وزیر نفت به جای رسیدگی به خواسته‌های کارگران، ارگان‌های سرکوب را به مقابله با آنان فراخواند. پاسداران مسلح و مأموران امنیتی به اجتماع مسالمت‌آمیز و آرام کارگران یورش بردند، آنان را مورد ضرب و شتم قرار دادند، شماری را مجروح و صدها تن از کارگران را دستگیر کردند. مقامات وزارت کار و نفت تاکنون چندین بار و هر بار به دنبال حرکت اعتراضی کارگران، به آنان وعده داده بودند که به خواسته‌هایشان رسیدگی کنند. اما هر بار با فرو نشستن خشم اعتراضی کارگران، وعده‌هایشان را به فراموشی سپرده و راه ارعاب و سرکوب پیش

گرفته‌اند. در مرداد ماه مسئولان خانه کارگر، و آفازاده وزیر نفت به دنبال حرکت اعتراضی کارگران پالایشگاه نفت تهران و اجتماع چهارصدتن از کارگران در برابر ساختمان وزارت نفت، به آنان قول دادند که مطالباتشان را پی‌گیری کنند. به جای تامین خواسته‌های کارگران، مأموران امنیتی رژیم و عناصر نفوذی در پالایشگاهها سعی کردند برای جلوگیری از حرکت‌های آتی کارگران و نیز به قصد ارعاب آنان، فعالین کارگری را در پالایشگاههای تهران، تبریز، اصفهان، شیراز، آبادان و... شناسایی و به عنوان محرکین دستگیر کنند. در همان زمان روزنامه «کار و کارگر»، ارگان شوراهای اسلامی که تلاش می‌کند چهره‌ای مستقل از سیاست‌های دولت نشان دهد، نوشت: «عده‌ای به گوندای سازمان یافته با ایجاد جو در ایران خواسته‌ها از سوی کارگران انحراف ایجاد می‌کردند که مسئولین ذی‌ربط افراد مذکور را شناسایی نمودند. بی‌اعتنایی رژیم به خواسته‌های کارگران باعث شد چهار

بقیه در صفحه ۲

## منشور همکاری

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

سازمان جمهوری خواهان ملی ایران

حزب دمکراتیک مردم ایران

در صفحه ۷

## تظاهرات ایرانیان در شهر بن در حمایت از آزادی سرکوهی

در صفحه ۲

جشن مرکزی

سازمان فدائیان

خلق ایران

(اکثریت)

دربزرگ داشت

روز ۱۹ بهمن

در صفحه ۸



## اطلاعیه شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

### در باره تظاهرات کارگران پالایشگاه نفت تهران

در صفحه ۲

## دشواری‌های بی سابقه رژیم در پی انتشار نامه تکان دهنده سرکوهی

● هزاران ایرانی با برپایی اجتماعات اعتراضی خواستار آزادی فرج سرکوهی شدند.

● دولت‌های آلمان، آمریکا و گروه دیگری از کشورهای غربی به بازداشت نویسنده ایرانی اعتراض کردند

### اعتراضات

از زمان دستگیری سرکوهی، ایرانیان در خارج از کشور با برپایی اجتماعات در کشورهای مختلف به اعتراض برخاسته‌اند. سازمان‌های

بقیه در صفحه ۳

دست‌سپاچگی رژیم در برابر اعتراضات پیش‌بینی نشده را، چنین بازتاب داد: «ماجرایی که در ابتدا به نظر می‌رسید ساده باشد، با مرور زمان می‌رود تا پیچیدگی‌های خاصی به خود بگیرد»!

که ظاهراً می‌خواهند نشان دهند پیدی نیستند که به این پادها بلرزند، آشکارا در تنگنا قرار داده است. نشریه کیهان‌هایی سخنگوی غیر رسمی وزارت اطلاعات در خارج از کشور، در یادداشت هفته گذشته خود،

واکنش‌های اعتراضی بی‌سابقه‌ای که نسبت به دستگیری فرج سرکوهی، در سراسر جهان برخاسته است و موضوع بازداشت سرکوهی، اکنون به یک مسأله جهانی تبدیل گردیده است. این واکنش‌ها سران حکومت اسلامی را

## رضا براهنی: ما نباید

### به این سادگی کشورمان را ترک کنیم

به چه صورتی درآمده که حتی هنرمندانی که دست‌پرورده جمهوری اسلامی هستند به فکر ترک وطن‌شان افتاده‌اند؟

براهنی: به نظر من، ما سانسور به این صورتی که امروز داریم، هرگز در سراسر تاریخ ایران نداشتیم. من آثارم در آن دوره هم گرفتاری‌هایی پیدا کرده بود ولی معتقدم که در این دوره گرفتاری فوق‌العاده عجیب شده است. من مجبورم زمان‌ام را بر بزم بدم یک کسی در سوئد چاپ بکند و تازه معلوم نیست آن کسی که این را در سوئد چاپ می‌کند، قدرت پخش آن را داشته باشد، و این گرفتاری‌های ماست. من می‌خواهم کارهایم را چاپ کنم و مردم ببینند که آدم چه کار کرده است. حس انتقاد را از همه گرفته‌اند و این یک

بقیه در صفحه ۳

اهل قلم و هنر ایران هم چنان آماج تهاجم رژیم اسلامی قرار دارند و فشار از سوی سازمان‌های امنیتی علیه آنان مرتباً در حال افزایش است. رژیم اسلامی با یورش به نویسندگان و هنرمندان می‌خواهد آنان را به سستی سوق دهد که بین سکوت و خانه‌نشینی و یا ترک وطن یکی را به جان بخردند و در غیر اینصورت سرنواشت سعیدی سیرجانی و فرج سرکوهی در انتظار آنان خواهد بود.

هفته گذشته بخش فارسی رادیو بی‌بی‌سی در مورد شرایط زندگی نویسندگان ایران، گفتگویی با دکتر رضا براهنی با عنوان «مشکل ترک وطن از سوی دگراندیشان» انجام داد. مجری برنامه بخش فارسی بی‌بی‌سی از رضا براهنی، شاعر، نویسنده و منتقد ادبی ایران پرسید: شرایط در ایران

## وظیفه ما

اعتصاب چند ماهه در صنعت نفت و نقطه برجسته آن یعنی تظاهرات چند هزار نفری کارگران نفت، خبر از حدت مبارزهای می‌دهد که در عمق جامعه ما در جریان است. این مبارزه هر چند بازتابی هم چون جنبش روشنفکرانه‌ای که با خواست آزادی‌های سیاسی رژیم را مورد تعرض قرار داده است ندارد، اما جنبشی بسیار گسترده است که خواست فعلی آن، مطالبات اقتصادی برای نجات از تنگنای هولناک فقر و سقوط دائمی سطح زندگی است.

رژیم جمهوری اسلامی در برابر هر دوی این جنبش‌ها، روش واحدی دارد و با هر دو به یک سان به خشونت رفتار می‌کند. اگر فرج سرکوهی به دلیل مطالبه آزادی دستگیر و روانه شکنجه‌گاه می‌شود، صدها کارگر نفت به خاطر آن که دستمزد بیشتری را طلب کرده‌اند مورد هجوم مأموران امنیتی قرار می‌گیرند و روانه زندان می‌شوند. و همین واقعیت کافی است تا بگوییم چه جنبش روشنفکری آزادی‌خواهانه و چه جنبش توده‌های خواستار حقوق و مطالبات اقتصادی و اجتماعی با یک مانع، یعنی حکومت استبدادی جمهوری اسلامی روبرو و مواجه هستند.

اما آیا این دو جنبش دریافته‌اند که سرنواشت آن‌ها عمیقاً به یکدیگر وابسته است؟ وجود دیکتاتوری سیمناک در ایران که هر خواسته‌ای را با خشونت و سرکوب پاسخ می‌دهد، زمینه عینی نزدیکی جنبش روشنفکری را با جنبش مطالباتی طبقه کارگر و توده مردم فراهم می‌آورد. این زمینه عینی هر چند هم‌دردی این دو جنبش نسبت به یکدیگر را برمی‌انگیزد، اما به تنهایی برای پیوند آنان کافی نیست و موضوع این است که بدون این پیوند، نه دموکراسی و نه عدالت‌جویی در ایران به نتیجه مطلوبی نمی‌رسند.

درک این واقعیت برای جنبش روشنفکری ایران اهمیت عظیمی دارد که بدون طبقه کارگر و نیروهای گسترده زحمتکش، جنبش آزادی در ایران نمی‌تواند به پیروزی بادوامی برسد. باید با این فکر که به ویژه در سال‌های اخیر در میان روشنفکران ایران ریشه دوانیده است مقابله کرد که توده‌های مردم تنها در بند نان و آب خویش هستند و مبارزه برای دموکراسی کار و دلمشغولی روشنفکران است. اگر روزی واقع جنبش کارگران و زحمتکش‌ها و جنبش روشنفکران ایران در سال‌های اخیر مسیری جدا از هم پیموده‌اند، جدا از وجود استبداد حاکم بر کشور که پیوند بین واحدهای مختلف جنبش در ایران را دشوار ساخته است، این جدایی تا حدودی نیز تحت تاثیر این فکر بوده است. وظیفه پیشروان مبارزه دموکراسی در ایران این است که چنان برای دموکراسی مبارزه کنند و مهم‌تر از آن دموکراسی را چنان بفهمند، که با مطالبات گسترده اقتصادی و اجتماعی کارگران و سایر اقشار مردم، پیوند یابد. جنبش روشنفکری باید نشان دهد که دموکراسی مورد نظر آن، خواسته‌ها و مطالبات توده مردم را در نظر دارد و به آن پاسخ می‌دهد. این دموکراسی فقط حق توده‌های مردم برای داشتن احزاب و مطبوعات نیست، حق مردم برای داشتن کار، برای داشتن

بقیه در صفحه ۳

### در این شماره

● گامی مهم در راستای تشکیل آلترناتیو دمکراتیک  
صفحه ۷

### ● غوغاگری در تاریخ

حشمت رئیسی  
صفحه ۹

● فشار به جای گفتگو  
پروفسور گرنوت روتر  
صفحه ۱۱

### ● حق قدرتمندان

ادوارد سعید  
صفحه ۱۲

## نهضت آزادی

### درانتخابات

### ریاست جمهوری شرکت می‌کند

دکتر پدالله سبحانی از موسسین نهضت آزادی و از شخصیت‌های قدیمی و شناخته شده ملی-مذهبی کشور با صدور اعلامیه‌ای از مقامات جمهوری اسلامی خواست که در انتخابات هفتمین دوره ریاست جمهوری، انحصار طلبی و مخالفت با حضور «رجال ملی و آزادیخواه و علاقه‌مند به ایران و اسلام» را کنار بگذارند و به آنان اجازه دهند که در این انتخابات شرکت کنند.

پدالله سبحانی در این اعلامیه با اشاره به حضور طولانی و چندین دهه

بقیه در صفحه ۲

## تظاهرات کارگران پالایشگاه تهران

بقیه از صفحه اول  
ماه بعد کارگران پالایشگاه‌های تهران، تبریز، شیراز و اصفهان، همزمان به حرکت اعتراضی دیگری دست بزنند. آنان روزهای ۲۸ و ۲۹ آذر ماه به عنوان هشدار و اتمام حجت، دست از کار کشیدند و به دولت اخطار کردند، در صورتی که خواسته‌هایشان برآورده نشود و هم‌چنان با پذیرش و اجرای پیمان دسته‌جمعی مخالفت شود، به اعتصاب سراسری دست خواهند زد. اما باز هم رژیم تلاش کرد با دادن قول مساعد و گرفتن مهلت یک‌ماهه برای اجرای وعده‌های خود، از ادامه تظاهرات جلوگیری کند و کارگران را به پالایشگاه‌ها بازگرداند. در پی اعتصاب روزهای ۲۸ و ۲۹ آذر، شماری از کارگرانی که در تدارک سازماندهی مبارزه و تشکل سراسری کارگران صنایع نفت بودند، دستگیر شدند.  
تظاهرات روز یکشنبه ۲۸ بهمن در اعتراض به عدم موافقت وزارت

کار و وزارت نفت با خواسته‌های عادلانه و صنفی کارگران صورت گرفت. کارگران پالایشگاه نفت تهران و سایر پالایشگاههای کشور خواستار اجرای کامل طرح طبقه‌بندی مشاغل، بهبود شرایط کار و وضعیت خدمات درمانی، پرداخت وام مسکن، افزایش متناسب دستمزدها، جیره خواربار مسایانه، پذیرش و اجرای پیمان دسته‌جمعی کار در صنعت نفت هستند. آخرین پیمان دسته‌جمعی کار، ۲۰ سال پیش میان نمایندگان کارگران و وزارتخانه‌های نفت و کار امضا شد، قرار بود هر دو سال یکبار انعقاد پیمان دسته‌جمعی تهدید شود. اما از سال ۵۷ تاکنون جمهوری اسلامی به پیمانهای مختلف از پذیرش امضای قرارداد دسته‌جمعی با کارگران سر باز زده است. علاوه بر علل اقتصادی، دلیل عدم پذیرش و اجرای پیمان دسته‌جمعی میان نمایندگان کارگران و کارفرمایان، مخالفت رژیم با شکل‌گیری تشکیلات مستقل کارگری

## اطلاعیه شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) درباره تظاهرات کارگران پالایشگاه نفت تهران

گرونی سرسام آور، فشار طاقت‌فرسای معیشتی و سطح نازل بهره‌مندی از امتیازات و تأمینات اجتماعی سرانجام کارکنان پالایشگاه نفت تهران را به تظاهرات و اعتراض علنی وادار کرد. بنا به گزارش‌ها ۲۰۰۰ نفر از کارگران و کارمندان پالایشگاه تهران امروز در برابر ساختمان وزارت نفت در تهران گرد آمدند و با سر دادن شعار به طرح خواسته‌ها و مطالبات برحق خویش پرداختند. کارگران رژیم به جای رسیدگی به اعتراض تظاهرکنندگان و پاسخ‌گویی به خواسته‌های آن‌ها، سپاه پاسداران و نیروهای انتظامی را به سرکوب و پراکنده ساختن آنان فرستادند و تعداد زیادی از آن‌ها را بازداشت نمودند.

در طول ۱۸ سال حکومت جمهوری اسلامی کارگران کشور که از قبل جنگ، بحران اقتصادی و سیاست‌های ضدکارگری رژیم بیشترین آسیب‌ها و محرومیت را متحمل شده‌اند از مبارزه باز نایستاده‌اند و گاه خاموش و گاه پرخروش اعتراض خویش را علیه فشارها، تزییقات و محرومیت‌ها به نمایش گذاشته‌اند. اتمام حجت کارگران نفت کشور در ماه‌های گذشته نسبت به معلق ماندن ۱۸ ساله پیمان دسته‌جمعی‌شان با وزارت نفت و تظاهرات امروز کارکنان پالایشگاه تهران از آخرین برآمدهای مبارزه کارگران ایران است. ما ضمن اعلام حمایت از خواسته‌ها و مطالبات کارکنان زحمتکش پالایشگاه تهران، سرکوب و بازداشت آن‌ها را محکوم می‌کنیم و احزاب و سازمان‌های آزادی‌خواه و ترقی‌خواه کشور و نیز نهادها و مجامع بین‌المللی و به‌ویژه سازمان جهانی کار را به حمایت از خواسته‌های این کارگران و اعتراض به سرکوب و بازداشت آن‌ها فرامی‌خوانیم.

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)  
۲۸ بهمن ۱۳۷۵

## اعلامیه شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) کارگران زندانی باید آزاد گردند

بر اساس خبرهای رسیده، به دنبال گردهم آیی ۲۰۰۰ نفر از کارگران و کارمندان پالایشگاه نفت تهران در برابر وزارت نفت رژیم جمهوری اسلامی به منظور ارائه خواسته‌هایشان که در ۴ روز پیش صورت گرفت، کارگران پالایشگاه نفت شیراز نیز روز سه‌شنبه این هفته برای رسیدن به خواسته‌هایشان به حرکات اعتراضی دست زدند.

گزارش‌های دیگری نیز حاکی است که رژیم با هدف مقابله با گسترش دامنه این اعتراضات در سطح کشور از ۴ روز پیش به دستگیری تعدادی از کارگران فعال در صنایع نفت آبادان، اصفهان، تبریز، تهران و شیراز اقدام کرده است.

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) بدین وسیله بار دیگر انزجار خود را از اعمال ضدکارگری و سرکوبگرانه حکومت جمهوری اسلامی اعلام می‌کند و ضمن پشتیبانی از خواسته‌های برحق کارگران و دیگر کارکنان صنایع نفت کشور، از کلیه کارگران کشور می‌خواهد که به حمایت از همکاران معترض خود برخیزند.

ما هم‌چنین از احزاب و سازمان‌های آزادی‌خواه و ترقی‌خواه کشور می‌خواهیم که فعالیت خود را برای آزادی فوری بازداشت‌شدگان و جلب حمایت نهادها و مجامع بشردوستانه بین‌المللی هماهنگ سازند.

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)  
۱۳۷۵ اسفند ۲

## اطلاعیه شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در محکومیت ممنوع‌الخروج شدن دکتر حبیب‌الله پیمان

جمهوری اسلامی در ادامه سرکوب و اعمال فشار علیه روشنفکران و شخصیت‌های سیاسی و فرهنگی کشور امروز ۲۵ بهمن (۱۳ فوریه)، دکتر حبیب‌الله پیمان را ممنوع‌الخروج کرده و مانع از سفر وی به خارج از کشور شده است.

اینک رژیم با ممانعت از سفر دکتر پیمان برگ دیگری از سیاست ارباب و فشار بر منتقدان سیاست‌های خود را به نمایش گذاشته و ستیز و دشمنی با آزادیخواهان و دگراندیشان را عیان‌تر کرده است.

تهدید و بازداشت نویسندگان فعال در امر احیای کانون نویسندگان، دستگیری و آزار و شکنجه فرج سرکوبی، ممنوع‌الخروج کردن هوشنگ گلشیری، ... تنها چند نمونه از این سیاست در روزهای اخیر، و پافشاری بر اجرای فتوای ضدانسانی قتل سلمان رشدی و افزودن جایزه اجرای آن، مکمل این سیاستند.

ما ضمن اعتراض مجدد به اعمال فشار و ارباب‌علیه روشنفکران و دگراندیشان کشور، ممنوع‌الخروج کردن دکتر پیمان را محکوم می‌کنیم و با اعلام انزجار از فتوای قتل سلمان رشدی خواهان تشدید فشارها علیه رژیم و واداشتن آن به رفع فشار و سرکوب علیه دگراندیشان کشور و لغو فتوای قتل سلمان رشدی هستیم.

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)  
۲۵ بهمن ۱۳۷۵

فرهاد فرجاد نماینده حزب دمکراتیک مردم ایران از سیاست «گفتگوی انتقادی» دولت آلمان انتقاد کرد و گفت دولت آلمان با وجود افت و خیز در مناسبات دو کشور، هم‌چنان همکاری‌های امنیتی، سیاسی و اقتصادی با رژیم اسلامی را پیش می‌برد.  
تظاهرکنندگان دستگیری فرج سرکوبی، اختناق فزاینده سیاسی و فرهنگی و توسل رژیم به استمرار سیاست سرکوب را محکوم کردند.  
در قطعنامه پایانی تظاهرات از همه دولت‌ها، مجامع بین‌المللی،

کارگران برابر ساختمان وزارت نفت تلاش کردند چنین القا کنند که اتفاق مسمی رخ نداده است. در اخبار روزنامه دولتی به شمار تظاهرکنندگان، خواسته‌های آنان هیچ‌گونه اشاره‌ای نشد: «صبح روز یکشنبه جمعی از کارگران تاسیسات نفت تهران در محل ساختمان مرکزی اقدام‌های انجام‌شده در زمینه مسایل معیشتی خود کسب اطلاع کنند. در این جمع کارگران خواسته‌های خود را مطرح کردند و مسئولان وزارت نفت نیز اقدام‌های انجام‌شده را تشریح کردند. کارگران پس از استماع چگونگی اقدام‌های رفاهی انجام‌شده محل را ترک کردند و به سرکار خود بازگشتند». روزنامه سلام در گزارش خود تأیید کرد که مأموران امنیتی خیابان طالقانی را بسته بودند و به هیچ یک از خبرنگاران اجازه ندادند به محل برگزاری تظاهرات نزدیک شوند.

## نهضت آزادی در انتخابات

### ریاست جمهوری شرکت می‌کند

خواستار است از بین خود یک نفر را برای کسب رای به مردم معرفی کنند. سحابی در مورد اسامی کاندیدها و علت انتخاب آنان نوشته است: «در یک سال اخیر افرادی از طبقات و گروه‌های مختلف که پای بند و مشتاق سربلندی وطن و دین هستند به ایستگاه سراجمه داشتند و شخصیت‌هایی را برای احراز مقام ریاست جمهوری توصیه و از اینجانب می‌خواستند افراد صالح و شایسته‌ای را معرفی کنم، بعضی از رجال ملی با وجود شایستگی‌های لازم خود داوطلب ورود در این صحنه نبودند. اینجانب تمایل عمومی از بین کسانی که بیشتر طرف توجه بودند آقای مهندس علی اکبر معین فر، دکتر ابراهیم یزدی و مهندس عزت‌الله سحابی را که به سوابق مبارزاتی و صداقت و شایستگی‌های آنها آشنا هستم معرفی و از این فرزندان عزیز می‌خواهم که در شرایط حساس کنونی به عنوان کاندیدای ریاست جمهوری ثبت نام نمایند و سپس از بین خود یک نفر را برای کسب رای به مردم معرفی کنند.» افرادی که سحابی به عنوان کاندیدای ریاست جمهوری معرفی کرده است، در نخستین سالیهای انقلاب اعضای کابینه دولت موقت به رهبری مهندس مهدی بازرگان بودند.

بقیه از صفحه اول  
خود در صحنه تحولات سیاسی ایران و نقش میلیون در جریان ملی شدن صنعت نفت، مبارزه با استعمار و پیروزی انقلاب بهمن نوشت: در این روزها، بزرگداشت سالانه انقلاب شوک‌همند ملت، در حالی جشن گرفته می‌شود که آرمانهای اصلی و مقدس انقلاب به یاد فراموشی سپرده شده و برگزاری انتخابات ریاست جمهوری در شرایطی مطرح می‌گردد که حقوق اساسی مردم ایران نادیده گرفته شده است، روند عملی که در تثبیت حکومت انحصاری ملاحظه می‌شود نه در قانون اساسی پیش بینی شده و نه به هیچ منطقی سازگار است. برخلاف قانون اساسی و آزادی که ادعا می‌شود، باز در صدد هستند که دو مقام ریاست مجلس نمایندگان ملت و ریاست جمهوری در اختیار طبقه خاص باشد.  
سحابی در اعلامیه خود تأکید کرده است که عدم شرکت در انتخابات ریاست جمهوری «اعراض از حقوقی است که قانون اساسی برای ملت مقرر داشته است.»  
دکتر سحابی در این اعلامیه سه نفر از اعضای کمیته مرکزی نهضت آزادی را عنوان کاندیدای ریاست جمهوری معرفی کرده و از این سه تن

## تظاهرات ایرانیان در شهر بن در حمایت از آزادی سرکوبی

در جریان تظاهرات نمایندگان سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، جمهوریخواهان ملی ایران و حزب دمکراتیک مردم ایران سخنرانی کردند. علی پورنقوی نماینده فدائیان (اکثریت) گفت: ما جمع شده‌ایم تا علیه سرکوب روشنفکران و آزاداندیشان در ایران اعتراض کنیم. ما جمع شده‌ایم علیه توطئه‌های جمهوری اسلامی برای تخریب روند دادگاه میکونوس اعتراض کنیم. امروز در ایران روشنفکران در برابر خشن‌ترین فشارهای جسمانی و روانی قرار دارند و کوچکترین مقاومت آنان، بزرگترین قهرمانی است.

مهران براتنی نماینده جمهوریخواهان ملی با اشاره به جو اختناق در ایران، گفت سرکوبی به گروگان گرفته شده است و در این ارتباط مسئولیت بزرگی متوجه دولت آلمان و صدراعظم آن است. ما انتظار داریم که دولت آلمان برای آزادی سرکوبی به اقدام فوری دست بزند.

تظاهرات ایرانیان در شهر بن آلمان روز شنبه ۲۷ بهمن (۲۵ فوریه) در میدان مرکزی شهر بن در آلمان فدرال در اعتراض به نقض حقوق بشر در ایران و دستگیری فرج سرکوبی سردبیر ماهنامه آدینه دست به تظاهرات زدند. این تظاهرات به دعوت سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) حزب دمکراتیک مردم ایران و جمهوریخواهان ملی ایران صورت گرفت.

تظاهرکنندگان با پخش اعلامیه به زبانهای آلمانی و فارسی و ایراد سخنرانی، توطئه‌های شوم جمهوری اسلامی علیه روشنفکران و هنرمندان و اهل قلم ایران را افشا کردند. بر روی پلاکاردهای پارچه‌ای که تظاهرکنندگان بسرافرشته بودند شعارهایی در دفاع از آزادی فرج سرکوبی، آزادی زندانیان سیاسی نوشته شده بود و جمعی از تظاهرکنندگان عکس‌هایی از فرج سرکوبی را برگردن آویخته بودند.

## در حمله به خانه فرهنگی جمهوری اسلامی در پاکستان

### ۸ نفر کشته شدند

در آستانه سفر ولایتی وزیر امور خارجه به اسلام‌آباد، خانه فرهنگی جمهوری اسلامی در شهر مولتان پاکستان مورد حمله مسلحانه قرار گرفت.  
سحرگاه پنجشنبه گذشته چهار مرد مسلح، پس از خلع سلاح محافظان خانه فرهنگی، وارد ساختمان مرکزی شدند، افراد داخل ساختمان را به رگیار گلوله بستند و پس از به قتل رساندن همه، اموال و اثاثیه خانه فرهنگی را به آتش کشیدند.  
در این تهاجم ۸ نفر کشته شدند. به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی ۵ نفر از کشته‌شدگان از مسئولان و کارکنان خانه فرهنگی بودند. جمهوری اسلامی و سایون سنی صحابه را مسئول حمله مسلحانه به خانه فرهنگی خواند و از نواز شریف نخست‌وزیر پاکستان خواست عاملان این رویداد را دستگیر و مجازات کنند. بنا به اظهارات مقامات محلی ایالت پنجاب، میجامان یک روز پیش از حمله، از محمد علی رحیمی سرپرست ارشد خانه فرهنگی خواسته بودند با برپایی

یک مراسم مذهبی در محل ساختمان فرهنگی موافقت کند. در تهاجم مسلحانه روز پنجشنبه رحیمی نیز کشته شد.  
جناب محمد علی رحیمی روز جمعه با یک فروند هواپیمای نظامی پاکستان به تهران انتقال یافت. در مراسم تشیع جنازه مقتولان تظاهرات خشونت‌باری روی داد و پلیس با شلیک گلوله و مجروح کردن عده‌ای از تظاهرکنندگان به بلوای مذهبی شهر مولتان پایان داد. در چهار هفته گذشته این دومین خانه فرهنگی جمهوری اسلامی در پاکستان است که مورد حمله مسلحانه قرار می‌گیرد. چهار هفته پیش خانه فرهنگی ایران در لاهور به آتش کشیده شد. برخی از نیروهای سیاسی پاکستان معتقدند که جمهوری اسلامی با مداخله در امور داخلی پاکستان به آتش نفاق مذهبی میان سنی‌ها و شیعیان این کشور دامن می‌زند. نواز شریف در پیام خود به رهبران جمهوری، دولت بی‌نظیر پوتو را عامل تنش میان تهران و اسلام‌آباد و درگیری‌های مذهبی خواند.

## شجریان هم

### «سابقه‌دار» شد!

شجریان در برخی از روزنامه‌های داخل، روزنامه‌ی جمهوری اسلامی شنبه این هفته متن نامدهای را که گویا ۱۲۰ تن از دست‌اندرکاران موسیقی آن را امضا کرده‌اند چاپ نمود که در آن شجریان به خودخواهی متهم شده است و تهدید گردیده که که «سوابق نامطلوب» وی افشا و برملا خواهد گردید.  
این تهدید بیانگر این واقعیت است که در جمهوری اسلامی هیچکس از «سوء سابقه» مصون نیست و هرکسی که به این یا آن نحو با سیاست‌ها و کردارهای جاری رژیم موافق نباشد به راحتی می‌تواند دارای «سوابق نامطلوب» شود و سر و کارش به جاهای نامعلوم بکشد. خبر روزنامه‌ی جمهوری اسلامی نشان می‌دهد که شجریان نیز با همه‌ی معروفیت و محبوبیتش نمی‌تواند از این خطرها و تهدیدها در امان باشد.

مسجد رضا شجریان، استاد بلندآوازه موسیقی سنتی ایران در اواسط بهمن در نامدهای به لاریجانی، رئیس سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی وضعیت و کیفیت موسیقی که از این رسانه‌ها پخش می‌شود را به یاد انتقاد گرفت و از جمله نوشت: «در حال حاضر، در این رسانه انواعی از موسیقی پخش می‌شود که فاقد کمترین ارزش هنری است. درک و شعور موسیقی در این دستگاه عریض و طویل تا بدان مایه نازل و اندک می‌شود که مبتذل‌ترین قطعات موسیقی (موسیقی کافه‌های لاله‌زاری) را به عنوان آرم برنامه پخش می‌کنند.» وی سپس به تجاوز به حقوق هنرمندان و دست‌اندازی و تملک در آثار آنها در سازمان صدا و سیما اشاره کرده و عدم تمایل جدی خویش به پخش صدای خود را از این رسانه‌ها را اعلام کرد.  
در پی چاپ نامهای اعتراضی

## دشواری‌های بی‌سابقه رژیم در پی انتشار نامه تکان‌دهنده سرکوهی

● نامه افشاگرانه پروین اردلان

بقیه از صفحه اول

سیاسی و دموکراتیک، هنرمندان و نویسندگان مقیم خارج از کشور و همه کسانی که امکان بیان آزادانه نظر خویش را داشته‌اند، یک صدا حکومت را محکوم کرده‌اند. خواست همه این اجتماعات واحد بوده است: فرج سرکوهی باید آزاد شود و حق خروج از کشور به او داده شود.

گزارش برخی از تظاهراتی که در سه هفته گذشته به حمایت از سرکوهی برپا شده است، جداگانه در این شماره «کار» به چاپ رسیده است.

انتشار نامه تکان‌دهنده فرج سرکوهی، اعتراضات گسترده و بازتاب وسیع آنان در مطبوعات و افکار عمومی کشورهای غربی و هدف افشا شده رژیم که قصد دارد سرکوهی را به جاسوسی برای دولت آلمان متهم سازد، گروهی از دولت‌های غربی را نیز به اعتراض علیه بازداشت سرکوهی برانگیخته است. دولت آلمان رسماً اعلام کرده است که چگونگی روابط آینده این دولت با حکومت جمهوری اسلامی با موضوع فرج سرکوهی گره خورده است. علیرغم اعتراض شدید مقامات حکومت اسلامی، دولت آلمان بر این موضع خود پافشاری کرد و بازداشت سرکوهی را بی‌ارتباط با دادگاه میکونوس ندانست. مدیران کل وزارتخانه‌های خارجه کشورهای معروف به ترویگا (هلند، لوکزامبورگ و ایرلند) نیز خواستار روشن شدن وضعیت سرکوهی شده‌اند. وزیر خارجه جدید آمریکا، در نخستین دیدار خود از آلمان گفت موضوع فرج سرکوهی را با مقامات آلمانی مورد گفتگو قرار داده است. وی این موضوع را «بسیار پراهمیت» خواند.

هاشمی رفسنجانی، در مصاحبه مطبوعاتی خود با خبرنگاران داخلی و خارجی، در پاسخ به این واکنش‌های اعتراضی، سخنان مقامات حکومت اسلامی را تکرار کرد و بازداشت فرج سرکوهی را «مسأله صد در صد داخلی» نامید. رفسنجانی در پاسخ به سوال خبرنگاران مدعی شد که موضوع سرکوهی به صورت یک «معما» درآمده است و «میهم» است اما وی به عنوان رئیس قوه مجریه کشور نگفت که سرکوهی را به چه جرم مشخصی دستگیر کرده‌اند. جمهوری اسلامی از پاسخ به این سوال خودداری می‌کند که

اگر این اعداد درست است که سرکوهی ۵۰ روز در آلمان بوده است، چرا دوباره و به طریق غیر قانونی در صدد خروج از کشور برآمده است؟

### حقایق تازه

بنا به گفته خانم فریده زیرجیدی، فرج سرکوهی برای نخستین بار با خانواده خود در لندن تماس تلفنی گرفته است. خانم زیرجیدی تأیید کرد که این تماس تحت کنترل مأموران امنیتی رژیم و از داخل زندان صورت گرفته و سرکوهی به هنگام گفتگو با فرزندان خویش به تلخی گریسته است. به گفته وی وزارت اطلاعات رژیم از مدت‌ها قبل به تهدید آشکار فرج سرکوهی مشغول بوده است و این تهدیدات ربطی به اتهاماتی که بعداً به او وارد آوردند، نداشته است. خانم سرکوهی از قول غفار حسینی، نویسنده‌ای که چندی پیش به طور مرموزی درگذشت، گفت که وی مدت‌ها پیش در دیداری با فرج گفته بوده است کسانی از سازمان‌های امنیتی گفته‌اند اگر فرج به این کارها ادامه دهد او را دستگیر نمی‌کنیم، بلکه روزی جنازه‌اش در گوشه خیابان پیدا خواهد شد. خانم زیرجیدی از قول اسماعیل سرکوهی گفت اگر فرج نامه افشاگرانه خود را تکذیب کند، احتمالاً آزاد خواهد شد.

### یک‌نامه‌تکان‌دهنده دیگر

هفته گذشته متن نامهای از خانم پروین اردلان که گفته می‌شد او نیز دستگیر شده است و اکنون نزدیکیان از می‌گویند که مخفی شده است، انتشار یافت. خانم پروین اردلان که همکار فرج سرکوهی در ماهنامه آدینه و دوست خانوادگی او بوده است، در این نامه آن چه را که فرج سرکوهی در نامه خود شرح داده است، مورد تأیید قرار داده است. سرکوهی در نامه خود بایک دیگر ازدواج کند و روابط ساختگی بین آن دو را به عنوان سلاخی تهدید کنند در گرفتن اعتراف از سرکوهی مورد استفاده قرار داده بود. پروین اردلان در این نامه گفته است

## رضا براهنی: ما نباید به این سادگی کشورمان را ترک کنیم

بقیه از صفحه اول

گرفتاری است. گرفتاری دیگر این که آیا امکان این هست که مثلاً اشخاصی مثل ما، در صورتی که به خارج هم می‌آیم، خیلی راحت بتوانیم در کنار هم یک نوع حرکت به اصطلاح ادبی، فرهنگی و اجتماعی باهم داشته باشیم. من دقیقاً هیچ وقت به دنبال آزمایش این مسائل نبودم به دلیل این که فکر می‌کنم نویسنده یک نفر آدمی که نسبتاً فردی است و می‌نشیند و اثر خود را می‌نویسد و باید یک نفر پیدا بشود آن را ترجمه کند و یا خودش ترجمه کند و برساند دست آنها و این هم در خارج از کشور کار فوق‌العاده مشکلی است. در نتیجه واقعا بریدن از ریشه فوق‌العاده وحشتناک است. فکر می‌کنم آنها هم می‌دانند که بریدن از ریشه وحشتناک است و به همین دلیل فشارشان را بیشتر می‌کنند. فکر می‌کنم شرط اساسی انسانی این است که اینها آدم‌هایی که هیچ وقت قصد خاصی ندارند، آزاد بگذارند و اجازه بدهند کارهایشان دربیاید. این گروه‌های فشار را، در صورتی که فرض کنید مهدی نصیری، یا روزنامه

کیهان یا سانسورچی‌ها را ترجیح بدهید به این همه نویسنده که در کشور ما هست، دیگر هیچ چیزی سر جای خودش باقی نمی‌ماند. به طور طبیعی به آدم این حس دست می‌دهد برای این که آنجا گرفتاری معنوی دارم، گرفتاری سانسور دارم، گرفتاری مادی دارم، سرنوشت من در یک جای دیگر به چه صورتی درمی‌آید. البته، به این معنی نیست که قصد دارم به یک کشور دیگر پناهنده شوم و یا در یک جای دیگر یک زندگی جدیدی را شروع کنم. به این دلیل که زندگی من در آن مملکت است.

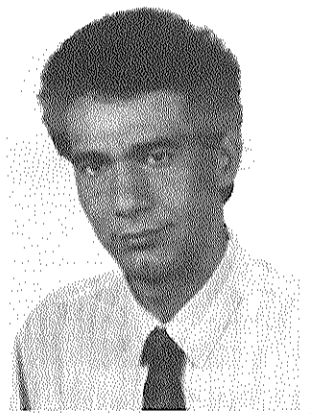
شما فکر نمی‌کنید که به فرض اگر مانند آنچه در دهه ۷۰ و ۸۰ در اتحاد شوروی سابق اتفاق افتاد، آنها راضی باشند که ناراضیان و یا دیگر اندیشیان از کشور خارج بشوند و صحنه خالی بشود و آنها یک آسیایشی از دست مزاحم‌هایی مثل شما پیدا بکنند، در آن صورت چه فایده‌ای خواهد داشت؟

براهنی: این هیچ نوع فایده‌ای نخواهد داشت. بر سر حکومت شوروی چی پیش آمد. بالاخره حکومت شوروی پابرجا نماند. این



همه آدم از آن کشور آمدند بیرون و در عین حال این همه نیرو به مخالفت با آن جریان (حکومت) برخاستند. فکر می‌کنم که ما نباید به این سادگی کشور خودمان را ترک بکنیم. (اما) اگر قرار باشد سرنوشت فرج سرکوهی در انتظار بقیه نویسندگان کشور هم باشد، اینها چاره‌ای نخواهند داشت. به دلیل این که صیانت نفس یکی از مسائل خیلی اساسی آدم‌هاست. این‌ها چاره‌ی نخواهند داشت یک سقفی در یک جای دیگر برای زندگی خودشان تأمین بکنند. درست است که وجدان میهنی وجود دارد، وجدان فرهنگی وجود دارد، وجدان بازگشت به کشور وجود دارد. من اخیراً یک یادداشتی از آقای علوی (بزرگ علوی) دیدم، می‌گوید که زندگی یک چیز دیگر است ولی من می‌خواهم در کشور خودم بمانم.

## رفیق کوروش دهملانی (اندیشه) درگذشت



با اندوه فراوان به اطلاع می‌رسانیم رفیق کوروش دهملانی (اندیشه) عضو سازمان و همکار نشریه کار در تاریخ ۱۸ بهمن بر اثر بیماری سرطان درگذشت.

کوروش متولد سال ۱۳۲۴ بود. او در سال ۱۳۴۰ وارد دانشگاه شد و در رشته زبان روسی فارغ‌التحصیل گردید و در همان سال ازدواج کرد. کوروش در جریان انقلاب بهمن فعال بود و بعد از انقلاب هوادار سازمان شد و همواره از منافع زحمتکشان دفاع می‌نمود.

او تا سال ۶۸ در ایران زندگی می‌کرد و در محل کارش یکی از فعالین صنفی بود در همانسال به خارج از کشور مهاجرت کرد و در ارتباط با سازمان قرار گرفت. کوروش در خارج از کشور در عرصه کارهای تشکیلاتی و مسائل نظری فعال بود و با نشریه کار همکاری داشت.

مراسم خاکسپاری کوروش با شرکت تعدادی از دوستان و آشنایان در محل اقامتش انجام

گرفت. این مراسم همراه با قطعاتی از شعر و خاطره توسط همسر رفیق، دوستان و رفقای وی برگزار گردید.

کارکنان نشریه کار، رفقای جنوب آلمان و شهر فرانکفورت قدان رفیق اندیشه را به همسرش ناهید، دخترانش آناهیتا و آیدا و دیگر بازماندگانش تسلیت و خود را در غم آنان شریک می‌دانند.



طرح از سخاووز

### وظیفه ما

دموکراسی است و سازمان‌دهی این مبارزه و فرارویاندن آن تا سطح مبارزه آشکار برای مطالبات سیاسی، مهم‌ترین وظیفه نیروهای دموکراتیک به شمار می‌رود.

ما عمیقاً اعتقاد داریم که بدون سازمان‌دهی کارگران و زحمتکشان و بسیج نیروی بی‌کران آنان در جهت مطالبات سیاسی و دموکراتیک، نیروی لازم برای غلبه بر جمهوری اسلامی فراهم نخواهد آمد و دموکراسی در ایران به پیروزی نخواهد رسید. بدون این که چنین پیوندی بین جنبش روشنفکری و جنبش کارگری برقرار شود، هر دوی این جنبش‌ها اگر نیز شکست نخورند، در میدانی تنگ و محدود اسیر خواهند ماند و اگر این پیوند برقرار شود، نیرویی در ایران سربر خواهد آورد که پشتوانه مطمئنی برای پیشرفت به سوی دموکراسی و عدالت اجتماعی خواهد بود.

### تشکر و قدردانی

اسال نیز، جوانان سال‌های گذشته، رفقا و دوستان سازمان در رابطه با برگزاری جشن سالگرد بنیانگذاری جنبش فدائیان خلق صمیمانه با ستاد برگزاری جشن همکاری نمودند از جمله این تلاش‌ها و همکاری‌ها، تهیه طرح زیبای پوستر جشن توسط رفیق همایون و نقاشی تابلوی بسیار زیبای جشن در برده‌ای به وسعت نزدیک به ۱۵۰ متر مربع توسط هنرمند ارزنده کانی است. برای جبران این زحمات، که بدون وجودشان برگزاری درخور جشن غیرممکن بود، ما هیچ وسیله‌ای جز ابراز تشکر رقیقانه و صمیمانه در اختیار نداریم. باشد که تلاش مشترک ما در راه ایرانی آباد و آزاد همواره تداوم یابد و برابرتز گردد.

ستاد برگزاری جشن سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

بقیه از صفحه اول

مسکن، برای برخورداری از آموزش، حق مردم برای گرسنه نبودن نیز هست. سخن بر سر پیوند بین مطالبات آزادی‌خواهانه با خواست‌های عدالت جویانه است. جنبش دموکراسی در ایران اگر محتوایی عدالت جویانه نداشته باشد و توده مردم در آن تحقق مطالبات و خواسته‌های خود را نیندند، جنبش روشنفکرانه باقی خواهد ماند و قادر نخواهد بود نیروی کافی برای مقابله با دیکتاتوری فراهم آورد. این به ویژه وظیفه نیروهای چپ، به دلیل اهدافی که در پیش روی خود قرار داده‌اند، است که مبارزه دموکراتیک را در پیوند با مطالبات توده‌های مردم قرار دهند و از آن جدا نمانند.

با چنین درکی، مبارزات کارگران و توده مردم در جهت مطالبات اقتصادی و اجتماعی خود به مثابه چیزی جداناپذیر از مبارزه در جهت

## نامه به آقای موریس کاپیتورن

### گزارش گر ویژه‌ی کمیسیون حقوق بشر

(رونوشت به مطبوعات و رادیوها و مجامع بین‌المللی حقوق بشر)

عالی جناب!

با یک دنیا نگرانی و خشم مطبق شدیم که آقای فرج سرکوهی، سردبیر مجله‌ی آدینه که به طور علنی و قانونی در ایران منتشر می‌شود، برای بار دوم طی دو ماه اخیر دستگیر و ناپدید شده است. انتشار نامه‌ی ۱۴ صفحه‌ای به خط او که اخیراً منتشر شده و بازتاب بین‌المللی یافته، حاکی از توطئه و نقشی ی چندجانبه مقامات حکومتی جمهوری اسلامی است که این روزنامه نگار آزادی‌خواه و دگراندیش قربانی و وسیله‌ی اجرای آن قرار گرفته است.

همان گونه که از نامه‌ی آقای فرج سرکوهی پیدا است، امنیت، شرف و جان او در معرض نابودی است. نمایندگان شوراهای مرکزی سازمان جمهوری خواهان ملی ایران، سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و حزب دموکراتیک مردم ایران، در اجلاس مشترک خود در دوم فوریه

۱۹۹۷ در هامبورگ، پس از آگاهی از وخامت وضع و خطر جدی که جان و شرف این روزنامه نگار ایرانی را تهدید می‌کند، بار دیگر صدای اعتراض خود را علیه نقض آزادی و موازین حقوق بشر در جمهوری اسلامی بلند کردند. از شما مصرانه می‌طلبیم موضوع را سریعاً در کمیته‌ی حقوق بشر سازمان ملل متحد مطرح سازید و شخصاً علیه این تجاوز از آشکار به حقوق انسانی اعتراض کرده و هر چه سریع تر با مقامات رسمی جمهوری اسلامی تماس گرفته و آزادی و تأمین جانی و امنیت او را مطالبه کنید.

۲ فوریه ۱۹۹۷

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)  
حزب دموکراتیک مردم ایران  
جمهوری خواهان ملی ایران

## بیضایی

### دوباره ایران را ترک کرد

باشته می‌چرخید. پس دوباره پارویندیل خود را بست و به خارج آمد. به نوشته‌ی ماهنامه آدینه او هنگام ترک دوباره‌ی ایران گفته است: «امیدوارم هنگامی که بازمی‌گردم شرایط مساعدی برای ساختن فیلم به وجود آمده باشد.»

این امیدی است که چندین و چند نویسنده و هنرمندی که در ظرف ماه‌های اخیر برای گریز از فشارها و محدودیت‌ها به خارج آمده‌اند نیز آن را ابراز داشته‌اند. ماجرای فرج سرکوهی اما نشان می‌دهد که فعلاً هیچ روزنه‌ای برای تحقق این امید گشوده نیست و در درازمدت هم تنها با ایستادگی و مقاومت سیاسی و فرهنگی می‌توان محقق شدن آن را ممکن ساخت.

بهرام بیضایی، کارگردان سرشناس سینمای ایران که در تولید آثار سینمایی و یا اجرای نمایشنامه‌های خود پیوسته با محدودیت‌های و موانع جمهوری اسلامی مواجه بوده است، چندی پیش پس از آن که از ساختن فیلم در ایران ناامید شد برای چند مدتی به فرانسه آمد و مشغول برخی فعالیت‌های آکادمیک و مطالعاتی شد. اخیراً روزنامه‌های ایران نوشتند که وزارت ارشاد یکی فیلمنامه‌های بیضایی را که مدت‌ها قبل نوشته شده بود مورد تصویب قرار داده است. بیضایی این خبر را به فال نیک گرفت و راهی تهران شد تا دوباره فعالیت سینمایی خود را آغاز کند، اما در یافت که آب از آب تکان نخورده و در کماکان بر همان

لاریجانی:

مصاحبه من مصرف غربی داشت

مدتی پیش محمد جواد لاریجانی در مصاحبه‌ای در لندن به تبلیغ برنامه‌های ناطق نوری پرداخت و گفت که وی بشدت مدافع واگذاری موسسات دولتی به بخش خصوصی است و این امر در دوران رفسنجانی خوب پیش نرفته است. وی همچنین در زمینه سیاست‌های ناطق نوری در زمینه برنامه‌ریزی مالی و نیز عدم سرکوب اندیشه‌های مخالف به تبلیغات پرداخت. گفته‌های وی در این مصاحبه در نشریات جمهوری اسلامی بازتاب داشت و مخالفت‌هایی را برانگیخت. وی در نامه‌ای در پاسخ به انتقادهای مزبور مطالب قابل توجهی در مورد تفاوت لحن و شیوه موضع‌گیری

سفیر ژاپن در ایران که برای شرکت در همایش سفیران ژاپن در خاورمیانه به کشور خود سفر کرده بود، اعلام کرد که احتمالا سیاست آمریکا در قبال ایران تغییر خواهد کرد. وی احتمال تغییر سیاست آمریکا در دور دوم ریاست جمهوری کلینتون را ناشی از تغییر وزیر خارجه این کشور دانست و اینکه خانم مادلین آلبرایت وزیر خارجه جدید آمریکا در این زمینه سیاست منعطف‌تری نسبت به ویلیام کریستوفر را دنبال می‌کند.

سیاست آمریکا در قبال ایران

از سوی دیگر رفسنجانی در یک مصاحبه مطبوعاتی نسبت به همین موضوع سخن گفت و ابراز داشت که پیش‌بینی نمی‌کند در مناسبات با آمریکا در آینده نزدیک تحولی پیش بیاید. وی در پاسخ به یک خبرنگار که: «شایعاتی طرح شده است که آمریکا از طریق کشورهای ثالث هم خواستار باز شدن باب گفتگوی بین ایران و آمریکا شده و هم ایران را تهدید به حمله نظامی کرده است»، گفت: «این که آمریکا پیغام رسمی به ما داده باشد یا تهدید نظامی کرده باشد، نبوده است. آمریکا با ما این‌طوری صحبت نمی‌کند. اگر موارد خاصی مانند بحران شمال عراق یا در لبنان و خلیج فارس اتفاق بیفتد، آمریکایی‌ها از طریق سفارت سونیس در تهران به صورت شفاهی مطلبی را به ما می‌گویند، اما اظهار نظر رسانه‌ای غیر رسمی وجود دارد که ما جواب آن‌ها را می‌دهیم».

ناطق نوری: در مورد حقوق بشر عقب نشینی نمی‌کنیم

ناطق نوری رئیس مجلس اسلامی و کاندیدای بازار و فقه سنتی برای ریاست جمهوری در سفر خود به استان مازندران که برای تبلیغات انتخاباتی ترتیب داده شده بود به زبان خود به موضوع رسوایی جمهوری اسلامی در نزد جهانیان در مورد رعایت حقوق بشر پرداخت و عنوان کرد: «امروزه

فرمانده جدید نیروهای انتظامی

روز دوشنبه ۲۹ بهمن، بهشارتی وزیر کشور «سردار سرتیپ هدایت لطفیان» را به عنوان فرمانده جدید نیروهای انتظامی جمهوری اسلامی (ناجا) را به فرماندهان و مسئولین نیروهای انتظامی معرفی کرد. بهشارتی، مقابله با نامی را بعنوان عامل تقویض

**کار را بر روی شبکه جهانی اینترنت**  
**Internet**  
**بخوانید**

نشریه کار ارگان مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) از طریق شبکه‌های جهانی اینترنت نیز در دسترس شماست. علاقمندان می‌توانند صفحات آخرین شماره‌های نشریه، مقالات برگزیده شماره‌های پیشین نشریه، اسناد کنگره‌های سازمان و هم‌چنین مطالب بولتن News & Views را به چند زبان بین‌المللی، زیر آدرس: <http://www.magnet.at/iran.kar.fadai.aksariyat/> ملاحظه فرمایند. مقالات اصلی هر شماره هم‌چنین به خط گردسوز برای گروه خبری فرهنگی ایرانیان (soc.culture.iranian) ارسال می‌گردد. خواندن این مقالات را به کسانی که به اینترنت دسترسی دارند و مشترک نشریه‌ی کار نیستند توصیه می‌کنیم. آدرس پست الکترونیکی: [fadai.aksariyat@magnet.at](mailto:fadai.aksariyat@magnet.at)



خسارات زمین لرزه در شمال خراسان

در زلزله اخیر شهرستان‌های بجنورد، اسفراین، شیروان، قوچان و مشهد حدود ۳۰ هزار نفر بی‌خانمان شدند، خانه‌های بسیاری زیر آوار رفته است و صدها نفر از هم‌وطنان خراسانی در طی این مدت جان خود را از دست داده‌اند. خانه‌های مسکونی این منطقه عموماً با خشت خام و گِل توسط خود روستاییان که با کشاورزی و دامداری امرار معاش می‌کنند ساخته می‌شوند تحمل زمین لرزه‌های اخیر را که گفته می‌شود با قدرت ۶٫۹ ریشتر بوده نداشته است و بسیاری از اهالی این منطقه را آواره ساخته است. ۶۵ روستا در این شهرستان‌ها بین ۲۰ تا ۱۰۰ درصد تخریب شده‌است. بنا به اظهارات برخی از ساکنین محلی ارقام کشته‌شدگان بیش از چهارصد و پنجاه نفر بوده است اما هنوز آمار دقیقی از تعداد کشته‌شدگان و مجروحین در این سانحه ناگوار طبیعی از سوی دولت جمهوری اسلامی ارائه داده نشده‌است.

اثرات منفی زیست محیطی آزادراه شمال

انجمن متخصصان محیط زیست ایران اطلاعیه‌ای در رابطه با طرح احداث آزادراه شمال صادر نموده‌است و اعلام کرده است که احداث این آزادراه به تبع ابعاد اقتصادی و کالبدی آن، اثرات زیست‌محیطی غیرمساعدی در کوتاه‌مدت و بلندمدت در بر خواهد داشت و تاکید شده است ارزیابی اثرات توسعه این طرح که در سال ۱۳۵۴ انجام شده، پاسخ‌گویی شرایط زیست‌محیطی کنونی نیست و از سوی دیگر، مسیر انتخاب شده برای احداث آزادراه نیز برخلاف آنچه اعلام شده، نمی‌تواند اثرات

رای دادگاه می‌کونوسی قایک ماه دیگر صادر خواهد شد

● وکیل مدافع متهم لبنانی بطور غیر مستقیم خامنه‌ای را مسئول ترورهای برلین دانست

دادگاه می‌کونوسی از متهمین به شرکت در ترور رهبران و مسئولین حزب دموکرات کردستان ایران خواست که آخرین دفاع خود را ارائه دهند. وکیل مدافع متهم لبنانی برای تخفیف مجازات وی اعلام داشت که او فقط به خاطر ملاحظات و محضورات دینی به این ترور دست زده است. به عبارت دیگر وی تلویحا سیدعلی خامنه‌ای رهبر مذهبی جمهوری اسلامی را مسبب و دستور دهنده اصلی ترور معرفی کرد. کاظم دارابی هنوز به خواست دادگاه جواب نداده است. طی هفته‌های گذشته مسئولین جمهوری اسلامی بسیار کوشیدند با ارائه مدارک ساختگی اظهارات ابوالقاسم مصباحی که به شاهد C معروف شده است را بی اعتبار کنند و

خبرهای کوتاه

آخرین نتایج سرشماری عمومی

برمبنای گزارش مرکز آمار ایران آخرین نتایج حاصل از سرشماری عمومی بدین ترتیب اعلام شد: میزان جمعیت کشور در سال ۱۳۷۵ برابر با ۵۹ میلیون و ۲۷۵ هزار و ۳۵۹ نفر در قالب ۱۲ میلیون و ۳۶۹ هزار و ۲۰۸ خانوار بود.

لغو روایید میان ایران و نخجوان

براساس تفاهم میان مسئولین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری نخجوان روایید تردد میان دو کشور لغو می‌شود. از دیگر موضوعات مورد توافق در این تفاهم‌نامه دایر کردن شعبه‌ای از بانک‌های ایرانی در شهر نخجوان و برقراری قطار مسافربری در مسیر نخجوان - مشهد و بالعکس است. براساس این توافق اتوبوس‌های مسافربری در مسیر شهرهای استان‌های مرزی ایران نظیر تبریز، ارومیه، ماکو، خوی، مرند و اردبیل با نخجوان فعالیت کنند.

تصویب طرح تشکیل دادگاه‌های خانواده

در جلسه علنی مجلس کلیات طرح اختصاص تعدادی از دادگاه‌های موجود به دادگاه‌های خانواده موضوع اصل بیست و یک قانون اساسی به تصویب رسید. در این جلسه شور اول طرح تشکیل دادگاه‌های خانواده مطرح شد و تصویب رسید. در صورت تصویب جزئیات این طرح در شور دوم، قوه قضائیه مکلف می‌شود ظرف سه ماه در تمامی مراکز قضائی کشور دادگاه ویژه خانواده را تعیین کند. پس از پایان این مدت، دادگاه‌های عمومی حق رسیدگی به دعاوی مربوط به خانواده‌ها را نخواهند داشت.

افزایش روابط تجاری ایران و قزاقستان

لاور نینکو وزیر حمل و نقل و ارتباطات قزاقستان اعلام کرد که حجم مبادلات تجاری بین ایران و قزاقستان که در سال گذشته حدود ۶۵ میلیون دلار بوده است در سال آینده به ۱۰۰ میلیون دلار افزایش خواهد یافت. گشایش راه آهن مشهد - سرخس - تهن و باقی - بندرعباس، یکی از دلایل گسترش روابط اقتصادی میان ایران و قزاقستان می‌باشد. وزیر معادن و فلزات جمهوری اسلامی نیز در این رابطه اعلام کرده است که اخیراً با داشتن تفاهمی در زمینه‌های توسعه روابط اقتصادی، بازرگانی، بانکی، نفت، حمل‌ونقل، ارتباطات، جهانگردی، صنعت، معدن و ساختمان، کشاورزی و شیلات بین دو کشور امضاء شد.

مجازات برای استفاده از اسامی خارجی

قانون ممنوعیت به کارگیری اسامی، عناوین و اصطلاحات بیگانه، برای اجرا به مجمع امور صنفی، توزیعی و خدماتی استان تهران ابلاغ شد. بر اساس این قانون ظرف مدت ۲ سال از تاریخ ابلاغ قانون اسامی تولیدات و ظرف مدت یک سال نام مؤسسات تجاری، خدماتی باید از واژه بیگانه برگردانده و با معادل فارسی جای‌گزین شود. در غیر این صورت متخلف محسوب شده و مجازات می‌شوند که شامل اخطار کتبی توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تعویض علائم و اسامی توسط وزارت کشور با اخذ هزینه از متخلف، تعطیل موقت محل کار و لغو پروانه کار خواهد بود.

تغییر ساختار در وزارت امور خارجه

معاون آموزشی و پژوهشی وزارت خارجه اعلام کرد: تشکیلات و ساختار وزارت خارجه برای انطباق با تحولات جهانی تغییر می‌یابد. این تغییرات در قالب سمینار دائمی ساختار، سیستم و برنامه در حال انجام است. مقالات و سخنرانی‌های ارائه شده در گردهمایی‌های وزارت خارجه و نیز سخنرانی‌های مسئولان کشور و تحقیقات انجام شده در این معاونت به تازگی از طریق شبکه اینترنت در قابل دسترس است.

محدودیت پذیرش دانشجو در دانشگاه‌های پزشکی

سازمان نظام پزشکی کشور اعلام کرده است که با توجه به افزایش ظرفیت پذیرش دانشجویان علوم پزشکی در چند سال اخیر افزایش بی‌رویه پزشکی و بی‌کاری فارغ‌التحصیلان جدید رشته‌های پزشکی در کشور نشانه‌های خود را ظاهر کرده است. از سوی کمیسیون بهداری مجلس، طرح اصلاح ظرفیت پذیرش دانشجو در اولویت قرار گرفته است. تعداد پزشکان کشور در حدود ۵۰ هزار نفر می‌باشد. توزیع نامناسب پزشکان در کشور، یکی از عوامل بی‌کاری فارغ‌التحصیلان جدید در شهرهای بزرگ و کمبود پزشک در شهرستان‌ها و روستاها می‌گردد.

مرگ پنج نفر در مراسم مذهبی احیا در کرمانشاه

در مراسم شب احیای ماه رمضان بر اثر ازدحام بیش از حد مردم در یکی از مساجد شهر کرمانشاه پنج نفر کشته و چهل و چهار نفر مجروح شدند. این حادثه ناگوار در ساعت ۷/۵ بعد از ظهر پس از باز شدن در ورودی مسجد روی داد. سرپرست ناحیه انتظامی کرمانشاه سرهنگ حاصلی گفت که سه زن و دو دختر ۱۳ ساله در این حادثه جان خود را از دست دادند.



## نامه سرگشاده رضا برهانی:

## چرا از کابوس‌های ما بیرون نمی‌روید؟ چرا ول نمی‌کنید؟

نویسنده و منتقد برجسته کشورمان رضا برهانی در یک نامه سرگشاده که سندی دیگر علیه رژیم فرهنگ ستیز جمهوری اسلامی است از توطئه‌های شوم دستگاه اطلاعاتی رژیم پرده برداشت. در زیر بخش‌هایی از نامه سرگشاده وی را درج می‌کنیم.

مسائلی که در ماههای اخیر برای نویسندگان ایران پیش آمده مراب بر آن می‌دارد که چند نکته اساسی را با همه کسانی که نسبت به سرنوشت نویسندگان علاقه و نگرانی نشان می‌دهند در میان بگذارم. یکی دو نکته از این چند نکته به تاریخچه فعالیت مشترک نویسندگان ایران مربوط می‌شود و نکته‌های دیگر به حوادثی ارتباط پیدا می‌کند که در طول چند ماه گذشته اتفاق افتاده است.

بدنبال زلزله مصیبت‌باری که بخشی از استانهای گیلان و زنجان را ویران کرد در حدود چهل نفر از نویسندگان ایران در منزل یکی از نویسندگان اجتماع کردند تا ضمن ابراز هم‌دردی نسبت به این حادثه دهشتناک، راههای مناسب برای جمع‌آوری اعانه و ترمیم خرابی‌ها را با هم بررسی کنند. از میان آن جمع، پنج نفر، خانم سیمین بیهیانی، آقایان محمود دولت‌آبادی، هوشنگ گلشیری، دکتر جواد مجابی و رضا برهانی مأموریت پیدا کردند که با وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی جهت گرفتن سائل شعر خوانی و سخنرانی مذاکره کنند تا نویسندگان ایران از طریق قرائت آثار خود ... به یاری هم‌میهنان مصیبت‌زده خود بشتابند. وزارت ارشاد از دادن سائل به نویسندگان کشور امتناع کرد ... ولی کوشش اصلی گروه پنج‌نفره این بود که یک بار دیگر موضوع آزادی بیان و اندیشه تشکلی نویسندگان در زیر سقف یک کانون و از طریق مطبوعات به گوش مردم برسانند... مرحله بعدی که تقریباً از سه سال پیش شروع می‌شود بدنبال نامه‌ای بود که برای تعدادی از نویسندگان سرشناس کشور از سوی «دکتر استراتژی‌های فرهنگی» ستاد رئیس جمهوری ارسال شده بود ... نامه برای نویسندگان جداگانه ارسال شده بود و پاسخ‌های جداگانه هم می‌خواستند. عده‌ای از نویسندگان در منزل شاعر بزرگ ایران احمد شاملو گرد آمدند تا بیرامون آن بحث کنند. در آنجا تصمیم گرفته شد که نویسندگان

حاضر به جای پاسخ به سئوالهای آن دفتر، کانون نویسندگان ایران را احیا کنند ... شخصی به نام سیمونیا با آقای منصور کوشان تماس گرفته بود و گفته بود که جمهوری ارمنستان می‌خواهد تعدادی از نویسندگان ایران را ... به ارمنستان دعوت کند. ... بحث‌های مختلف بین نویسندگان و روزنامه‌نگاران مطرح شده بود. یک عده می‌گفتند می‌رویم. یک عده دیگر می‌گفتند نمی‌رویم. من گفته بودم که نخواهم رفت.

... اواخر تیر یا مرداد سال ۷۵، خانمی تلفن کرد و خود را منشی سفارت آلمان معرفی کرد و گفت که قرار است عده‌ای از روشنفکران و نویسندگان به سفارت آلمان دعوت شوند و از من آدرس خواست. در تهران دعوت از نویسندگان و هنرمندان معروف به جشنها و اعیاد سفارت‌خانه‌های خارجی جریانی تقریباً عادی است (... گاهی دعوت از نویسندگان مستقل با هم صورت می‌گیرد و اغلب اشخاص با همراشان در این مجالس عمومی شرکت می‌کنند ... همان شب خانم گلشیری تلفن کرد و گفت روی دعوت ساعت شروع مهمانی نوشته نشده. دعوت برای ساعت ۷/۵ است ...

قرب یک ماه و نیم بعد از این ماجرا خانم گلشیری گفت که او دعوت‌نامه را ندیده است ... بلکه خانم روشنگر داریوش به ایشان اطلاع داده است که دعوت برای ساعت ۷/۵ است ... آقای گلشیری حق دارد هر نوع داوری ادبی در باره من بکند. من نیز حق دارم در باره آقای گلشیری هر نوع داوری ادبی بکنم. ولی به صراحت می‌گویم که آقای هوشنگ گلشیری کشور خود را از تخم چشمش عزیزتر می‌دارد. به فرهنگ ایران عشق می‌ورزد و هیچ شاعیه ارتباط با خارج و آنسوی مرزها و غیره به او نمی‌چسبند... دعوت از سوی شخصی بود به نام پش گوشت. من هرگز دعوتی به این صورت از هیچ سفارت‌خانه‌ای دریافت نکرده‌ام. حتی از غیر سفارت‌خانه‌اش هم دریافت نکرده‌ام ... صحبت «از چندی قبل» بود، از «همکار نویسنده شما» بود. صحبت از تبادل نظری هم‌چنانچه در مورد «مسائل مختلف حیات روشنفکری در ایران» بود. صحبت از «بر این امر توافق داشتیم» بود. صحبت از «ایجاد

تماس‌های نزدیکتر بین نویسندگان و شاعران روشنفکر ایرانی و بخش‌های سفارت آلمان در تهران» و «میهن‌های شام در محفل کوچک»، سند به صراحت بوی توطئه می‌داد ... ولی منی که این نامه را گرفتم باید به دو چیز فکر کنم. سرنوشت خودم و سرنوشت جمع. با فرج سرکوهی تماس گرفتم. گفت که او را هم دعوت کرده‌اند... با وکیلیم تماس گرفتم و نامه را خواندم. نظر او این بود که بی‌جواب گذاشتن نامه درست نیست... بی‌جواب گذاشتن نامه فعالیت مشروع و اصولی نویسندگان ایران را زیر سؤال می‌برد. آن خانمی که گفته بود از سفارت آلمان تلفن می‌کند دوباره تلفن کرد، سؤال کردم چه کسان دیگری دعوت شده‌اند. اسم محمود دولت‌آبادی، سیمین دانشور... فرج سرکوهی و خانم بیهیانی را برد... متوسل شدم به فرج و گفتم که نامه خطرناک است و این چه جور دعوتی است... روز شنبه ششم مرداد با سرکوهی تماس گرفتم. گفت که به محض ورود به منزل گوشت به او اعتراض کرده‌است...

حادثه حیرت‌انگیز سفر به ارمنستان مربوط می‌شود... دوشنبه هشتم مرداد ماه ۲۶ نفر با اتوبوس راه می‌افتند ... سپانو و فرج سرکوهی هم در میان جمع هستند ... صحرگاه به گردنه حیران می‌رسند ... بالای گرده چشم باز می‌کنند و می‌بینند راننده اتوبوس در رفته و ماشین در حال سقوط به دره است ... اول سرکوهی پلیس و بعد سرکوهی مأموران اطلاعات پیدا می‌شود... وقتی مأمور نزدیک می‌شود دو نفر، آقایان سپانو و سرکوهی او را می‌شناسند. این همان آقای هاشمی است که بعدها فرج سرکوهی را زجرکش خواهد کرد. ولی فعلاً در نقش منجی نویسندگان ایران وارد میدان شده است. بعدها معلوم می‌شود که روز پنجشنبه ۴مرداد ماه ایشان مشغول ایفای نقش کمک به نویسندگان ایران بوده است... در طول این یک‌ماه در جاهای مختلف بحث منزل گوشت بوده ولی اطلاع دقیق در کار نیست... ساعت ۹/۳ دقیقه یک عده با اسلحه و دوربین فیلم‌برداری می‌ریزند خانه گوشت. همه را دستگیر می‌کنند... بعد ... سرکوهی آقای هاشمی پیدا می‌شود. ... یک نویسنده ممکن است در داوری خود نسبت به یک میهنی،

## خبرهای علمی

## بشر کی پا به عرصه‌ی هستی گذاشت؟

چندی پیش ماری لی کی Mary Leakey باستان‌شناس نام‌آوری که به همراه شوهرش لویس لی کی به کشفیات بزرگی در زمینه تاریخ پیدایش انسان بر روی کره زمین نائل شده بود، در سن ۸۳ سالگی در نایروبی درگذشت. دو پژوهش‌گر نام‌برده در سال ۱۹۴۷ جمجمه‌ی موجود میمون‌نمایی را کشف کردند که در ۲۵ میلیون سال پیش می‌زیسته است و جد مشترک انسان‌ها و میمون‌ها به حساب می‌آید.

آنان در سال ۱۹۵۰ نیز در تانزانیا بقایای فسیلی شده‌ی انسان‌های اولیه‌ی را یافتند که در ۱/۸ میلیون سال پیش زندگی می‌کردند. تا آن زمان تصور می‌شد که عمر نوع انسان از یک میلیون سال فراتر نمی‌رود.

یافته‌های تازه‌تر نشان می‌دهد که هومو هابیلیس (انسان توانیا) Homo habilis با مغز بزرگ و مرکز کلامی برجسته‌اش، ۲/۵ میلیون سال پیش هم‌زمان در تمامی قاره‌ی آفریقا به‌سر می‌برده است. به نظر پژوهش‌گران دلیل اصلی تکامل از میمون به انسان بر روی دوپا ایستادن و راه رفتن پُرده است. خانم ماری لی کی در سال ۱۹۷۸ نیز با کشف جای پای یک مرد، یک زن و کودک بر روی خاکستر سنگ‌شده‌ی آتش‌فشان‌ها، نشان داد که اجداد انسان کنونی در ۳/۵ میلیون سال پیش و چه بسا مدت‌ها پیش از آن بر روی دو پا راه می‌رفته‌اند و تکامل پاها مدت‌ها قبل از تکامل مغز صورت پذیرفته است.

## قورباغه‌های عجیب‌الخلقه

کشف روزافزون دوزیستان تغییر شکل یافته در آمریکای شمالی نگرانی متخصصان را برانگیخته است. زیرا گفته می‌شود دوزیستان بارومترهای (فشارسنج) حساس محیط‌زیست هستند، چرا که پوست این مهره‌داران همه‌ی مولکول‌ها را از خود عبور می‌دهد و قابلیت جلوگیری از عبور بعضی از مولکول‌ها را ندارد.

حدود چند ماه است که قورباغه‌هایی که پنج یا سه پا دارند و چشم‌هایشان غیرعادی است یا اندام‌های بدن آنها فلج و تغییر فرم یافته است، در ۱۸ ایالت آمریکای شمالی توجه دانشمندان محیط‌زیست را به خود جلب کرده است. بررسی‌های پدیدگی موجود هم‌چنان ادامه دارد و از بین تئوری‌های مختلفی که در توجیه علت این پدیده‌های غیرعادی ارائه شده است، وجود مواد شیمیایی یا ویروس در آب بیش‌تر مورد تأیید است.

## اصلاح ژنتیکی مواد غذایی

همان‌طور که قبلاً نوشتیم دولت آلمان سرمایه‌گذاری بزرگی در رشته‌ی مهندسی ژنتیک کرده است و خیال دارد از این نظر آلمان را به مقام نخست در اروپا برساند. بیوتکنولوژی یعنی دخالت در ژنوم گیاهان و حیوان‌ها عکس‌العمل مخالف زیادی دارد.

اما به‌رغم اعتراض‌های شدید مخالفان وزیر تحقیقات و تکنولوژی آلمان سعی دارد با بحث‌های اقلی مخالفان را راضی کند و آنها را به این نتیجه برساند که بیوتکنولوژی آینده سرمایه‌داری موادغذایی است و این فرصت آینده را نباید از دست داد.

«رستگاری» یا به‌قول وزیر تحقیقات آلمان «اصلاح» ژنتیکی محصولات غذایی بحث‌های مخالف و موافق زیادی پیرامون خود براف انداخته است. در دفاع از این تکنیک گفته می‌شود که با اصلاح ژنتیکی گیاهان و سبزیجات دیگر احتیاجی به کاربرد موادشیمیایی و ضدآفات نیست و این خود قدمی در حفظ محیط‌زیست است. کاربرد این علم در صنعت داروسازی از جمله تهیه انسولین نیز مورد مثبت قابل دفاع دیگری است.

در عوض مخالفین عقیده دارند که سرمایه‌داران برای پرکردن جیب خود محصولات ژنتیکی به بازار عرضه می‌کنند و دلایل بروز جنون گاوی نیز این ترس را افزایش می‌دهد.

در هر صورت نکته‌ی مورد توافق همگان این است که از این پس همه‌ی محصولات اصلاح‌شده‌ی ژنتیکی باید اتیکت مشخص داشته باشند تا مصرف‌کننده در خرید کالای مورد نظر خود آزاد باشد.

## مرگ صدها انگلیسی بر اثر جنون گاوی؟

گروه پژوهش‌گران انگلیسی که بر روی بیماری جنون گاوی کار می‌کنند اعلام کرده‌اند که با بررسی پیشرفت بیماری حدس می‌زنند که تا چند سال آینده در مبتلایان بیشتری علائم منجر به مرگ این بیمار آشکار خواهد شد. آنها می‌گویند در سال‌های اول قرن آینده شاهد اوج بیماری خواهیم بود.

این گروه، مقاله‌ی حاوی نظراتشان را براساس مطالعه بر روی ۱۴ مورد بیمارانی جدید مبتلا به جنون گاوی انتشار داده‌اند (مواردی که در افراد کمتر از ۴۰ سال دیده شده بود).

مقام‌های وزارت بهداشت انگلیس در مورد بیانیه‌ی پزشکان مذکور اظهار نظری نمی‌کنند و عقیده دارند هنوز زود است که چنین نتایجی را قطعی دانست. اما آنچه مسلم است آن است که بیش‌ترین عامل انتشار بیماری در این دوره گوشت همبرگر بوده است زیرا در این نوع غذا علاوه بر گوشت قرمز، بافت‌های غیر ماهیچه‌ای گاو نیز وجود دارد.

## پاپ هم تئوری داروین را پذیرفت

پاپ ژان پل دوم در سخنرانی ۲۳ اکتبر خود در برابر آکادمی مذهب و علوم در واتیکان قبول کرد که «اساس نظریات داروین چیزی بیش از یک فرضیه است».

داروین دانشمند انگلیسی در سال ۱۸۵۹ نظریه‌ی تکامل انواع را براساس انتخاب طبیعی مطرح کرد. اصل تکامل بحث و مناظره‌های زیادی بدنبال خود آورد و مخالفت بسیاری در محافل مذهبی برانگیخت. سخنرانی اخیر پاپ توجه زیادی را بخود جلب کرده است. البته این اولین بار نیست که یک رهبر مذهبی کاتولیک نظری ملایم به اصل تکامل نشان می‌دهد.

در سال ۱۹۵۰ یعنی ۹۱ سال پس از طرح این تز پیوس دوازدهم در بخشنامه‌ی مذهبی خود اعلام کرد که «تکامل یک فرضیه‌ی جدی است که احتیاج به بررسی عمیق دارد». نزدیک نیم قرن پس از موضع‌گیری نرم پیوس دوازدهم، ژان پل دوم امروز قدمی جلوتر بر می‌دارد و فرضیه‌ی داروین را پیش از یک هیپوتز (فرضیه) می‌داند. اما وی در عین حال بر تمایز روح از ماده تأکید می‌کند و می‌گوید تئوری تکامل با حقیقت انسان ناسازگار است.

## برگزاری کنفرانس

## «حکومت و مذهب»

هفدهمین کنفرانس انجمن پژوهشگران ایران تحت عنوان «حکومت و مذهب» با همکاری دانشگاه لندن در روزهای ۲۱ و ۲۲ بهمن ماه برگزار گردید.

در این کنفرانس چهار سخنران از متخصصین و صاحب‌نظران ایرانی و خارجی مقیم کشورهای انگلستان، فرانسه، سوئد، آلمان و سوئیس شرکت داشتند. سه سخنرانی از مجموع سخنرانی‌ها بزبان انگلیسی و توسط پژوهشگران و استادان دانشگاه‌های انگلیس ایراد شد.

چهار سخنران از پیروان ادیان غیر اسلامی - شیعی یعنی زردشتی، مسیحی، بهائی و سنی بودند. موضوع اصلی بقیه سخنرانی‌ها عموماً معطوف به اوضاع ایران امروز، ولایت فقیه، حقوق بشر و مسائل مربوط به دموکراسی و آزادی بیان و عقیده و جز اینها بود.

دو نفر از سخنرانان مدعو، بکی بعلت وضع نامساعد مزاجی اجازه پرواز از آمریکا را پیدا نکرد و دیگری از ایران (دکتر حبیب‌الله پیمان) بعلت ممنوع‌الخروج شدن نتوانست در کنفرانس شرکت نماید.

## عفو بین الملل نگران سلامتی فرج سرکوهی است

مورد تأیید قرار داده و طی نامه‌ای که در تاریخ ۸ ژانویه ۱۹۹۷ برای عفو بین‌الملل ارسال کردند، فتوکپی مدرکی را که به گفته آن‌ها گذرنامه فرج سرکوهی می‌باشد، ارائه نمودند، روی این برگه مهر مربوط به ورود به آلمان در تاریخ ۳ نوامبر ۱۹۹۶ دیده می‌شود.

روزنامه‌های سوند و آلمان در روز ۳۰ ژانویه ۱۹۹۷ ترجمه نامه‌ای را منتشر کردند که گفته می‌شود در اصل به خط فرج سرکوهی بوده و ظاهراً به شکل محرمانه از ایران ارسال شده است. بعداً این نامه در کشورهای دیگر به چاپ رسید.

در این نامه او اعلام کرد که در ایران بازداشت شده و تحت شکنجه قرار گرفته است تا در مقابل دوربین به جاسوسی برای آلمان اعتراف کند. به اوگفته شده بود که عکس وی از پاسپورت برداشته شده و فرد دیگری به جای او به آلمان فرستاده شده تا روی پاسپورت فرج سرکوهی مهر ورود به آلمان زده شود. بعد از این که مقامات آلمانی ورود شخص وی را به آلمان تأیید نکردند، او در فرودگاه تهران رها شد تا طبق دستور ارعا کند که در آلمان به سر می‌برده است. در نامه فوق‌الذکر او خود را محکوم به مرگ دانسته و گفته

عفو بین‌الملل نگران سلامتی فرج سرکوهی، سردبیر مجله آدینه، برادرش اسماعیل و دستیارش پیروین اردلان می‌باشد. عفو بین‌الملل حدس می‌زند که آن‌ها به عنوان زندانی عقیدتی در محلی نامعلوم نگهداری می‌شوند و خواستار آنست که هر چه سریع‌تر از محل نگهداری آن‌ها اطلاع حاصل کند.

محل اقامت فرج سرکوهی و برادرش اسماعیل از ۲۷ ژانویه ۱۹۹۷ به بعد نامعلوم گزارش گردیده، هم‌چنین گفته می‌شود که پیروین اردلان از ۲۴ ژانویه به بعد دیده نشده است.

فرج سرکوهی یک بار قبلاً در ۳ نوامبر ۱۹۹۶ ناپدید گشت. گر چه بنابه گفته مقامات دولت ایران او به آلمان مسافرت کرده بود، اما گویا مقامات آلمان عقیده داشتند که فرج هرگز از ایران خارج نشده است. برخی از منابع احتمال می‌دادند که وی در مکانی نامعلوم در ایران توسط سرویس‌های اطلاعاتی نگهداری می‌شود.

فرج سرکوهی روز ۲۰ دسامبر ۱۹۹۶ در فرودگاه تهران مجدداً ظاهر شد و اعلام کرد که واقعاً در آلمان به سر می‌برده ولی هیچ تماسی با بستگان خود در آلمان یا ایران برقرار نکرده بود. در آن موقع او نتوانست هیچ دلیلی برای اثبات اظهاراتش ارائه کند، ولی مقامات رسمی ایران اظهارات او را

## خاموشی «بزرگ» داستان‌نویسی معاصر ایران

بزرگ علوی، نویسنده‌ای که نامش با برآمدن و پویایی داستان‌نویسی معاصر ایران گره خورده است، هفته‌ی پیش در سن ۹۳ سالگی در برلین چشم از جهان فرو بست. او از معدود بازماندگان گروه «۵۳ نفر» بود که به خاطر انکارشان زندانی رژیم رضاشاه شدند و پس از شهریور ۱۳۲۰ نقش قابل‌اعتنایی در تحولات سیاسی آن دوران بازی کردند. بزرگ علوی پس از آزادی از زندان به حزب توده‌ی ایران پیوست و در سال ۱۳۳۱ به ناچار جلا وطن گردید. او در خارج از کشور پس از چندی از سیاست کناره‌گیری گرفت و تنها به کارهای آکادمیک مشغول شد که معرفی ادبیات معاصر ایران به زبان آلمانی و تدوین یک فرهنگ فارسی به آلمانی به همراهی همکار آلمانی‌اش یونگر حاصل این سال‌های زندگی علوی است.



آثار برجسته‌ی علوی در زمینه‌ی داستان و ژمان عمدتاً به همان سال‌های حضور وی در ایران مربوط می‌شوند. وی سال ۱۳۰۸ مجموعه‌ی داستان‌های کوتاه خود را در کتابی با عنوان «چمدان» منتشر کرد که به لحاظ ساختار از داستان‌های غربی متأثر بود. زبانی ساده و غیر متکلف داشت و اثری از اندیشه‌های رمانتیک در آن به چشم می‌آمد. این کتاب در کنار تلاش‌های داستانی صادق هدایت از

راه‌گشایان تحول در داستان‌نویسی ایران بود و جزء آثار بنیادین این رشته به شمار می‌رود. علوی پس از آن که در سال ۱۳۱۹ از زندان وارحید دو کتاب داستانی دیگر با عنوان «ورق پاره‌های زندان» و «۵۳ نفر» که پرداخته‌ترین داستان‌های کوتاه وی به شمار می‌روند

داستان‌نویسی معاصر ایران به شمار می‌رود. علوی در پیش‌تر داستان‌های خود گزارش‌گر تجربه‌ها و دیده‌های بی‌واسطه‌ی خویش از رویدادها و تب و تاب‌های زندگی است. او گرچه به‌ویژه در آثار اولیه‌اش تحت تأثیر هدایت قرار دارد، لیکن برخلاف او به شدت زبالیست و تصویرگر دنیای عینی شخصیت‌ها است. در حالی که هدایت بیشتر به زندگی روانی و حالت‌های درونی انسان‌ها نظر دارد، داستان‌های علوی اغلب از زبان راوی اول شخص بیان می‌شوند و همه‌ی شخصیت‌ها از منظر نگاه اوست که به صحنه می‌آیند و معرفی می‌شوند و کمتر می‌توان به مکنونات قلب آن‌ها در قضاوتی برکنار از آراء و نظریات راوی درباری شخصیت‌شان دست یافت. این اما نافی این واقعیت نیست که علوی در مقام راوی اول شخص، توصیف‌گری دقیق و موشکاف از جنبه‌های عینی رویدادها و رویدادها، شخصیت‌ها و زوایای زندگی اجتماعی است. اگر در گستره‌ی بی‌ریزی و تکوین داستان معاصر ایران، به لحاظ کیفی صادق هدایت در سکوی نخست ایستاده باشد، علوی بی‌شک در رده‌ی پس از او قرار می‌گیرد و از همین رو حق بزرگی بر گردن ادبیات داستانی ایران دارد. یادش گرامی باد.

## «فروغ» پُر فروغ

۲۴ بهمن ۳۰ سال پیش قلب پرپیش و هستی‌ستای فروغ فرخزاد از حرکت باز ایستاد. آن هم در نیمه‌راه زندگی و در هنگامه‌ی که شعرش به اوج شکوه و ارجمندی رسیده بود. فروغ نخستین زنی بود که در شعر پارسی زبان و هویتی زنانه را به نمایش گذاشت و با قرائت رفتن از هنجارها و برسیب‌های جامعه‌ی مردسالارانه‌ی ما، انگاره‌های تحجرگرای زنانگی‌سبیز را به سخره گرفت و رهایی زن از قید و بندهایی که به بهانه‌ی جنسیتش به وی تحمیل شده‌اند، با صدای بلند طلب کرد. این تلاش اما نه شعر او را یک‌سویه کرد و نه او را از پرداختن به ارزش‌ها و چشم‌اندازهای عام انسانی غافل نمود. شعر فروغ در واقع بازتاب تب و تاب و تمنیات انسان عصر ماست. آینه‌ی است که زلال و تیرگی‌های زندگی را بازمی‌تاباند و به ایستادگی در برابر زوال و مرگ فرامی‌خواند. برای فروغ شعر «اصلاً جزئی از زندگی است... که اگر به محیط و شرایطی که در آن به‌وجود می‌آید و رشد می‌کند بی‌اعتنا بماند هرگز نمی‌تواند شعر باشد». و هم اوست که شعر را «نیازی ناآگاهانه به مقابله و ایستادگی در برابر زوال» نشانده‌ی آن عشق فزون‌تر به زندگی توصیف می‌کند.



همکاری در تهیه‌ی چنین فیلم و یک ژمان نیمه‌تمام حاصل پربار هستی کوتاه و ۳۲ ساله‌ی فروغ‌اند. فروغ در شعر معاصر ایران از چنان جایگاه بلندی برخوردار است که واپس‌گرایان حاکم نیز به رغم سانسور آثار وی، در نفي و انکار حضور سنگین و بی‌بدیل شعر او ناتوان مانده‌اند.

در سی‌امین سال‌گرد خاموشی فروغ بخش‌هایی از شعر ماندگار «تنها صداست که می‌ماند» را با هم مرور می‌کنیم:

**تنها صداست که می‌ماند**  
**چرا توقف کنم، چرا؟**  
**پرنده‌ها به جستجوی جانب آبی**  
**رفته‌اند**  
**افق عمودی است**  
**افق عمودی است و حرکت،**  
**قواره‌وار**  
**و در هر دو بینش**  
**سپاره‌های نورانی می‌پروند**  
**زمین در ارتقاع به تکرار می‌رسد**  
**و جاه‌های هوایی**  
**به تقدیم‌های رابطه تبدیل می‌شوند**  
**و روز وسعتی است**  
**که در مخیله‌ی تنگ کیرم روزنامه،**  
**نمی‌کنیم...**  
**نویات تعلی نیروها پیوستن است،**  
**پیوستن**  
**به اصل روشن خورشید**  
**و ریختن به شعور نور**  
**طبیعی است**  
**که آسایش‌های باری می‌پوسند**  
**چرا توقف کنم؟**  
**من خوشه‌های نارنج گندم را**  
**به زیر بستان می‌گیرم**  
**و شیر می‌دهم**  
**صدای صدای تنها صدای**  
**صدای شواهن شفاف آب به جاری شدن**  
**صدای ریزش نور ستاره بر جدار مارگی خاک**  
**صدای انفجار تپه‌ی معنی**  
**و بسط ذهن مشترک عشق**  
**صدای صدای صدای تنها صداست که**  
**می‌ماند**

زیادشان می‌شود. اصلاً باید کتاب را از ریشه سوزاند. باید حتی به درخت‌ها هم رحم نکرد یا لاقلاً از آنها برای ساختن کبریت استفاده کرد.

چند روز پیش دوستی را دیدم که دو جلد فرهنگ عمید همراه با مثنوی و شاهنامه و دن کیشوت و خانواده‌ی تیبو را به ۳۵۰۰ تومان فروخت تا برای خواهر همسرش هدیه چشم روشنی بخرد!

پس خوشا به حال جامعه‌ی بی‌درخت، جامعه‌ی در کویر و کویری در ذهن. من هم فردا بروم با یک دوره فرهنگ معین یک آتاری بخرم برای پسریم!

کرماتشاه-ایرج‌کیا  
 برگرفته از نشریه جهان کتاب سال دوم شماره اول و دوم

## در رثای کتاب

لغت‌نامه‌ی دهخدا جلیزیه‌ی عروس باشد؟  
 کتاب مظلوم‌ترین شیء خانه است. بی‌کتاب خانه‌مان احساس دل‌تنگی نمی‌کند. اما بی‌تنگ بلور، دلش تنگ می‌شود. تاقچه یا کمد با مثنوی و حافظ دلش خوش می‌شود، اما بشقاب چینی با طرح گل سرخ چیز دیگری است. سنگ آفتاب را که نمی‌شود به مهمانی برد و به رخ دیگران کشید، اما سنگ سردگوشواره یا انگشتری را می‌شود همه‌جا با خود برد. بدبختانه کتاب جاگیر هم هست حالا وقت گریش به درک یا حراج آن هم بخشی از فضای خانه آزاد می‌شود و هم با پسر آن

مدتی است به اجبار شاهد یک ماجرای غم‌انگیز شده‌ام و شاید بتوان گفت حتی یک فاجعه. البته ماجرای نیست که تازه شروع شده باشد، و یا فقط من شاهدش بوده باشم. نه... اما تا به حال ندیده‌ام کسی به آن اشاره‌ی کرده باشد در جایی. می‌خواهم که از یک درد حرف بزنم، از کتاب و از درد کتاب. نه از نخواندنش، از فروختنش. از این‌که در هر پیش‌آمدی هر تنگنا و فشاری، در تهیه‌ی مخارج هر عید و عزا و هر عندی اولین چیزی که به پول تبدیل می‌شود کتاب است. با کتاب تلویزیون‌مان را رنگی می‌کنیم، با کتاب هالیوود را به خانه دعوت می‌کنیم و حتی می‌شود مقداری از جلیزیه‌ی دختر یا خواهرمان را با پول کتاب تهیه کنیم. (راستی تا بحال رجا شده که یک دوره

## تازه‌های کتاب

شعر نیما در کتاب «نگاهی به شعرنیما» اینک مجموعه‌ی نقد و نظرهایش در مسائل مختلف ادبی و هنری را که طی سالیان گذشته در نشریات مختلف به چاپ رسیده‌اند یک جا در کتابی به نام «نقطه‌ها» منتشر کرده است. این کتاب ۵۰۰ صفحه‌ی دارای سه بخش است که بخش نخست آن به تئوری و نقد شعر مربوط می‌شود. مقالات «الهام»، «نقش زبان در شعر»، «صدای اسطوره‌ی» (تفسیر شعر «ری را» از نیما) «بازتاب دموکراسی در شعر فارسی» و مقالات جدلی وی بر سر معناها و ارزش‌های شعر یدالله رویایی از جمله مطالب خواندنی این بخش می‌باشند. بخش دوم نقد چندین داستان از محمود دولت‌آبادی، هوشنگ گلشیری، منیر و روانی‌پور و ... و نیز مصاحبه‌هایی در بساب چند و چون داستان و داستان‌نویسی را در برمی‌گیرد. در سومین بخش کتاب نقدها و مقالات گوناگون فلکی در باب مسائل مختلف ادبی و هنری گرد آمده‌اند که «ادبیات و سیاست»، «روان‌شناسی پیونگ» و «نقد ادبی» از خواندنی‌ترین آن‌ها هستند.

کتاب نقطه‌ها را انتشارات سنبله (هامبورگ) منتشر کرده است که آدرس آن از این قرار است:

Sonbolen  
 C/O Copystube  
 Grindelallee 40  
 21046 Hamburg  
 Germany

## گفته‌ها و نکته‌ها

«طبق بررسی‌های به‌عمل آمده اجرای طرح استفاده‌ی اجباری از چادر به عنوان حجاب برتر در برخی از واحدهای دانشگاه آزاد اسلامی در استان مازندران بازتاب منفی میان مردم ترکمن و اهل سنت شرق این استان داشته است. البته اجرای این دستورالعمل در بعضی واحدهای دانشگاه آزاد اسلامی در شهرهای دیگر به خاطر فراهم نبودن زمینه‌های لازم، واکنش مشابهی را پدید آورده است.»

کیهان هوایی - ۱۰ بهمن

«سینما یا تلویزیون ابزاری است که در واقع تکنیک‌های خودش را دارد و نمی‌شود قانون‌هایی را برای آن‌ها وضع کرد. برای مثال ... (در جمهوری اسلامی) نشان دادن چهره‌ی درشت زن ممنوع شده است. تصویر درشت در سینما یا تلویزیون اصولاً جزء ابزار تکنیکی سینما و تلویزیون است که کاربرد آن برای القای درد، رنج و یا شادی است. و یا توصیه شده تا خانم‌ها پیش‌تر در قالب مادرهای مهربان و همسر دل‌سوز نمایش داده شوند... زمانی که این ضوابط بسیار تنگ را جلوی فیلم‌ساز می‌گذارند... نتیجه‌اش تصاویری یک بُعدی و کلیشه‌ی زن زن می‌شود.»

تهمینه میلانی در دومین جشنواره‌ی سینما ماهنامه‌ی فیلم / شماره‌ی ۱۹۷

فیلم‌های در دست تهیه‌ی تلویزیون جمهوری اسلامی: «۱- امام حسین، ۲- امام صادق، ۳- امام رضا، ۴- شیخ بهائی، ۵- حضرت خدیجه، ۶- مولانا محمد بلخی، ۷- شیخ فضل‌الله نوری، ۹- شهید همت، ۱۰- آخوند خراسانی، ۱۱- شهید چمران، ۱۲- شیخ محمد خیابانی، ۱۳- استاد شهبازی، ۱۴- خواجه‌نصیرالدین طوسی، ۱۵- پلیس جنوب، ۱۶- ملاصدرا، ۱۷- فراماسونری، ۱۸- داستان انقلاب اسلامی»

از مصاحبه‌ی مدیر روابط عمومی سینما با ماهنامه‌ی فیلم / شماره‌ی ۱۹۷

«شخصیت‌های داستانی نمی‌توانند طبق سلیقه‌ی میزبان نشر کتاب رفتار کنند... اصرار بر عدم استفاده از کل ظرفیت زبان، اخلاق جامعه را اصلاح نمی‌کنند... وقتی به نویسنده می‌گویند این جمله و آن بند باید عوض شود، مثل این است که به معماری بگویند آن سقف یا پنجره را بردار...»

ابوتراب خسروی / داستان‌نویس معاصر در گفتگو با روزنامه‌ی همشهری

«حالا این خطر وجود دارد که نویسندگانی که آثارشان اجازه‌ی نشر نمی‌یابد به این نتیجه برسند که باید کل رژیم را سرنگون کرد. از به میدان آمدن نویسندگان جدید دیگر هیچ خبری نیست، چون هیچ ناشری جرئت و یا توانایی آن را ندارد که آثار کسی را که کاملاً مورد تأیید نیست منتشر کند.»

هوشنگ گلشیری در مصاحبه با یک خبرنگار سوئدی روزنامه‌ی تاتس / ۱۵ فوریه

نیز مفید و جالب در نظر آید. در کنار «دنیای سوئی» می‌توان به کتاب‌هایی هم چون «مردان اندیشه» اشاره کرد که دربرگیرنده‌ی مصاحبه‌هایی است که «براین مگ» نویسنده و فلسفهدان معاصر انگلیسی با چندین فیلسوف و فلسفهدان معاصر درباره‌ی عمده‌ترین جریان‌ها و شاخه‌های فلسفی سده‌ی حاضر انجام داده و در آن از طریق پرسش‌های نسبتاً روشن‌گرانه و موشکافانه به زوایای تفکر فلسفی معاصر پرتو افکنده شده است. این کتاب را در واقع می‌توان جلد دوم کتاب «فلاسفه‌ی بزرگ» (آشنایی با) فلسفه‌ی غرب) به حساب آورد که در آن نیز گفتگوهای مگی با تنی چند از فلسفهدانان درباره‌ی فلاسفه‌ی متقدم‌تر بازتاب یافته است. «فلاسفه‌ی بزرگ» که سال ۱۳۷۲ با ترجمه‌ی عزت‌الله فولادوند در ایران انتشار یافته حاوی گفتگوهای درباره‌ی اندیشه و سلوک فکری-فلسفی افلاطون، ارسطو، فلاسفه‌ی قرون وسطی، دکارت، اسپینوزا، لایپنیتز، لاک و بارکلی، هیوم، کانت، هگل و مارتس، شوپنهاور، نیچه، هوسرل و هایدگر، پیروان آمریکایی مکتب اصالت عمل، فرگه و راسل و ویگنشتاین می‌باشد. در کتاب «مردان اندیشه» که آن را نیز فولادوند به فارسی برگردانده و انتشارات طرح نو چندی پیش به بازار فرستاده ما با دیدگاه‌های آریایا برلین، چارلز جامسکی، هیلری پانتام، ارنست گلنرو ... و با مباحثی هم‌چون چند و چون و ضرورت فلسفه، موفقیت‌ها و بقیه در صفحه ۹

# منشور همکاری

## سازمان جمهوری خواهان ملی ایران سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) حزب دمکراتیک مردم ایران

خواناترین شکل حاکمیت مردم است، - از آنجا که گذار از نظام استبدادی و ولایت فقیه به مردم سالاری و جمهوری مستلزم همکاری و همکاری نیروهای معتقد به دمکراسی و جمهوری است، امضا کنندگان این منشور، با حفظ دیدگاههای خود در برنامه‌های متمایز، آن را بشما به پایه همکاری‌ها و فعالیت‌های سیاسی مشترک خود و نیز به عنوان چارچوب پیشنهادی برای همکاری با سایر سازمان‌ها، احزاب و شخصیت‌های جمهوریخواه اعلام می‌کنند:

- ۱- دفاع از آزادی‌های فردی و اجتماعی، آزادی مطبوعات، آزادی بیان، آزادی در اعتقادات مذهبی و باورهای فلسفی، آزادی احزاب و سندیکاها و سایر آزادی‌های دمکراتیک، رفع ستم و تضییقات از زنان کشور و اقلیت‌های مذهبی، دفاع از برابر حقوقی کامل زنان با مردان در کلیه عرصه‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی.
- ۲- مبارزه در راه تأمین پلورالیسم سیاسی، جدایی دین و ایدئولوژی از دولت، رعایت اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق‌ها و ضامن آن.
- ۳- پذیرش حاکمیت مردم و دفاع از حق آنان در تعیین نظام سیاسی و انتخاب حکومت، تبعیت از آرا اکثریت و رعایت حقوق اقلیت، باور به مبارزه سیاسی در چارچوب قوانین

- با توجه به اینکه طی ۱۷ سال حکومت جمهوری اسلامی، میهن مادر زمینهای اقتصادی، مالی و فرهنگی، سیر فقرایی پیموده، فقر و محرومیت همه گیر شده است، - با توجه به این واقعیت که آزادی و سعادت مردم ایران و رشد و توسعه جامعه مستلزم نفی هرگونه استبداد و دمکراتیزه کردن حیات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشور است، - با توجه به اینکه مقید ساختن نظام سیاسی به دین و ایدئولوژی ناقض و مانع شرکت آزاد و برابر مردم در تعیین مصالح و منافع عامه است و حکومت جمهوری اسلامی با تکیه بر ولایت فقیه و توسل به قهر و اسحای آزادی‌های سیاسی، امکان مشارکت مردم در اداره امور جامعه را از میان برداشته است، - با توجه به اینکه طی پنجاه سال سلطنت استبدادی پهلوی و در رژیم جمهوری اسلامی، آرمان‌های آزادیخواهانه و عدالت‌طلبانه مردم ایران در انقلاب مشروطیت و بهمن تحقق نیافته است، - از آنجا که وجود نهادهای دمکراتیک و گسترش فرهنگ دمکراسی در جامعه، مبارزه سیاسی مسالمت‌آمیز و کثرت‌گرایی، مطمئن‌ترین راه تأمین حاکمیت مردم و ضامن بقا و استمرار آنست، - با اعتقاد به اینکه نظام جمهوری، مبتنی بر آزادی و دمکراسی پارلمانی و عدم تمرکز، مناسب‌ترین و

دمکراتیک. ۴- پیکار در راه توسعه و ترقی اقتصادی کشور، غلبه بر فقر و محرومیت‌های اقتصادی مردم، گسترش رفاه عمومی و عدالت اجتماعی و تأمین فرصت‌های برابر برای همه شهروندان. ۵- رفیع تضییقات و محرومیت‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ملت ایران ایجاب می‌کند که مردم به حداکثر امکانات مطلوب در اداره امور محلی و منطقه‌ای خود دست یافته و در تصمیم‌گیری‌های مربوط به شرایط زندگی خویش از طریق دمکراتیک و انتخاباتی سهیم و ناظر باشند.

ما به شیوه کشورداری غیر متمرکز به معنای تصدی امور محلی، اداری، اقتصادی، فرهنگی و آموزش در چارچوب کشور و دوام دمکراسی و تأمین آرامش و تفاهم ملی ضروری می‌دانیم. مواضع هر یک از امضا کنندگان این منشور پیرامون اشکال مختلف عدم تمرکز در اسناد و مصوبات آنها بازتاب یافته است.

۶- دفاع از استقلال ملی و یکپارچگی کشور. ۷- پیروی از سیاست خارجی مستقل و صلح‌آمیز، اتخاذ سیاست دوستی و همزیستی مسالمت‌آمیز با همه کشورهای جهان و پیوسته با کشورهای همسایه بر اساس اصل عدم مداخله در امور یکدیگر و پیروی از سیاست مستقل و ملی مبنی بر عدم

# گامی مهم در راستای تشکیل آلترناتیو دموکراتیک

در تاریخ ۱۴ بهمن ماه، سند منشور همکاری سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، سازمان جمهوریخواهان ملی ایران و حزب دموکراتیک مردم ایران مورد توافق نهایی قرار گرفت و گام نخست تلاش‌هایی که از چندین سال پیش با تلاطم‌ها و افت و خیزهای فراوانی جریان داشت به ثمر نشست. توافق حول این منشور همکاری، آغاز مرحله‌ای امید آفرین را بازتاب می‌دهد. این سند و اهمیت آن را بویژه از دو جنبه می‌توان مورد بررسی قرار داد. شرایط و موقعیتی که برداشتن این گام نخست را امکان‌پذیر ساخت و چشم‌اندازها و عرصه‌هایی که می‌تواند گام نخست را در راستای اهداف آن با موفقیت و پیروزی و برداشتن گام‌های بعدی قرین سازد. در عرصه نخست، اهمیت حصول توافق پیرامون منشور همکاری، ناشی از این واقعیت است که برای اولین بار در سال‌های اخیر، در صحنه سیاسی کشور ما، نیروهایی با پیشینه سیاسی متفاوت، با دیدگاه و فرهنگ سیاسی و مواضع غیر یکسان و با تاکیدات و زوایای نگرش خاص نسبت به مسائل سیاسی و اجتماعی، تمام تلاش و کوشش خود را بکار می‌بندند تا مشترکات دیدگاه‌ها و سیاست‌های خود را تدوین و تنظیم کنند. این نکات و وجوه مشترک عرصه‌ها و موارد بسیار مهمی پیرامون ساختار سیاسی نظام موجود، ساختار سیاسی و مشخصات و ارزش‌های جاری در حکومت پیشنهادی و روش‌ها و عرصه‌های تلاش برای گذار به آن ساختار را شامل می‌شود. حصول توافق پیرامون این نکات اساسی، در عین پایبندی به ارزش‌های اعتقادی و مواضع سیاسی، به حد بالایی از تفاهم، تلاش برای اتکا به نکات مشترک به جای موارد اختلاف، دموکراتیسم و نیز درک و پذیرش تباین‌ها نیاز داشت. چنین تلاش تحسین‌برانگیزی خود نمایش رشد یک روحیه و منش قابل اتکا در جنبش سیاسی کشور ماست.

تلاش‌ها برای تدوین یک منشور همکاری بین نیروهای چپ و جمهوریخواه و دموکرات از پیش از ترور دکتر عبدالرحمن قاسملو، دبیر کل اسبق حزب دموکرات کردستان ایران، و از جمله به ابتکار خود وی شروع شد. در جریان گفتگوها و تدوین منشور اولیه حزب دموکرات کردستان ایران، سازمان فدائیان خلق ایران، سازمان جمهوریخواهان ملی ایران، حزب دموکراتیک مردم ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) حضور داشتند. به دنبال ترور دکتر بختیار توسط عوامل جمهوری اسلامی، سیاست شرکت در تدوین منشور مشترک توسط مسئولین حزب دموکرات کردستان پی گرفته نشد و سازمان فدائیان خلق ایران (پيروان بیانیه ۱۶ آذر) نیز طی اطلاعیه‌ای انحصاری، سازمان را اعلام داشت. سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، حزب دموکراتیک مردم ایران و جمهوریخواهان ملی ایران مباحث خود را پیرامون منشور مشترک و در ارتباط با برخی دیگر نیروهای چپ و ملیون در خارج و داخل کشور ادامه دادند.

سازمان ما از همان آغاز، روندهای معطوف به نزدیکی نیروهای چپ با نیروهای دموکرات جمهوریخواه را نه در تقابل و به جای تلاش برای نزدیکی نیروهای چپ که به مجموعه آن به مثابه دو رکن به هم وابسته نگریسته است. روندهای همسو و همبسته‌ای که مآلا به تقویت تاثیر نیروی چپ بر مسیر رویدادها و آینده سیاسی کشور، در متن تلاش برای تشکیل آلترناتیو نیروهای جمهوریخواه آزادخواه منجر خواهد شد. در جریان تلاش برای دستیابی به منشور مشترک همکاری بین سه سازمان، تمرکز بحث‌ها عمدتاً پیرامون مشی سیاسی و مواضع در قبال جمهوری اسلامی، درک از مبارزه سیاسی و مسالمت‌آمیز، ضرورت ارائه آلترناتیو در برابر جمهوری اسلامی و مساله ملی و اشکال مختلف عدم تمرکز (خودمختاری، خودگردانی، انجمن‌های ایالتی و ولایتی و...) بود. پیشبرد بحث‌ها در اکثر موارد به حصول توافق منجر شد. در مورد مساله ملی و امر خودمختاری مشخص شد مابین سه سازمان توافق نظر وجود ندارد و پذیرفته شد که وجود این زوایای مختلف نگرش در متن سند بازتاب داده شود. که تاکید می‌بر این امر خواهد بود که وجود برخی ناهمسانی‌ها در متن و بطن انبوهی از اشتراکات، تفاهم و توافق را معنا و مفهوم می‌بخشد.

اکنون، با انتشار منشور مشترک، برداشتن گام‌ها و تلاش در عرصه‌های جدید، در راستای پیشبرد اهدافی که گام نخست را ضروری کرد آغاز شده است. همان‌گونه که در متن سند قید شده است، امضا کنندگان این منشور، با حفظ دیدگاه‌های خود در برنامه‌های متمایز، آن را به مثابه پایه همکاری‌ها و فعالیت‌های سیاسی مشترک خود و نیز به عنوان چارچوب پیشنهادی برای همکاری با سایر سازمان‌ها، احزاب و شخصیت‌های جمهوریخواه اعلام می‌کنند. اینکه مجامع سیاسی ایرانیان در داخل و خارج از کشور به اظهار نظر و نقد سازنده منشور پیشنهادی و پشتیبانی از این کوشش‌ها بپردازند گام بعدی این حرکت را تشکیل می‌دهد. این حرکت در پیوند با جنبش سیاسی درون کشور و در پیوند با احزاب، شخصیت‌ها و انجمن‌های دموکراتیک خارج از کشور می‌تواند ایجادگر تمرکز و تشکل نیرومندی از نیروهای جمهوریخواه دموکرات به مثابه آلترناتیو دموکراتیک رژیم جمهوری اسلامی باشد. باید با تمام نیرو و در راستای تحقق این هدف تلاش کرد.

## اطلاعیه

مناسبات منظم با سایر سازمان‌ها و انجمن‌ها، کانون‌ها و شخصیت‌های آزادیخواهی که بازتاب خواست‌ها و اندیشه‌های خود را در آن مشاهده می‌کنند و نیز سازماندهی اقدامات و فعالیت‌های همسو و مشترک، ارگانی بنام «دفتر هماهنگی جمهوریخواهان آزادیخواه ایران» تشکیل داده‌اند. امیدواریم منشور پیشنهادی، در مجامع ایرانیان داخل و خارج کشور مورد بحث و گفتگو قرار بگیرد تا با پیشنهادات و انتقادات سازنده آنها ترمیم و تکمیل گردد و زمینه ایجاد یک ائتلاف گسترده‌تری از جمهوریخواهان فراهم شود.

۱۴ بهمن ۱۳۷۵  
شوراهای مرکزی  
حزب دمکراتیک مردم ایران  
سازمان جمهوریخواهان ملی ایران  
سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

ترتیب آقای معروفی از سخنرانی در جشن عذر خواست. گوشه‌هایی از متن ارسالی ایشان نیز در جشن خوانده شد. پس از بخش سرودهایی دیگر از ترانه‌سرودهای فدائیان خلق، اسکندر، به صحنه آمد و با اجرای ترانه‌های گوناگون آذری، فارسی، کردی و لری فضایی شاد در سالن آفرید. او ترانه‌هایی نیز برای کودکان خواند. سپس گروه رقص مؤگان به هنرنمایی پرداخت. رقصندگان هنرمند این گروه بسا رقص‌های زیبایی خود، شرکت‌کنندگان در جشن را به شور و یکی از رفقای سازمان برای حاضرین خوانده شد. میهمان دیگر جشن آقای عباس معروفی سردبیر سابق مجلهٔ گردون بود. وی با فرستادن یادداشتی به عنوان سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) از جمله نوشته بود «... نیز در حالی‌که برای قهرمانان سیاهکل احترام قائلم، و یکی از بستگان من ناصر سیف دلیل صفایی قربانی راه آزادی بود است، ایمن حق را دوستانتان از شما می‌گیرم که بگذارید من یک نویسندهٔ مستقل باقی بمانم». به این

می‌گویم و امیدمندیم با ایجاد یک دفتر هماهنگی برای سازمان‌دهی فعالیت‌های مشترک سه سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، حزب دموکراتیک مردم ایران و سازمان جمهوریخواهان ملی ایران پیکار با نظام ولایت فقیه و اختناق حاکم را تشدید نموده و موفق شویم امید به پیروزی در مبارزه با ظلم و نابرابری و دیکتاتوری را دامن» رژیم. در پیام هیئت اجرایی حزب دموکراتیک مردم ایران از جمله آمده است: «اینک سالهاست که سازمان شما و حزب ما، علیرغم مشکلات موجود دست در دست یکدیگر برای ایجاد بدیل چپ دمکرات و آزاداندیش و جسیمه‌ای از جمهوریخواهان آزادیخواه می‌روزمند. تصویب منشور همکاری میان ما و جمهوریخواهان ملی و تشکیل «دفتر هماهنگی جمهوریخواهان آزادیخواه» در ۱۴ بهمن ۱۳۷۵ که حاصل سالها تلاش و کام مشترک است، از دستاوردهای مهم اپوزیسیون آزادیخواه و بیانگر تحول فکری سیاسی امیدبخشی در جنبش

## جشن مرکزی ...

نه آسان به دست آورده و نه از کنارآموزش‌های آن آسان بگذشته است. اگر ما پایداریم، یک: از آن روست که از گذشته‌ای برخورداریم و آن را متعلق به خویش می‌دانیم؛ و دو: گذشتهٔ خود را از منشور تجربهٔ خویش عبور داده و می‌دهیم. راز پایداری و ماندگاری ما، در همینست! بزرگداشت ۱۹ بهمن - روز حماسی، روز تاریخی و روز چرخشی نو در زندگی چپ ایران، برای ما گرامی‌داشت حماسه‌ها و قهرمانی‌ها، و پاس‌داشت دستاوردهای بالندهٔ راه طی شده است. بگذار پرچم ۱۹ بهمن، همواره پرچم عدالت و شکوفندگی باشد». پس از شنیدن شعر «سرود پیوستن»، سرودهٔ خسرو گلنرخ، پیام شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به مناسبت فرارسیدن بیست و ششمین سالگرد رویداد حماسی ۱۹ بهمن با عنوان

هنه‌نامه آلمانی اِشپِگل در شماره هفته‌گذشته، مقاله قابل توجهی از پروفسور گرنوت روتر، استاد شرق‌شناسی معاصر در دانشگاه هامبورگ درباره رفتار جمهوری اسلامی با فرج سرکوهی به چاپ رسانده است که ترجمه آن را درج می‌کنیم.

\*\*\*

آنها نخست فرج سرکوهی را فریب دادند، سپس آزادی این نویسنده را از او سلب کردند و با او در سپاه‌چال‌های خود به «مصاحبه» نشستند – چه واژه تراشی مشمئزکننده‌ای برای شکنجه. و بیم آن نیز می‌رود که بن هم بی‌عمل ناظر ماجرا بماند.

یک انسان چقدر باید از ددمنشی‌های شکنجه‌گران یک رژیم در هراس باشد که خواستار مرگی سریع شود؟ این خواست را سرکوهی در نامه‌ای به شدت تکان‌دهنده، که حکم نوعی وصیت‌نامه خطاب به همسر و فرزندانش را دارد نوشته است. دولت آلمان که پایش به این ماجرا کشیده شده است، تاکی می‌خواهد در این مورد سکوت کند؟ به نظر می‌رسد دولت قصد دارد به سکوت خود ادامه دهد.

سرکوهی، آخرین قربانی ملایان تهران خواهد بود. نظر به آنچه در سال‌های اخیر در نقض حقوق بشر در ایران گذشته است، تروریسم دولتی ادامه خواهد داشت. بر حسب تصادف، درست همان دین از بین ادیان سه‌گانه توحیدی که در تاریخ خود، متأثر از چنان مدارایی بود که باورمندان به این دین، به درستی به آن مباحثات می‌کنند، اکنون برای یک رژیم نقش پوششی بر سبعت در حفظ قدرت را ایفا می‌کند. در احادیث، یعنی گفته‌ها و اعمال نقل شده محمد پیامبر، آمده است: «مسلمانان با یکدیگر برادرند، بر یکدیگر ناحق روا نمی‌دارند و از یاری به هم دریغ نمی‌کنند.» گفتار زیبایی که در ایران، و نیز در عربستان سعودی، نزدیک‌ترین دوست غرب در میان اعراب، به آن اعتنایی نمی‌شود.

عمل این دولت‌ها، نه تنها با مکتب محمد، بلکه با درک معاصر اسلامی از حقوق بشر نیز مغایر است. به عنوان نمونه، در اصل «۲۰ بیانییه حقوق بشر سازمان کنفرانس اسلامی» (۱۹۹۰) آمده است: «هیچ کس حق ندارد فردی را مورد شکنجه جسمی یا روحی یا هرگونه رفتار تحقیرآمیز، خونتبار و یا مغایر با حرمت انسانی قرار دهد.» اینکه تهران به این اصل وقعی نمی‌گذارد، نشانگر عمق ضعف نظامی است که خود را نظامی مذهبی تعریف می‌کند.

اسلام‌گرایان تهران، در سبعت گوی سبقت را از رژیم دنیوی شاه نیز ربوده است. سرکوهی هشت سال را در زندان‌های محمدرضا پهلوی به سر برد که در سال ۱۹۷۹ در انقلاب اسلامی سرنگون شد.

سرکوهی نیز مانند بسیاری دیگر از نویسندگانی که بیشتر در اردوی چپ می‌گنجیدند، امید داشت که حکومت ملایان، برای مردم آزادی‌های بیشتر و یا حتی دموکراسی به ارمغان آورد. از این رو، حتی غیرمذهبی‌هایی مانند سرکوهی نیز از انقلاب استقبال کردند. همه آنها به گونه‌ای دردناک فریب خوردند. سرکوهی در نامه خود که پنهانی از ایران بیرون آورده شده است، می‌نویسد که تمام هشت سال زندان در زمان شاه، آنقدر آزاردهنده نبودند که «تنها پنج دقیقه» از بازداشت ۴۷ روزه در اواخر سال ۱۹۹۶ در دوره ملایان.

بازی غیرانسانی با سرکوهی، حتی بیش از ماجرای رشدی، چهره واقعی رژیم را نشان می‌دهد. تکثیر نویسنده انگلیسی توسط امام قرتوت، خمینی، غرب را به

## فشار به جای گفتگو

پروفسور گرنوت روتر، استاد شرق‌شناسی معاصر دانشگاه هامبورگ

برگرفته از اِشپِگل ۱۷ فوریه ۱۹۹۷

کنند سرکوهی در زمانی که در سپاه‌چال‌های رژیم شکنجه می‌شد، در آلمان به سر می‌برد. چه پاسخ ریشخندآمیزی به این همه دوستی بن یا تهران. اما کلاوس کینکل باز هم از «گفتگوی انتقادی» دست نخواهد کشید. این اصطلاح هم یکی از آن واژدسازی‌های جدید است که می‌خواهند با آن هر چیز منفی را توجیه کنند و در این مورد حتی زد و بندهای اقتصادی را بپوشانند. این دیالوگ دیگر مونولوگ شده است. بن از این طریق به همدست سرویس مخفی ایران تبدیل شده است. سازمانی که دولت آلمان را مثل خرس به رقص آورده است.

«گفتگو»، از جمله گفتگوی انتقادی، مستلزم آن است که طرف مقابل حداقل برخی از استدلال‌های مطرح شده را بپذیرد و مواضع خود را تغییر دهد. اما تهران چنین نمی‌کند. حتی بردهاری طرفداران بسیار اغماض‌گر ایران مانند آن ماری شیمل شرق‌شناس، که با تکفیر رشدی نیز تا حدی ابراز توافقم کرده بود، یا ناپدید شدن سرکوهی به سر رسیده است. این متخصص امور ایران که در کتب متعدد از تفاهم میان اسلام و مسیحیت دفاع کرده و بدین خاطر، جایزه صلح کتابفروشان آلمان را دریافت کرده است، امضای خود را پای یک نامه سرگشاده دسته‌جمعی به دولت آلمان گذاشته است که در آن از دولت خواسته شده است برای نجات جان سرکوهی به تهران فشار وارد آورد.

این باید برای ملایان عبرت‌انگیز باشد که حتی دوستی مانند شیمل که تا کنون می‌گذاشته است که حکومت ایران آن قدر از او تجلیل کند، در اینکه تهران با استدلال قانع شود، شک دارد. با این حال حتی اگر بن وارد عمل شود – ابزارهای دیپلماتیک، از یادداشت اعتراض سفیر آلمان تا اخراج افراد معینی از دیپلمات‌های ایرانی و حتی قطع رسمی روابط را در بر می‌گیرد – نظر به خشونت و نخوت رژیم ایران، بیم آن می‌رود که همه اعتراض‌ها نیز کاری از پیش نبرد. اما این برداشت بدبینانه نباید مانع آن شود که دولت آلمان در تفهیم موضوع به ملایان، تا حد قطع مناسبات اقتصادی که برای آنها دردناک‌تر است، پیش رود. حدود دو میلیارد مارک لطمه به صادرات آلمان، در مقایسه با تحقیرهایی که بن از جانب تهران تحمل می‌کند، و تلاش‌های مداوم رژیم برای به ریشخند گرفتن نظم حقوقی آلمان، بهای نسبتاً اندکی است. این قبل از هر چیز تفاوت محسوس سرکوهی در درک از دولت است که مانع از نزدیکی است، چرا که بر خلاف غرب و اندیشه‌های مسلمانان روشنفکر، اسلام‌گرایان تهران و نیز سایر افراطیون در نقاط دیگر جهان اسلام، بافشاری می‌کنند که دین و دولت جدایی‌ناپذیرند. در چنین دولتی، خدا به صورت کلام نقل شده از پیامبر، یعنی قرآن، عالی‌ترین مرجع قدرت است. و آنهایی که به عنوان رهبران روحانی، مدعی انحصار در تفسیر کلام خداوند هستند، برانند که حق حکومت از آن آنهاست.

اسلام‌گرایان، مکاتب حقوقی غربی را به عنوان

می‌پذیرند از خود سوال می‌کنم رهبران ما چه فکر می‌کنند. آنها البته زیاد درباره برنامه‌های خود صحبت نمی‌کنند. بغیر از حرفهای معمول بیهوده ناشی از ابزار شادمانی، در مقابل مردم ساکت هستند سکوت می‌کنند. یکی از دلایل می‌تواند این باشد تا زمانی که پروسه صلح، در سرکز قرار گرفتن PLO و رهبری آن را تضمین می‌کند، همه چیز مجاز است. رهبری که اینگونه توسط اسرائیل مورد فریب قرار می‌گیرد راهی بجز وعده‌دادن ندارد تا سوءرهبری خود را بپوشاند. در این اواخر رهبری فلسطین با افرادی محاصره شده است که بر طبق میل او حرف می‌زنند و در فکر جمع آوری وسایل و ماشین شیک و خانه و غیره و یا سفرهای رسمی به کشورهای مختلف هستند یک روز در استکهلم روز دیگر در پاریس بعد در پکن و قاهره. که البته هیچکدام لازم نیست. سوم اینکه تاکتیکهایی بوجود آمده است که شرایط حقارت‌بار را می‌پذیرد برای اینکه روزی امتیازات بزرگی بگیرد. یا اینکه اسرائیلی‌ها چیزهایی را پس بدهند. چهارم اینکه این تفکر که بالاخره «سیاست چیز کیفی است» نقش بازی می‌کند. دشمن ما در حالی که تمام امتیازات را در دست خود دارد، برای ما چند چیز کوچک پرت می‌کند.

شاید دلایل چند دیگری وجود داشته باشد ولی هیچکدام این را توضیح نمی‌دهد که چگونه خلق فلسطین وضعیتی را که هر روز بدتر می‌شود می‌پذیرد. در بین مشاوران عرفات زنان و مردان باهوشی وجود دارند برخی از آنها تاریخ طر لاتنی مبارزه سیاسی دارند. چرا آنها سکوت می‌کنند.

چرا با استعدادترین آنها حاضر شده‌انددر مقابل یکسری امتیازات مادی همکاری کنند. آنها می‌دانند و آشکارا گفته‌اند که اشتباهات عرفات در چند سال گذشته، فلسطینیها و عربها را به پایین ترین نقطه تاریخ خود سوق داده است. چرا سکوت – چرا همکاری آنها هیچ وظیفه‌ای در مقابل حقیقت و آرمانهای خلقی که بی‌حقوقی آنها را بسیار بیشتر از آنکه PLO بدست آورده است می‌شد تخفیف داد، ندارند؟ اکنون نیز وزیر امور خارجه آمریکامادلین آلبریت و دنیس روس پروسه صلح را به همان ترتیب ادامه می‌دهند. اکثر مردم در اروپا و آمریکا قانع شده‌اند که صلح وضعیت را در «منطقه» بهتر کرده است. و برای اولین بار در تاریخ سی‌ساله، فلسطینی‌ها صلح بدست آورده‌اند.

سردرگمی فلسطینی‌ها دراین است که از یکطرف ما

اختراعات غیرمجاز بشری رد می‌کنند. هر کس که با دولت الهی مخالفت کند، از نظر اسلام‌گرایان، بر ضد خدا برمی‌خیزد. به او برچسب کافر می‌زنند و او را مورد پیگرد قرار می‌دهند. و اگر متهم، مسلمان باشد، اما با عقاید سیاسی خود به زعم رژیم ثابت کند که از اسلام برگشته است، حکم مرتد را دارد و جان او ارزشی ندارد. بدین ترتیب، حکام تهران راه ابوبکر، نخستین خلیفه را ادامه می‌دهند. ابوبکر اندکی پس از مرگ پیامبر، از اتهام ارتداد استفاده کرد تا توجیه مذهبی برای جنگ علیه قبایل شورشی را بیابد.

این نشان‌دهنده وضعیت اسفبار جنبش موسوم به «اسلامی» است که درست در قرن بیستم که در آن اسلام در قبال غرب احساس حقارت می‌کند، اتهام ارتداد هر چه بیشتر مورد استفاده قرار می‌گیرد. در حالی که در دوره شکوفایی اسلام در قرون گذشته، جرم ارتداد محلی از اعراب نداشت. یکی از جملات محوری قرآن، این است: «لا اکراه فی‌الدین»، در دین، اجباری نیست (سوره دوم، آیه ۲۵۶). اندیشمندان و عالمان مذهبی لیبرال و اصلاح‌طلب مسلمان، این جمله را مبنای طرفداری خود از برده‌باری مذهبی قرار می‌دهند. اما اسلام‌گرایان رادیکال در حکومت ایران، به این آیه قرآن همانقدر بی‌اعتنایی می‌کنند که در مورد سرکوهی به قانون اساسی خود بی‌اعتنا هستند. این قانون اساسی، در اصل ۲۸ خود، به صراحت «هر شکل از شکنجه برای گرفتن اقرار یا اطلاعات» را ممنوع کرده است.

محمد سعید الاشماوی، منتقد مصری اسلام‌گرایی، که مؤکداً خواستار جدایی دین و دولت است، موضع سکولار خود را درست بر این فکر استوار می‌کند که سیاست، چیزی کثیف است. الاشماوی چنین استدلال می‌کند که هر گونه درهم‌آمیزی دین و سیاست الزاماً به آلوده شدن دین می‌انجامد. با ماجرای سرکوهی، حکومت ایران بدون اینکه خود بخواهد، ثابت می‌کند که این منتقد اسلام‌گرایی چقدر در انتقاد خود دقیق است.

یک اصل مهم حقوقی اسلام این است که یکی از عالی‌ترین انگیزه‌های عمل، مصلحت مسلمانان است. اما نقض حقوق بشر توسط حکومت ایران و سایر جریانات و حکومت‌های اسلام‌گرای رادیکال، به شدیدترین وجه به مصلحت مسلمانان لطمه می‌زند. تهران، خود را به انزوا و اقتصاد ایران را که به قدر کافی ضعیف شده است، به ورشکستگی می‌کشاند – چیزی که به ضرر خود مردم ایران تمام می‌شود.

و برای اسلام نیز که انقلاب در تهران ظاهراً برای خدمت به آن به راه انداخته شد، رژیم چیزی جز ضرر به بار نمی‌آورد و به شدت آب به آسیاب افرادی مانند ساموئل هانتینگتون و طرفداران رو به ازدیاد این استاد دانشگاه هاروارد می‌ریزد. این محقق آمریکایی، می‌گوید اسلام «مرزهای خونین» دارد. هانتینگتون با سخنان خود به استقبال «برخورده تمدن‌ها» بین فرهنگ غربی و اسلامی می‌رود. این امر را بُن باید به دوستان خود در تهران با اعمال قدرت سیاسی و اقتصادی بفهماند. به نفع خود آنهاست که بن چنین کند.

اما اگر دولت آلمان، به فریاد کمک سرکوهی اعتنایی نکند، بر افزایش جایزه برای سر رشدی اغماض نماید و «انتقاد» خود را به نامه‌های عاری از هرگونه تعهد و زیر خارجه محدود سازد، تهران کماکان از یک گفتگوی جدی سرباز خواهد زد و باز هم منتقدان رژیم ناپدید خواهند شد. سهراب مشیری برگردان:

می‌خواهیم نشان بدهیم که صلح می‌خواهیم و از طرف دیگر این «صلح» وضعیت همه ما غیر از تعداد محدودی تاجر، رؤسای امنیتی و مقامات خودمختار فلسطین را بدتر کرده است.

از شش ماه پیش رسانه‌های مهم آمریکاو اروپا و روزنامه‌ها و رادیو و تلویزیون از داستانهای دیپلماسی، از مذاکرات، بی‌بست‌ها و قطع گفتگوها و غیره خبر شده است. ولی هیچ ذکری از زندگی واقعی فلسطینی‌ها نیست. هیچ گزارشی در مورد هزاران دانشجوی غزه که نمی‌توانند به مدارس و دانشگاههایشان در کرانه غربی بازگردند چون از طرف اسرائیلی ممنوع شده است. نیست. درباره فلسطینی‌های زندانی، که هنوز در اسرائیل تا حد مرگ شکنجه میشوند، درباره مشکلات خانواده‌ها در غزه یا یک پدر بیکار و ۸ فرزند گزارشی نیست. خوانندگان در اروپا و آمریکایی درباره فشارهایی که بطور مرتب و هر روزه بر فلسطینی‌هایی وارد می‌شود که از خود در مقابل مهاجرین یهودی و ارتش اسرائیل فاع می‌کنند، نمی‌دانند و همچنین درباره نقاط کنترلی که در کرانه غربی در دست اسرائیلی‌هاست و ورود به آن برای فلسطینی‌ها ممنوع می‌باشد. آنها درباره زندگی تحت رژیم تفترانگیز عرفات که کتاب، مجله و روزنامه یا ممنوع هستند و یا سانسور می‌شوند، چیزی نمی‌دانند. استفاده‌کنندگان رسانه‌های غربی کجا می‌توانند این را ببینند که اسرائیل فلسطینی‌ها را مجبور می‌کند که این تقسیم‌گیر قابل تصور و جنایتکارانه تقسیم به مناطق A&B&C را بپذیرند. با این تقسیم اسرائیلی سعی می‌کند که حق حیات ملتی را مانع شود. همه اینها را که کنار هم بگذاریم و همچنین ناامیدی فلسطینی‌ها را در نظر بگیریم، وظیفه ما ایجاب می‌کند که واقعیت زندگی هر روزه را تحت پروسه صلح بدون آرایش و با جزئیات تا حد امکان توضیح دهیم. ما باید به دنیا نشان دهیم که خلق ما تحت اشغال چه می‌کشد، ما باید از روند صلح که قرارداد الخلیل بی‌شک از تیره‌ترین نتایج آن است، گزارش دهیم. وضعیت کنونی نمی‌تواند ادامه پیدا کند. بی‌عدالتی گسترده برای فلسطینی‌ها. آنطرف اسرائیلی‌ها با مهاجرین مهاجم و بنیادگرایان مذهبی باافسان خشن و رژیم ناتوان و شهروندانی که از هرگونه تحرک خسته شده‌اند – این وضعیت ناپایدار است آنقدر ناپایدار که مذاکرات به سبک الخلیل دیگر نمی‌تواند پیش رود.

برگردان:

شها فرید

### حق قدرتمندان

بقیه از صفحه ۱۲
اسرائیل و فلسطین به فرماندهی اسرائیلی اداره می‌شود. عرفات احتمالاً امیدوار بود که یک برنامه زمانی برای تخلیه منطقه C تعیین شود. منطقه C شامل ۷۳ درصد کرانه غربی (بغیر از بیت‌المقدس) است و تحت کنترل کامل اسرائیل باشد و تمامی شهرک های مهاجرنشین، راههای ارتباطی و مناطق نظامی رادر برمی‌گیرد. بجای همه اینها، رهبر فلسطینی‌ها بایستی یا یک سری «پذیرش موارد» از طرف اسرائیلی‌ها رارضی می‌شد که به هیچ وجه برای طرف مقابل اسرائیل پایبندی به اجرای آن موارد را ایجاد نمی‌کند. این درست است که برای جابجایی از منطقه B برنامه زمانی تعیین شده است، اما این جابجایی ارتش به یکسال دیرتر موکول شد و مناطق از نظر جغرافیایی مشخص نشده‌اند.

همانطور که زیورک تایمز در گزارش خود می‌نویسد: «این که چه مناطقی باید به فلسطینی‌ها واگذار شود کاملاً در اختیار و سنجش اسرائیلی است» در قرارداد اسلو –۲ در واشنگتن نیز تعیین مرز جغرافیایی مناطق وبرنامه زمانی خروج اسرائیل حذف شده بود. عرفات به روشنی و با تمام نیرو در مقابل آن مقاومت کرد اما فشار امریکایی‌ها او را به امضای قرارداد کشاند. مقاومت او مقابل امضای قرارداد الخلیل بایستی شکستهای قبلی او را جبران می‌کرد ولی این بار هم او ناکام ماند. تعجبی ندارد که او در مقابل تمام سئوالات خود را کنار کشید. این مسئله سری نیست که آمریکابه میانجی سیاست خاورمیانه‌ای خود یعنی دنیس روس و گروه او اختیار داده بود که عرفات را تحت فشار شدید قرار دهند. برای هیئت امریکایی پیشرد سیاست اسرائیل که در مرکز آن حفظ استقرار مهاجرین مسلح بود از اعتماد هزاران فلسطینی که میانجی‌گری آمریکا را داوطلبانه قبول کرده بودند، مهم تر بود. و این نشان داد که آمریکا میانجی صادقی نیست. از آن گذشته بین تان یاهو و روس وجه اشتراک مهمی در هدف استراتژیکی وجود داشت: هیچگاه نباید به مسئله خودمختاری واقعی فلسطینی حتی نزدیک شد.

واقعیت این است که برای فلسطینی‌ها امروز ۳/۵ سال بعد از شروع مذاکرات اسلو یک «خودمختاری» بدست آمده است و آن هم فقط در قسمت بسیار جزئی از کرانه غربی که

## تنگ شیائوپینگ سیاستمدار برجسته چین درگذشت

۱۹ فوریه تنگ شیائوپینگ، که بویژه در ۲۰ سال اخیر در سرنوشت سیاسی چین نقش تعیین‌کننده را ایفا کرده بود در ۹۲ سالگی درگذشت. در اطلاعاتی که حزب کمونیست چین در این مورد انتشار داد خاطر نشان کرد که «او یک رهبر عظیم و یک مارکسیست بزرگ و انقلابی پرولتری، یک استراتژیست نظامی و دیپلمات بود او یک کمونیست مبارز با تجربه و رهبر رفرفرم‌های سوسیالیستی در چین، طرفدار بازگشایی کشور و مدرنیزه کردن و طراح تئوری ساختمان سوسیالیسم یا ویژگیهای خاص و چینی بود».

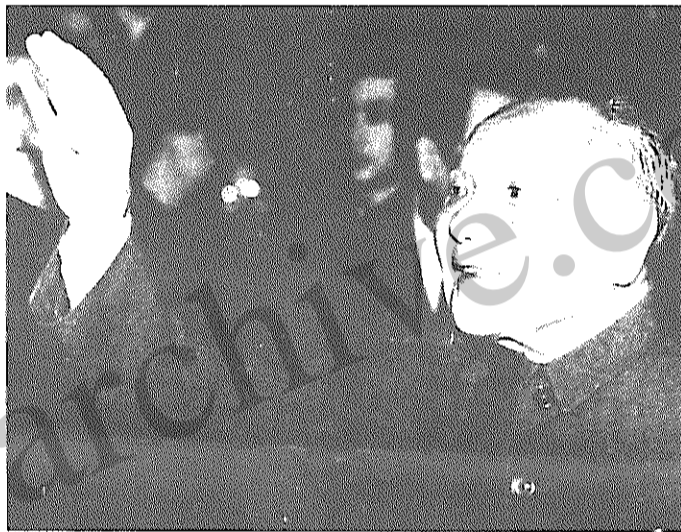
نام تنگ شیائوپینگ با تغییر از دوران «انقلاب فرهنگی» به دوران «رفرم و سیاست درهای باز»، از سیاست «افراطی سوسیالیسم دولتی» به «سوسیالیسم به روایت چین» پیوند خورده است.

تنگ شیائوپینگ در سال ۱۹۰۴ در ایالت سچوان در جنوب غربی چین در یک خانواده مرفه زمیندار متولد شد. در ۱۶ سالگی به عنوان کارآموز به فرانسه رفت. او در فرانسه با افکار سوسیالیستی آشنا شد.

تنگ شیائوپینگ، توسط چوئن لای در سال ۱۹۲۴ به حزب کمونیست چین وارد شد و در اواسط دهه ۲۰ به شوری رفت تا در دانشگاه سون یاتسن به تحصیل بپردازد. او در سال ۱۹۲۶ به عنوان یک انقلابی حرفه‌ای به کمونیست‌ها پیوست. تنگ در سالهای طولانی انقلاب چین و در جنگ‌های پارتیزانی در کنار مائو قرار داشت و درکنگره حزب کمونیست چین در سال ۱۹۴۵ به عضویت کمیته مرکزی انتخاب شد و در تصفیه روشنفکران از سال ۱۹۵۷ از مائو حمایت کرد، تنگ در سالهای بعد از تن مائو با عنوان «با گامهای عظیم به سوی کمونیسم» فاصله گرفت و در کنار لیوشائوچی که مدل شوروی را ایده‌آل می‌کرد، قرار گرفت به همین خاطر در انقلاب فرهنگی به عنوان

دومین عامل اصلی بعد از لیوشائوچی مورد حمله قرار گرفت و از مسئولیت‌ها کنار گذاشته شد، «و کلاه بوقی» بر سر او گذاشته شد. اما دوستی دیرینه تنگ شیائوپینگ با چوئن لای زندگی او را نجات داد. مائو در سال ۱۹۷۳ باز دیگر او را به مسئولیت‌های مرکزی فراخواند و در امور اقتصادی به کار گرفت. در آن دوره جناح رادیکال چپ که حول مائو شیائوچینگ شین گرد آمده بودند، و بعدها به «باند چهار نفره» معروف شدند، از دشمنان سرسخت او بودند. آنها معتقد بودند که مبارزه طبقاتی در سوسیالیسم نیروی اصلی و مسلط باید باشد، منحرف شده است و تز معروف او را «گره چه سیاه

بار دیگر او را پایین کشیدند. اما مائو به او اجازه داد که درحزب بماند تا «بتوان رفتار او را تحت نظر گرفت» چند ماه بعد از مرگ مائو در سال ۱۹۷۶ «باند چهار نفره» با عملیات سریع السیر پلیس و ارتش کنار گذاشته شد و یک سال بعدتر تنگ شیائوپینگ در رهبری حزب قرار گرفت و رفرفرم را آغاز کرد. او کونهای شوری را برچید، در کونهای دهقانی سیستم پرداخت اجباری به دولت را حذف کرد و بازار آزاد دهقانی را بوجود آورد که به رشد بیسابقه تولید محصولات کشاورزی انجامید. با اجرای این رفرفرم‌ها در جنوب چین مناطق ویژه کشاورزی با عناصر سیستم سرمایه‌داری شکل گرفت و کشور به



تنگ شیائوپینگ در سال ۱۹۸۲ در جریان دیدار خود با رهبران حزب کمونیست چین

و چه سفید، سهم آن است که موش بگیرد»، بیان‌کننده پراگماتیسم می‌دانستند، که برطبق آن مهم نیست که متخصص کمونیست باشد. در سال ۱۹۷۶ وقتی که گروه عظیمی از مردم در میدان تیان‌من سالگرد درگذشت چوئن لای را برگزار می‌کردند، «گروه چهار نفره» به یک تهاجم دست زده و

## حق قدرتمندان

ادوارد سعید

برگرفته از هفته نامه آلمانی «دی تسایت»

مهاجم در مرکز یک شهر در واقع عربی مسانده‌اند، بیش از همه بنیادگرایی را شامل می‌شود که گلدشتیان و بعدتر نوام فریدمن در آنجا سکونت داده‌اند.

شهردار به من گفت «چنانچه بگذاریم مهاجرین یهودی در مرکز شهر بمانند، شهر تقسیم می‌شود و اسرائیلی‌ها نمونه الخلیل را در تمام شهرها تعمیم خواهند داد و بدین ترتیب سلطه شان را در تمام کرانه غربی مستحکم می‌کنند». حرفهای آنچه ناشنیده ماند و خود اسرائیلی‌ها نیز از امتیازات فراوانی که در این مذاکرات بدست آوردند، متعجب گشتند.

فلسطینی‌ها در الخلیل فرمولی را برای «همزیستی» پذیرفتند به این ترتیب که ۴۵٪ یهودی تحت حمایت ارتش اسرائیل، ۲۰٪ درصد از بهترین مناطق تجاری را در اختیار داشته باشند در حالیکه ۱۶٪ هزار فلسطینی ساکن شهر باید به ۸۰٪ درصد بقیه راضی باشند، با قیود و شروطی که قسمت عربی شهر را در عمل به حاشیه قسمت اسرائیلی نشین تبدیل می‌کند.

زمانی رشد می‌کند که سطح زندگی به‌طور مرتب بالا رود. این امر می‌تواند مدت‌ها طول بکشد ولی خطرناک نیست، چرا که حزب کمونیست آن را کنترل می‌کند. او عقیده داشت که به ۴ عامل باید پایبند بود. پایبندی به مارکسیسم - لنینیسم، به ایده‌های مائو تسه‌تونگ، نقش رهبری کننده حزب در جامعه و به سوسیالیسم. تنگ عادی سازی روابط دیپلماتیک را با دیگر کشورها در دهه ۸۰ و ۹۰ پیش برد و در مورد هنگ کنگ طرح اندیشه «یک کشور - دو سیاست» بود.

تنگ شیائوپینگ معتقد بود که ثبات اجتماعی پیش شرط پیش برد رفرفرم‌های اقتصادی است. او در سال ۱۹۸۹ به تظاهرات دانشجویان در میدان تیان مین را به وسیله یورش ارتش درهم شکست و جان‌نشین احتمالی اش زائو زیانگ را کنار گذاشت. زیرا زائو زیانگ معتقد بود که تحرک اقتصادی را باید با سیستم سیاسی مناسب هماهنگ کرد. به وسیله جدایی حزب از مناصب دولتی، با ایجاد دولت حقوقی و عدم تمرکز تدریجی - این تئوری با کنار گذاشتن زائو زیانگ در حزب کمونیست چین شکست خورد.

تنگ شیائوپینگ در سال ۱۹۸۹ از مقام‌های رسمی کناره گرفت و سیانگ زمین به جانشینی او انتخاب شد. سیانگ ز زمین اکنون به سمت رهبری حزب، بالاترین مقام دولتی و عالیترین مقام ارتش مهم‌ترین مسئولیت‌ها را در چین بعهده دارد. به مناسبت مرگ تنگ شیائوپینگ از طرف سران بسیاری از کشورها پیام‌های داده شده که در آن به نقش مهم او در رفرفرم‌های اقتصادی و بازگشایی مرزهای چین اشاره شده است.

به مناسبت مرگ تنگ در چین ۶ روز عزای عمومی اعلام شد. در مراسم تشییع جنازه او دولت چین از هیچ شخصیت بین‌المللی دعوت نکرد.

بعد نیز کنترل امنیتی نقاط ورودی و خروجی، کنترل بی‌آب و تمامی حاکمیت در اختیار اسرائیل قرار دارد. روز بعد از امضای قرارداد، روزنامه‌های اسرائیلی از قول نتان یاسو نخست‌وزیر اسرائیل و شارولسکی وزیر تجارت و صنعت نقل کردند که الخلیل مانند قبل اسرائیلی می‌ماند و آن را با فاکت و اعداد توضیح دادند که این خود استمرار کنترل اسرائیل را به روشنی بیان می‌کند. روز بعد از آن، برخلاف قبل در تفسیرها و مقالات اسرائیلی صحبت از کشور اسرائیلی بسیار آید. این سناریوی اسکیزوفرنی باید به فلسطینی‌ها نیز بر بخورد که می‌خواهند باور داشته باشند پیشرفت در روند دیده می‌شود، در حالی که پیشرفت در جهت عکس وجود دارد.

در تلویزیون آمریکا، هنگام پخش صحنه امضا قرارداد بین عرفات و نتان یاسو، نگاههای خشمگین عرفات کاملاً محسوس بود. او همان شب از آمریکا رفت. او احتمالاً مدتها در پی تضمینی اسرائیلی - آمریکایی و تعیین برنامه زمانی برای عقب نشینی ارتش اسرائیل، یا درست تر بگویم جابجایی آن از منطقه B بود. (منطقه B شامل برخی مناطق روستایی فلسطینی است که ۲۳ درصد کرانه غربی را شامل می‌شود و تحت کنترل مشترک ارتش و عبور مرور شهری، اما از این

## روند تحولات در حزب چپ دمکراتیک ایتالیا

کنگره چهار روزه حزب چپ دمکراتیک ایتالیا «PDS» از روز پنج‌شنبه بیستم فوریه آغاز شد. این کنگره وظیفه تبیین هویت حزب را بعهده دارد. مسئله اساسی این است که PDS چگونه حزب است و به چه حزبی فرا خواهد روئید. این حزب شش سال پیش با جدا شدن از حزب کمونیست ایتالیا پایه گذاری شد، بقایای حزب کمونیست، حزب احیای کمونیستی را تشکیل دادند که در انتخابات آوریل ۹۶ ده درصد آرا را بدست آورد.

حزب چپ دمکراتیک با ائتلاف «درخت زیتون» در انتخابات پیروز شد و با ۲۱ درصد آرا و ۱۳۸ نماینده به قوی‌ترین حزب موجود ایتالیا بدل گشت. همچنین ۱۱۰ هیئت نمایندگی در مورد طرح پیشنهادی حزب پیرامون رفرفرم در قانون اساسی و تغییرات در دولت رفاد اجتماعی تصمصیم خواهند گرفت. «د ال‌ما» رهبر این حزب در برنامه خود که در کنگره به بحث گذاشته خواهد شد، طرفدار تبدیل حزب به حزب دموکراسی و پیشبرد خط مشی اروپای متحد می‌باشد.

برخی از منتقدین حزب PDS معتقدند که جهت رفرفرم‌های پیش‌بینی شده با انتظاراتی که این حزب در جریان انتخابات بین مردم پیرامون تغییرات اساسی در دولت و جامعه برانگیخته همخوانی ندارد.

## آلبانی: مزه تلخ کاپیتالیسم

پس از شکست ایتالیا در جنگ دوم جهانی آلبانی توسط ارتش سرخ آزاد گردید و قدرت به دست کمونیستها به رهبری انور خوجه منتقل گشت. آلبانی در زمان انور خوجه به کشور «فئودالیزم سئنگر بیتی» معروف شد. وی طراح سیاست «نه شرقی، نه غربی» و عامل انزوای سیاسی - اقتصادی و عقب‌ماندگی این کشور بود. این کشور اینک شاهد بزرگ‌ترین «کلاهداری مالی» در تاریخ خود است.

از سال ۱۹۹۱ آلبانی روند ورود به اقتصاد بازار آزاد را آغاز نمود. حزب «دمکراسی» به رهبری «سالی بریشا» برای کسب قدرت سیاسی به همه شهروندان آلبانی توید «پیشرفت اقتصادی» داد. اما واقعیات اقتصادی آلبانی چیزی آنسوی وعده‌های انتخاباتی است. تولید ناخالص ملی آلبانی در سال ۱۹۹۶ به یک سوم آنچه رسید که در سال ۱۹۸۹ بود. آمار رسمی بیکاران آلبانی ۱۴٪ اعلام شده است که از واقعیت حاکم بر آلبانی بسیار دور است. در شهر پنجاه‌هزار نفری «لوشنایا» تنها ۳۰ نفر در کورده اجرایی و یک آسیاب کار می‌کنند. در شهرهای دیگر شرایط بدتر از این است. رشد اقتصادی این کشور برابر «صفر» است. از هر هفت نفر شهروند آلبانی یک نفر بر اثر فقر اقتصادی وادار به مهاجرت شده است. گفته می‌شود مافیای ایتالیا از میان مهاجران این کشور «سربازگیری» کرده است.

با آغاز روند اقتصاد بازار آزاد در آلبانی یک‌سری شرکت‌های مالی بوجود آمدند. این شرکت‌های «مخروطی» با وعده بهره‌های ۱۰۰٪ تا ۱۲۰٪ سود سرمایه شهروندان این کشور را به سرمایه‌گذاری تشویق می‌کردند. با جذب هر سرمایه گذار جدید بهره سرمایه گذارهای پیشین پرداخت می‌شد تا زمانی که دوسوم سرمایه در گردش یعنی بیش از یک میلیارد دلار در اختیار شرکت‌های «Vefa و Kamberi» درآمد و تمامی سرمایه‌های سرگردان جذب این شرکت‌ها شدند. با کسب سرمایه گذاران جدید، پرداخت بهره به اعضای این شرکت‌ها ناممکن شد. طی مدت دو هفته مدیران این شرکت‌ها که گفته می‌شود پشتیبانی مالی مبارزه انتخاباتی رئیس جمهور را بر عهده داشتند، تمامی سرمایه جمع‌آوری شده را به خارج منتقل کردند. یک میلیون نفر از اهالی آلبانی عضو این شرکت‌ها هستند که اینک تمامی پس‌اندازهای خود را از دست داده‌اند.

شهرهای آلبانی هر روز شاهد تظاهرات خشونت‌آمیز و درگیری مردم با نیروهای انتظامی است. دولت این کشور از یک سو وضعیت فوق‌العاده اعلام نمود و از سوی دیگر قول داده تا ۶٪ از زبان مردم را پرداخت نماید. ناظران اقتصادی این قول را بی‌اساس می‌خوانند زیرا دولت آلبانی فاقد توان اقتصادی است. این کلاهداری مالی برای آلبانی نه تنها عواقب اقتصادی جبران ناپذیری را به همراه خواهد آورد، بلکه دامنه آن سیستم سیاسی این کشور را نیز دربرگرفته است.

## پیروزی اپوزیسیون در بلگراد

پس از سه ماه تظاهرات مسالمت‌آمیز نیروهای اپوزیسیون در یوگسلاوی، مجلس این کشور بر پیروزی اپوزیسیون در انتخابات محلی صحنه گذاشت. اتحاد نیروهای اپوزیسیون «سایدنو» که در طول جنگ صربها، کرواتها و مسلمانان بوسنی در مقابل سیاست‌های میلوویچ سکوت کرده بود، با پایان این جنگ و تحریم‌های بین‌المللی باردیگر با شعار انتخابات آزاد و آزادی مطبوعات پا به صحنه سیاسی این کشور گذاشت.

ناظران مسائل یوگسلاوی اتحاد «سایدنو» به رهبری «جینچچ» که فردی پراگماتیک و «دراسکوویچ» که دارای تمایلات ناسیونالیستی افراطی است را متحدی پایدار نیدانند. علاوه بر این از یک سو قدرت سیاسی مسئولیت‌های محلی که اپوزیسیون آنها را در انتخابات به خود اختصاص داد، بسیار محدود است. از دیگر سو قدرت اجرایی آنها بدلیل بحران اقتصادی یوگسلاوی با مشکلات جدی روبرو خواهد بود. پیروزی اپوزیسیون در یوگسلاوی اما جو سکوت در این کشور را شکست.

## یک چهارم جمعیت جهان

در فقر بسر می‌برند

طبق گزارش «وضعیت اجتماعی در جهان» که موسسه توسعه سازمان ملل انتشار داده است از هر چهار نفر در دنیا یک نفر در فقر زندگی می‌کند. روزانه تعداد کسانی که در «فقر مطلق» بسر می‌برند و کمتر از یک دلار در روز درآمد دارند ۶۸۰۰۰ تن افزایش می‌یابد. این گزارش را گوستاو اشپت رئیس این موسسه داده است. علیرغم رشد اقتصادی در جهان که طبق گزارش سازمان ملل از سال ۹۴ به بعد ۲/۵ درصد بوده است، فقر و بیکاری افزایش می‌یابد. طبق گزارش ۹۷/۹۶ سازمان جهانی کار یک میلیارد نفر در جهان بیکار هستند.